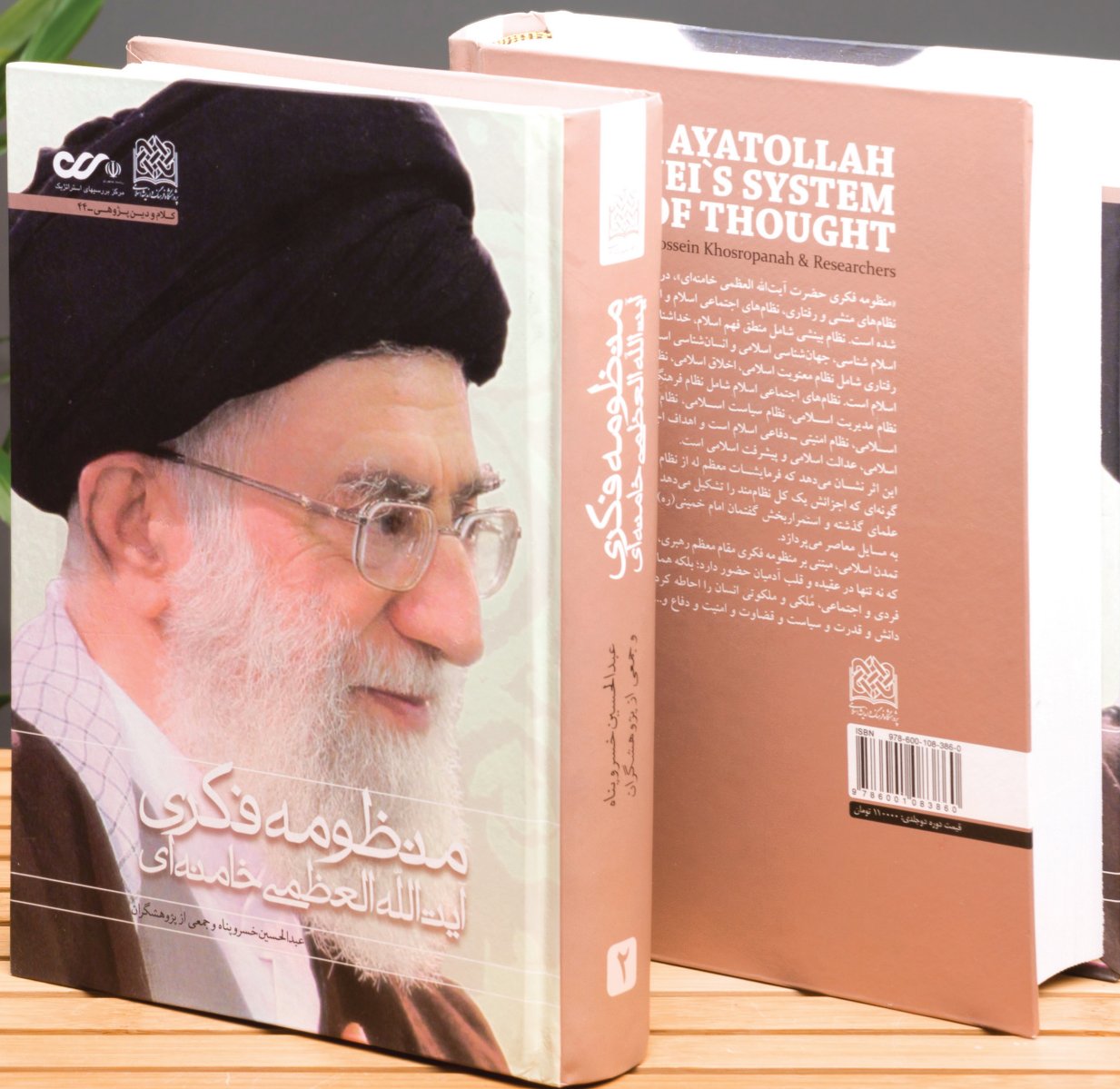


# مکتوب انقلاب

با آثار و گفتاری از آیت الله رشاد، آیت الله حسینی بوشهری، حجت الاسلام خسروپناه، دکتر فرهاد رهبر

حجت الاسلام ذوعلم، دکتر موسی حقانی، حجت الاسلام مهدوی زادگان و...



گفتاری از آیت الله علی اکبر رشاد، رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره شخصیت ذوفنون مقام معظم رهبری

## قدردانی از یک فرصت تاریخی

مقام معظم رهبری در حوزه روشنفکری و نقد مدرنیته از پیشروترین منتقدان هستند. بعضی تفکراتی که ایشان در عرصه نقد مدرنیته و نقد جریان روشنفکری وارداتی و مقلد است. در عین اینکه خود ایشان برخاسته از بستر جریان روشنفکری دینی ایران اند. زمانی که کلمات و افکار ایشان در عرصه روشنفکری جهت بخش بود، بسیاری که امروز مدعی اند، هنوز به عرصه روشنفکری یا نگذاشته بودند. مباحث و مفاهیمی را طرح کردند که در مخیله بسیاری هم نمی گنجید و به ذهن آنها هم خطور نمی کرد

### طرح نظریه تهاجم فرهنگی

هنگامی که ایشان نظریه تهاجم فرهنگی را طرح کرد، این موضوع به این شکل، سابقه ای حتی در سطح فراملی هم نداشت. بنده چون در جریان طرح این نظریه بودم و تدارک جلساتی را به عهده داشتم که ایشان به بهانه آن جلسات، این نظریه را مطرح فرمودند، بیشتر و چندین سال قبل از آن، زمانی که ایشان رئیس جمهور بودند، دو سال پیاپی و به بهانه سالگرد تأسیس سازمان تبلیغات، در حوزه هنری، نظریه تهاجم فرهنگی را مطرح کردند. لکن در آن زمان به عنوان رئیس جمهور و با حضور سیمای نورانی و خورشیدسان امام عزیز، این بیان ایشان بسا منعکس نشد، اما اوایل رهبری، مجدداً این موضوع را طرح فرمودند. سال ها بعد از مطرح شدن این نظریه بعضی از دوستان ما در بعضی سفرها به اروپا و یا کشورهایی مثل مصر جزوات و کتاب هایی آورده بودند که به بحث تهاجم فرهنگی پرداخته بود. مثل الغزو الثقافي از دنیای عرب که راجع به تهاجم فرهنگی بحث کرده بود.

مقام معظم رهبری در حوزه روشنفکری و نقد مدرنیته از پیشروترین منتقدان هستند. بعضی تفکراتی که ایشان در عرصه نقد مدرنیته و نقد جریان روشنفکری وارداتی و مقلد است. در عین اینکه خود ایشان برخاسته از بستر جریان روشنفکری دینی ایران اند. زمانی که کلمات و افکار ایشان در عرصه روشنفکری جهت بخش بود، بسیاری که امروز مدعی اند، هنوز به عرصه روشنفکری یا نگذاشته بودند. مباحث و مفاهیمی را طرح کردند که در مخیله بسیاری هم نمی گنجید و به ذهن آنها هم خطور نمی کرد، یعنی ایشان مابین بیست تا چهل سالگی جزء پیشروترین روشنفکران دینی ایران قلمداد می شدند و ارتباط هایی با جریان های روشنفکری شبه قاره و دنیای عرب داشتند. بعضی از آثار آنها را هم در همان زمان ترجمه کردند. بنابراین، ایشان در این حوزه از پیشاهنگی و پیشکسوتی برخوردار هستند و غالب جریان های روشنفکری، حتی الحادی و سکولار نیز به این مسئله اذعان دارند. در حوزه تولید علم و تولید علوم انسانی، ایشان پرچمداری می کنند و در این خصوص بحث های وسیعی را طرح کرده اند که در جهت تاسیس و تقویت زیرساخت این حرکت است.

در خصوص تحول حوزه، ایشان از پیش از انقلاب آرمان تحول حوزه را مطرح می کردند. در دیدار سال گذشته حوزه تهران با ایشان، در متن فرمایش های ایشان اشاره کردند که این موضوع تحول حوزه را خیلی سال است که مطرح می کنیم. بعد از مراسم، سر سفره عرض کردم که این موضوع را ان شاء الله ما تعقیب می کنیم و ایشان مجدداً تأکید فرمودند که این دغدغه قدیمی ما است. حرف کهنه ما است. به



مقدمتاً باید راجع به نعمتی که امروزه جهان اسلام و به ویژه مردم ایران، از آن برخوردارند مختصری عرض کنم، تا مقدمه ای باشد برای سایر مباحث. شاید جز عهد رسول خدا ﷺ، هیچ روزگاری به اندازه عهد و روزگار ما، و آن سان که نسل ما و عهد ما از آن برخوردار است، از ویژگی ها و خصوصیات بی نظیر و تکرار نشدنی و بی مثالی برخوردار نبوده است. از جمله برخورداری های نسل ما رهبری شخصیت بزرگی چون حضرت امام ﷺ است. مرد عظیمی که نسل ما هرگز و هرگز او را نشناخت و نه نسل های آتی او را به درستی نخواهند شناخت. مرد بزرگی که در تاریخ بشر چرخش ایجاد کرد و در حیات انسان معاصر یک چرخش تاریخی پدید آورد. این مسئله ای نیست که ما به عنوان مریدان و شیفتگان و شیعیان فکری او بیان کنیم، بلکه جهانیان به آن اذعان دارند و تاریخ نیز گواه آن است. وقایع چهل سال اخیر دنیا گواه این مطلب است که این مرد جهت تاریخ را تغییر داد. در پی آن بزرگوار، خلف صالح ایشان چونان این تغییر و چرخش را به کمال رساندند.

به یک نظریه شهره هستند و بر این نظریه، محققین متعدد در سرزمین های مختلف کار می شود؛ مثلاً نظریه برخورد تمدن ها، فردی حرفی زده و در سراسر جهان روی آن کار می شود. نفر دیگری هم در مقابل آن، مثلاً نظریه همراهی و هم سویی و گفت و گوی تمدن ها را مطرح می کند. البته برخی از اینها نظریه نیست، بلکه پیش بینی و تلقی ای است که از اوضاع کنونی جهان ارائه می شود. این مسئله متفاوت است از زمانی که نظریه ای با مجموعه ای از میانی معرفت شناختی، چکمی، انسان شناختی و دیگر جنبه های مربوط به آن ارائه شده باشد. بعضی از نظریه هایی که ایشان ارائه کرده است نظریه هایی در سطح جهانی است، اما مثل حضرت امام ﷺ که شخصیت سیاسی ایشان مانع شد حتی وجه فقهی و اصولی، حیث عرفانی، و جهات مدیریتی ایشان خوب شناخته شود و شخصیت منشوروار ایشان تظاهر پیدا کند و بین عموم عیان گردد، به لحاظ در نظر بودن وجهه سیاسی شخصیت حضرت امام ﷺ؛ بعضی از ابعاد درخشان شخصیتی مقام معظم رهبری هم مورد توجه واقع نشده است.

انقلاب است؛ مردی به لحاظ جامعیت، بی نظیر و دست کم کم نظیر؛ مردی به جهات مختلف سرآمد؛ شخصیتی منشوروار، که ابعاد و اضلاع گوناگون، متفاوت و بلکه مختلف و متضاد را در خود جمع کرده است. همگی ما با شخصیت فکری ایشان آشنا هستیم و غالب ما پیش از انقلاب، وقتی مشهد مشرف می شدیم، آنگاه که تشریف حاصل می شد، به محضر ایشان هم به عنوان یک شخصیت پیشگام، پیشرو و جزء پیشاهنگان مبارزات و روشنفکران انقلابی مشرف می شدیم و از آن زمان به ساحت ایشان ارادت داریم.

علی القاعده غالب ما قریب به نیم قرن به ساحت این بزرگوار ارادت داریم و ارادت می ورزیم. ایشان به لحاظ فکری شخصیتی روشنفکر به معنی ال کلمه هستند؛ شخصیتی نوآندیش به معنی ال کلمه؛ شخصیتی نظریه پرداز به معنی ال کلمه و شخصیتی پیشاهنگ و پیشتاز به معنی ال کلمه. مجموعه نظریه هایی را که ایشان در نیم قرن اخیر و از اوان جوانی تا کنون، مطرح فرموده اند یک منظومه فکری را تشکیل می دهد. بعضی از نظریه پردازان

در طول تاریخ شیعه، بزرگانی بوده اند و تاریخ ما آکنده از حضور نوایغ و نوادر، فقیهان، حکیمان، مصلحان، صالحان، صدیقان، شهدا و بزرگ مردانی است که بشریت و امدار عظمت آنهاست و حضور و وجودشان در عرصه حیات انسان و تاریخ، نفعی به مقیاس جهانی داشته است. ما به لطف الهی و به برکت مکتب اهل بیت ﷺ از این گونه بزرگان کم نداشته ایم، اما به جهاتی، نظیر حضرت امام و رهبر معظم انقلاب را کم نداشته ایم. راجع به حضرت امام سخن کم گفته نشده است، هر چند که به حد کفایت بحث نشده و چنان که عرض شد شخصیت او حتی برای ما که نزدیک ترین ها به ایشان هستیم شناخته شده نیست. درست مثل مردم دماوند که هرگز قله دماوند را نمی بینند و بسا آنهایی که دورتر هستند، هیبت و هیئت و عظمت این عارضه طبیعی را بهتر ببینند، تا کسانی که در دامنه آن زیست می کنند. شاید کسانی که احياناً قرونی از این قله بشری فاصله بگیرند، عظمت او را بهتر از ما که در دامنه او زیست می کنیم، مشاهده کنند. اما به تصور حقیر، مظلوم تر از حضرت امام، رهبر معظم

## نگاهی وسیع؛

## تفکری جامع و بینشی نافذ

یادداشت دکتر فرهاد رهبر

رییس دانشگاه آزاد اسلامی



در عصر غیبت زعامت جامعه اسلامی در پرتو دلایل عقلی و نقلی بسیار به فقیه جامع شرایط می‌رسد. حضرت امام علیه السلام در کمال دانش و دانایی و درک جامع از مسائل در دوره حقیقان و استبداد طاغوت نظریه ولایت فقیه را از دل شریعت اسلامی با دانش و بصیرت تنقیح و باز تولید کردند.

ولی فقیه پس از انقلاب در وجود نورانی خود ایشان تبلور یافت و پس از آن زعامت جامعه اسلامی در دستان با کفایت مقام معظم رهبری قرار گرفت. تجربه چند دهه ولایت حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بر جامعه اسلامی سرمنشأ خیرات و برکات بسیار در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود.

نظام بینشی ایشان مبتنی بر گفتار شیعی بر خاسته از تفکر اسلام ناب محمدی و رویکردی توحید محور است که در جای جای رفتار، کلام، سیره و نگاه این عالم ربانی موج می‌زند.

وسعت نگاه ایشان و تفکر جامع نسبت به مسائل از جلوه‌های بی‌نظیر تفکر شیعی در جهان پرتلاطم امروز است، دشمن شناسی و توجه به توطئه‌های خصمانه دشمنان کوردل ملت ایران و نفوذ کلام ایشان در مردم بارها و بارها امنیت را به جامعه اسلامی بازگردانده و خشم و عصبانیت دشمنان و صهیونیست‌های غاصب را به اوج رسانده طوری که ایران امروز در بین کشورهای جهان به کشوری امن شهره است.

بینش و بصیرت بلاانکار معظم له در ایجاد وحدت بین احزاب و گروه‌های جامعه از بسیاری از اختلافات و تفرقه‌های خانمان سوز جلوگیری نموده و مسیر توسعه و تعالی کشور عزیزمان ایران را با اتکال به دانش بومی فراهم کرده است.

توجه همیشگی ایشان به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی و اتکال به جوانان و فرزندان این سرزمین گونه‌ای بی‌نظیر از بیگانه ستیزی و پاسداشت هویت اسلامی و ایرانی این سرزمین در طول تاریخ معاصر را به نمایش گذارده، بی‌شک توجه به اندیشه و منظومه فکری ایشان و رونمایی از یک کتاب در این زمینه سند افتخار تاریخ ایران است که آشنایی نسل جوان با آن می‌تواند آینه تمام‌نمایی از شوراداری اسلامی و معنویت‌گرایی الهی و گره‌گشای بسیاری از مسائل و دردها و رنج‌های مردم باشد و برای همیشه نصب العین زمامداران و دولتمردان این سرزمین باقی بماند.

امروز دانشگاه آزاد اسلامی مفتخر است رونمایی از کتابی پیرامون زندگی و شخصیت مقام معظم رهبری را رونمایی کند که مطلع الغزل مسیر ترویج ارشادات و رهنمودهای ایشان در بین جوانان، دانشجویان، استادان و سرتاسر جامعه اسلامی باشد.

مشی مقام معظم رهبری در تهذیب نفس، دوری از دنیاگرایی، سادگی، و پرهیز از ریا و تزویر پرتویی روشن از یک رهبر فرزانه و فریخته را نشان می‌دهد که شکرانه این نعمت بر سر مردم ایران به درگاه خداوند همیشگی است. بی‌شک برگزاری مراسم رونمایی از کتاب منظومه فکری مقام معظم رهبری (زعیم ذوقنون) در دانشگاه آزاد اسلامی منجر به آشنایی بیشتر و بهتر نسل سوم انقلاب با دانش، بصیرت، شخصیت، اندیشه و عظمت نگاه معظم له می‌شود که جای بسی خرسندی است و امیدوارم جوانان و دانشجویان و استادان بتوانند از این اثر فاخر نهایت استفاده را داشته باشند.

اینقدر احساساتی شده بود که یک دفعه زد زیر گریه. این مرد یک مرجع و فقیه و شخصیت سیاسی است. نگاه راجع به نمایشنامه، رمان و داستانتان و ادبیات مدرن جهان این‌گونه فنی صحبت می‌کنند. ایشان یک بار فرمودند من اغلب مجموعه داستان‌هایی را که رمان نویس‌ها و داستان نویس‌های حوزه هنری نوشته‌اند دیده‌ام، می‌خواهم از این نویسندگان تقدیر کنم و به آنها حق‌التألیف بدهم. یک جمع هفتاد نفره را خدمت ایشان بردیم که آثار همگی را ایشان خوانده بودند، همه اینها را نقد و حاشیه و تاریخ و ساعت هم زده بودند که اکثر آنها را بعد از نیمه شب مطالعه کرده بودند. البته این مجموعه بعداً به چاپ هم رسید.

## قدردانی از یک فرصت تاریخی

فقیه جامع، فقیه فخیم و به عقیده حقیر فقه اعلم. اعلی‌ت دست‌کم به سه شاخص است، اول اینکه مبانی و معارفی که اجتهاد در گرو تسلط بر آنهاست در اختیار فرد باشد. تسلط بر اصول، رجال، کلام، بعضی مباحث حکمی، تاریخ و... که مایه‌های اجتهاد را به انسان می‌دهند. تسلطی مجتهدانه و نه دایره‌المعارفی. دایره‌المعارف‌های سیار و متحرک بسیار هستند، ولی برای اجتهاد کفایت نمی‌کند. اینها به ما کمک می‌کنند تا حکم را فهم کنیم. دوم موضوع شناسی و فهم موضوع است. اگر کسی موضوع شناس نباشد مجتهد نیست. حکم را بر چه چیزی بار می‌کنیم؟ فهم موضوع شرط اساسی اجتهاد است. سوم، جودت فهم است. مرحوم سید در عروه می‌فرماید: «اعلم، من کان او یكون، اجود استنباطاً». اصلاً اجودیت در فهم و استنباط ملاک اعلی‌ت است. تیزهوشی و تیزفهمی. دست ایشان به لحاظ جامعیت در مباحث و علوم پر است. سال‌های سال مدرس سطوح عالی بوده‌اند. در موضوع شناسی بی‌نظیر هستند. در عین اینکه جایگاه فقهی عظام بالای چشم ماست، قطعاً احدی از فقهای معاصر را نداریم که در فهم موضوعات امروز با ایشان قابل مقایسه باشد و تا این حد در مواجهه مستقیم با مسائل روز باشد. به لحاظ اجودیت در فهم، هوشمندی و تیزهوشی ایشان بی‌نظیر است. یک شخصیت عظیمی که به لحاظ فقهی قطعاً در روزگار ما کم‌نظیر است.

دیگر اعظم به جای خود، ما شاگردان آنها بودیم و به شاگردیشان نیز افتخار می‌کنیم، اما به عقیده حقیر طلبه، گرچه عرض من حجت نیست، ایشان به مفهوم دقیق اعلی‌ت، اعلم فقهای روزگار هستند. این را هم به تبع بیانه جامعه مدرسین عرض نمی‌کنم، بلکه پیش از جامعه مدرسین در همین نماز جمعه تهران و پیش از خطبه‌ها این را عرض کردم و به آن اعتقاد دارم. به جهت اینکه به‌عنوان یک طلبه

تشخیص می‌دهیم و تشخیص ما هم حداقل برای خود ما جهت است. از این مطالبی که مطرح شد نتیجه بگیریم که ما این نعمت را در اختیار داریم. تکلیف ما در پیگیری رهنمودهای ایشان مضاعف است. فارغ از مسائل قانون اساسی، حقوقی و حتی جهات شرعی که ایشان ولی‌امری هستند و به لحاظ حقوقی رهبر هستند، ایشان یک شخصیت برجسته جامع علمی، فکری، فرهنگی، حوزوی و به حیثیات گوناگون، سرآمد در دسترس ماست و رهنمود می‌دهد. باید این فرصت تاریخی را قدر بدانیم. والسلام.

خوانده، حاشیه زده و نمایه‌سازی کرده‌اند و این کار را هم بعد از انقلاب انجام داده‌اند. یک فقیه باید بداند که موضوع موسیقی چیست و بعد فتوا بدهد. حدود هفده، هجده سال پیش بود که ایشان یک روز صبح تا غروب تشریف بردند صداوسیما. بعد از ظهر یکی از آقایان اهل موسیقی

به من زنگ زد که ما قطعه و غزلی را که شما در استقبال از غزل ایشان، سروده‌اید با یک گُر چهل و پنج نفره در محضر ایشان اجرا کردیم. ایشان بعد از اجرا گفتند که من خیلی از موسیقی سردر نمی‌آورم ولی به حکم ذوق فطری چند نکته می‌خواهم بگویم. آن فرد متبحر به من گفت وقتی ایشان وارد بحث شد آنچنان راجع به موسیقی فنی حرف زد که دانش‌آموختگان و متخصصان موسیقی صدا و سیما همگی مبهوت شدند - متن فرستاد که این هم از جمله مطالبی است که در حدیث ولایت نیامده است؛ در آنجا ایشان تحلیلی از موسیقی ارائه می‌کنند و حکم و فتوایی مطرح می‌کنند که غیر از فتوای مشهور ایشان است.

در شعر ایشان از صاحبزنان و ادبای ارزشمند این سرزمین اند. هم در مقام سرودن، شعر فاخر می‌گوید، که البته منتشر نمی‌شود و جزو، سه از ایشان سراغ نداریم. هر چند گاهی فرصت‌هایی پیش آمده که در محضر ایشان بودیم و اشعار آنها خوانده‌اند. قطعاً اشعار ایشان، جزء شعرهای خوب روزگار ماست.

این را به‌عنوان یک طلبه آشنا به این حوزه عرض می‌کنم. از قریب به چهل سال پیش در جلساتی طبع و نظر ایشان را دیده‌ام. از جلسات دو نفری گرفته تا سه چهار نفره و جمع‌های بزرگ‌تر. متعدد دیده‌ام که ایشان با اساتید فن مثل مرحوم طاهره صفارزاده و آقای حسین آهی - که احتمالاً برجسته‌ترین عالم به علم عروض و قافیه امروزند - وارد بحث جدی می‌شوند و این دوستان در نهایت نظر دقیق ایشان را می‌پذیرند. در جلسه‌ای عزیز گفت رباعی یک وزن دارد که «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم» است؛ ولی

ایشان ۲۴ وزن خُرد را راجع به رباعی بحث کرده‌اند. در حوزه فیلم همین طور. مکرر در جلسات، اعجاب اهل فضل و تخصص را از اطلاعات دقیقی که ایشان در مقام صحبت در مقوله فیلم و سینما و نمایشنامه نویسی ابراز کرده بودند، دیده و شنیده‌ام. یکبار فرد شاخصی جمعی از اهالی همین حوزه‌ها، که البته به رحمت خدا رفتند، مفضلاً از تعجب اهل فن وقتی آقا راجع به بعضی از این نمایشنامه‌ها و رمان‌های بزرگ صحبت کردند نقل می‌کرد. یکبار فرمودند، چند صد رمان بزرگ جهانی را خوانده‌اند. این مطلب واقعا با توجه به اشتغالات دیگر ایشان شگفت‌آور است. آن فردی که عرض کردم نقل می‌کرد آن جلسه را

ایشان عرض کردم که مدتی پیش در سوابق به جزوه ای برخوردیم منتشره سال ۶۳. شاید خاطرتان باشد که سال ۶۳ سه یا چهار مدرسه با حدود هفتصد طلبه داشتیم - و در آن زمان مدرسه منسجم و با برنامه در تهران کم بود، جز مدرسه حضرت آیت‌الله

هاشمی و مرحوم آیت‌الله مجتهدی، و تا حدودی مروی - برای ایراد سخنرانی تشریف آوردید، مباحثی را در همین باب مطرح کردید - که البته متأسفانه دیدم در حدیث ولایت هم نیامده است - و ما همان زمان تحت عنوان «ارمان تحول حوزه» منتشر کردیم. عرض این است ایشان در امر تحول حوزه، ارتقا و اصلاح حوزه جزء پیشگامان هستند، در کنار مرحوم شهید مطهری و دیگران. بحث پیشرفت ورزشی و الگوی پیشرفت را که طرح فرمودند، افق جدید و نگاه بدیعی در تمدن‌سازی است. این

نکته را با تامل و مطالعه عرض می‌کنم. حقیر عضو شورای الگوی پیشرفت هستم و در آنجا به لحاظ نظری کار مفصلی روی این موضوع صورت گرفته است؛ از مبانی و بنیادهای این نظریه، تا نهاد‌های تحقق این نظریه؛ و سیر و روندی که باید در جهت پیشرفت طی شود؛ و آنچه که احیاناً در قالب الگو محقق خواهد شد. ایشان نظرات پیشرو و بیانات دقیقی در این حوزه‌ها دارند. از این دست نظرها و نظریه‌ها، اگر بر شمرده شود، بسیار است.

## شناخت دقیق از مقوله فرهنگ

همچنین از جهت دیگر شخصیتی، ایشان به لحاظ فرهیختگی و فرهنگ شناسی و فهم فرهنگی سرآمد هستند. مسئله فرهنگ مسئله بسیار پیچیده‌ای است. ما به سادگی این کلمه را به زبان می‌آوریم، گاه مطالب فرهنگی را مطرح می‌کنیم و احیاناً مطالب نظری راجع به فرهنگ می‌گوییم، اما به‌طور حقیر شاید بتوان ادعا کرد که از مقولات عمده و نرم‌افزاری حیات بشر کمتر چیزی به پیچیدگی مقوله فرهنگ است. ایشان در بحث‌های حکمی و همچنین کاربردی فرهنگ، در باب مقوله فرهنگ و مطالعات فرهنگی و فرهنگ‌پژوهی، نظریات بسیار دقیق و جدی‌ای دارند. همین‌طور در شناخت فرهنگ، حال فرهنگ بالمعنی الاصح و الاوسع یا بالمعنی الاخص و مباحثی که در این زمینه‌ها مطرح می‌فرمایند بسیار گسترده، دقیق و عمیق و شگرف است.

ما در حوزه فرهنگ، نظریه‌پرداز اسلامی نداریم. در این خصوص فقط چند کتابچه، از جمله از مرحوم علامه جعفری علیه السلام داریم با نام فرهنگ پیشرو، فرهنگ پیرو. حتی از فیلسوفان مسلمان به ندرت یک کتاب یا یک مقاله راجع به فرهنگ یافتنی است. این در حالی است که در جهان بسیار در این خصوص کار شده است. کتاب‌هایی منتشر شده است با حجم دویست تا چهارصد صفحه که فقط در تعریف فرهنگ بحث کرده‌اند. ایشان در این حوزه صاحب‌نظر هستند و بحث‌های نظری بسیار جدی و قابل بحث و تأملی در این زمینه دارند. از جمله در شناخت ابعاد و لایه‌های فرهنگ.

در حوزه هنر، در بسیاری از مقولات هنری ورود دارند و بعضاً به شکل حرفه‌ای مسلط هستند. وادی و حوزه‌هایی که شاید ما تصور کنیم به حوزه کاری و شان علمی و جایگاه اجتماعی و فرهنگی و کشوری ایشان ارتباطی ندارد، برای مثال موسیقی. ایشان به لحاظ فنی، شناخت بسیار دقیقی از موسیقی دارند. «الآغانی» هفده جلدی ابوالفرج اصفهانی را ایشان

دکتر عبدالحسین خسروپناه از ۲ سال تلاش برای تولید یک اثر فاخر می گوید

## تحقق دغدغه دیرینه

علمیه است. گاهی اوقات ناظر به کل کشور است، گاهی مخاطب نظام بین المللی است، خیلی مهم است که بدانیم کدام بخش جزو منظومه فکری است کدام بخش فرعی و تبعی و مقطعی است.

### چرا تولیدات با ارزش و پر محتوا در این عرصه کم است؟

یکی از نکات این است که ما از تحقیق برای تدوین این کتاب استفاده کردیم که توانمند هستند. متأسفانه گاهی اوقات دوستانی که به تدوین فرمایشات مقام معظم رهبری می پردازند، کسانی هستند که از سطح علمی لازم برخوردار نیستند و صرفاً به یک سری تحقیقات ترویجی می پردازند، البته آنها هم خوب است اما یک سری کارهای عمیق تری لازم داریم. به عنوان مثال موضوع اقتصاد مقاومتی موضوعی بسیار مهم است که اقتصاد کشور را درگرو می کند و کشور را از بحران نجات می دهد یا وقتی حضرت آقا دارد در مورد زندگی در یجنورد صحبت می کنند این طور نیست که به ذهن شان برسد و صحبت کنند، این ضرورت مهم جهان اسلام و بشریت است. تمام مطالبی که بیان می کنند، محقق باید بنشینند و آنالیز و تحقیق کند و بعد ارتباط مباحث را با هم پیدا کند و سپس ارتباط مطالب را در ساحت بینش، منش و کنش تفکیک کند تا معلوم شود که این منظومه حول چه محور اصلی می چرخد.

### مهم ترین آسیب هایی که می تواند آثار این چنینی را تهدید کند، چیست؟

یک تهدید جدی که اندیشه امام و اندیشه مقام معظم رهبری را ممکن است دچار آسیب کند، التقاط است. فرض کنیم مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی صحبت می کند پس از آن افرادی آن سخنان را با مفاهیم اقتصاد مدرن و سوسیالیستی تغییر می دهند و می گویند که در حال اجرای اقتصاد مقاومتی هستیم در حالی که در حقیقت اقتصاد غیر مقاومتی است. مثلاً می روند قراردادی با توتال می بندند و می گویند این در راستای اقتصاد مقاومتی است، از ماشین خارجی تا سنگ پا را وارد می کنند و می گویند در راستای اقتصاد مقاومتی است. در فصل برداشت سبب مردم ارومیه، سبب وارد کشور می کنند و می گویند در راستای اقتصاد مقاومتی است. بعضی ها با این عملکرد سخنان رهبری را به تمسخر می گیرند و بعضی هم بر اثر جهل دچار این کارها می شوند. باید دغدغه مندان ببینند، می کنند و باید کسانی که به این جریان تعلق دارند، بنشینند و تحلیل دهند. نهضت تولید علم، نهضت نرم افزاری، نقشه جامع کشور، الگوی پیشرفت اقتصاد مقاومتی، مهندسی فرهنگی و... این ها مفاهیمی است که حضرت آقا بیان کردند و این اصطلاحات را مکرراً در باره اش سخن گفتند و ترویج کردند. نخبران معتقد به جریان انقلاب اسلامی باید سریع ببینند این مباحث را تدوین و شرح دهند. این مباحث را در سازمان ها، نهادها به کار ببرند تا عملیاتی شود. ساختاری که تعلق و وابستگی به نظام و فرمایشات رهبری بیشتر از بسیاری از مجموعه ها که علاقه مند به فرمایشات رهبری هستند این اندیشه ها خوب تفسیر بشود تا به مرور زمان تغییرش ندهند و سریع تر عملیاتی شود و نهاد سازی بشود تا اجتماع بیشتری پیدا بکند.

### باز خورد هایی که بعد از خروج کتاب داشتید، چطور بود؟

استقبال خوبی نسبت به کتاب شده و اشخاص حقیقی، دانشگاهیان، اساتید حوزه، دانشجویان، طلاب این کتاب را تهیه کردند و مطالعه می کنند و بعضی از این عزیزان سالها منتظر نشر این کتاب بودند و تماس می گیرند و ابراز لطف می کنند. تقریباً هفته ای نیست که چندین نفر تلفنی و حضوری ابراز محبت نکنند. به حال منظومه فکری مقام معظم رهبری یک مکتب و یک منشور است و هیچ ربطی هم به نظام جمهوری اسلامی ندارد. این یک مکتب است که باید ترویج کنیم در مقابل کسانی که نظام سکولار و اسلام آمریکایی را ترویج می کنند.



### انجام چنین پژوهش هایی روی اندیشه رهبر معظم انقلاب چه سختی هایی دارد؟

آثار مکتوب حضرت امام دیدگاه طبیعتاً بیشتر است؛ مخصوصاً مباحث مبانی نظری و بینشی حضرت امام در کتاب های مختلفی از ایشان در مباحث فلسفی و عرفانی منتشر شده بود، کار ما را راحت تر می کرد اما فرمایشات مقام معظم رهبری مباحث نظری و مبانی اخلاقی فراوانی داشتند ولی چون اکثراً به صورت سخنرانی مطرح شده بود و هنوز موسسه نشر آثار حضرت آقا مجموعه سخنرانی ها و فرمایشات را عرضه نکرده بودند، کار ما نسبت به تدوین منظومه امام خیلی دشوار تر و سخت تر بود. نکته مهم این بود که گاهی سخنرانی جدیدی توسط ایشان انجام می گرفت و ما باید آن را نیز در اثر می گنجاندیم. مثلاً اقتصاد مقاومتی میحت جدیدی بود که در بخش نظام اقتصادی اسلام گنجاندیم و همچنین ولایت شناسی حضرت آقا نیز تکمیل تر شد. به هر حال فهم کلمات این بزرگان روش اجتهادی دارد. ما خواستیم با حفظ ادبیات مقام معظم رهبری، از عبارات نویسنده برای بیان استفاده کنیم و با این کار در عین حال بیشترین محتوا را نیز منتقل کنیم. بعضی از افراد که درباره مقام معظم رهبری یا حضرت امام مطلب می نوشتند همین جور پشت سر هم عبارات را نقل قول می کنند اما اینکه منظومه وار فرمایشات را با قلم جدیدی اما با ادبیات مقام معظم رهبری تضمین بشود کار دشوار و سنگینی است.

### برای تحلیل و استخراج منظومه فکری حضرت آقا چه باید ها و نباید هایی باید رعایت شود؟

چند تا نکته است که اگر دوستان به مقدمه مراجعه کنند، در آنجا کاملاً همه این موارد را توضیح داده ام. مثلاً فرمایشات حضرت آقا اصلی و فرعی دارد به مناسبت روز کارگر، روز معلم یا مثلاً وقتی مخاطب شان دانشجویان هستند. بخشی از فرمایشات حضرت آقا اشاره به اصول و منطق و اندیشه اسلامی است حالا در عرصه سیاست و اقتصاد و روابط بین الملل و... تشخیص این اصلی و فرعی خیلی کار ظریف و دقیقی است که باید با حوصله و دقت آن را بررسی کرد. نکته دیگر که فرمایشات مقام معظم رهبری بخشی مربوط به مبانی است و برخی مربوط است به راهبردها، گاهی اختصاص به دستگاہها دارد مثلاً خطاب به شورای نگهبان، مجلس خبرگان، حوزه های

پیشنهاد دادیم که ابتدا منظومه فکری امام دیدگاه نوشته شود پس از آن منظومه فکری مقام معظم رهبری، چون این دو برای شناخت نظام فکری جمهوری اسلامی ایران مکمل یکدیگر هستند.

### کار فعلی تا چه حد به اهدافی که در پی آن بودید، نزدیک است؟

این دو کتاب منظومه فکری، مجموعاً دو سال طول کشید. تقریباً می شود گفت یک سال اول این پژوهش را بنده به تنهایی کار می کردم به این صورت که در این زمینه تحقیق می کردم که اصلاً روش منظومه ای چیست. در منظومه فکری چه مختصاتی باید رعایت شود؟ چه مؤلفه هایی باید داشته باشد؟ این منظومه فکری چیست؟ خیلی برای ما مهم بود و کار دومی که من انجام می دادم کل آثار امام و مقام معظم رهبری اعم از کتبی که از این دو بزرگوار چاپ شد با سخنرانی هایی که منتشر شده و نشده و به صورت پیاده شده در موسسه نشر امام و موسسه نشر انقلاب اسلامی وجود داشت را تهیه کردم. و آرشیو مفصلی از اندیشه امام و رهبری جمع کردم. مجموعه این آثار را کامل مطالعه کردم و پرونده علمی هم تشکیل دادم. یک ساختار با زیر مجموعه های نظام بینشی و نگرشی؛ منشی و اخلاقی و کنشی طراحی کردم. البته ساختاری که توضیح دادم حدود ۱۴ بار تغییر کرد تا به این مرحله رسید. هر مطلبی مثل خداشناسی اسلامی و هر کدام از اینها با توجه به محتویات آثاری که استفاده می شد، ساختار درونی هم پیدا می کرد و به محقق می گفتیم که بر اساس این ساختار جدید محتوا را تدوین کند. در واقع شورایی علمی تشکیل دادیم که جمعی از محققان و فرهیختگان دانشگاه بودند که حضور پیدا می کردند و هر ساختار و زیر مجموعه، پیشنهاد داده می شد و در این شورا به تصویب می رسید. مجموعاً در طول این پژوهش و یک سال مطالعات و مباحث تشکیل پرونده و علمی و... راهنمایی صورت گرفت و یک سال هم تدوین و پژوهش نهایی فکری که ما داشتیم یک نظام معرفتی و فکری بود که بر محور توحید و نظام اجتماعی بود و اگر کسی بخواهد نظام جمهوری اسلامی را از طریق این دو رهبر نظام کشف کند این دو مجموعه جدید و تقریباً کامل است.

### گفت و گو سید علی سیدی

حجت الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسروپناه رییس انجمن فلسفه و حکمت ایران سالهاست که در حوزه اندیشه اسلامی به فعالیت می پردازد و آثار مکتوب و فاخر بسیاری از خود به جای گذاشته است. او بعد از ۲ سال فعالیت فشرده با جمعی از پژوهشگران موفق به تبیین و طراحی منظومه فکری رهبر معظم انقلاب شده است که این کار را از دغدغه های دیرینه و جدی زندگی علمی خود می داند. با او در مورد این کتاب و پیشینه آن به گفت و گو نشستیم.

### انگیزه اصلی شما از انجام این طرح پژوهشی چه بود و چه اهدافی را در آن دنبال می کردید؟

تدوین کتاب منظومه فکری مقام معظم رهبری، مبنای یک دلیل و علت است. دلیلی که ما را به این سمت سوق داد، این بود که من سالها در ذهنم ضرورت تدوین منظومه فکری شخصیت های انقلاب بود و معتقد هستم که اگر کسی به شخصیتی منظومه وار نگاه کند، می تواند این شخصیت و اندیشه او را جامع تر و کامل تر بشناسد. به همین جهت ما اندیشه های مهندس بازرگان و دکتر شریعتی را در آسیب شناسی معاصر تدوین کردیم. بنابراین من نظرم این است اگر می خواهیم درباره امام با مقام معظم رهبری چیزی بنویسیم باید یک مطلب نظام مند را تدوین کنیم. اصطلاح منظومه فکری زاینده یک علت است. ما تقریباً ۹ سال پیش با جناب آقای دکتر داودی و جمعی از محققین، تحقیقی را انجام می دادیم به نام منشور جمهوری اسلامی ایران که برای ایرانیانی که تصویر درستی از جمهوری اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران نداشتند، در این کتاب به صورت مختصر و دقیق اطلاعات خوبی به دست می آوردند. آن زمان که ما این کار را انجام می دادیم و زمان زیادی هم گذاشتیم من در یک مقطعی در روز ۱۶ ساعت هم روی این منشور وقت می گذاشتم چون بخش مبانی اش بر عهده بنده بود. کل کتاب حدود ۱۲۰ یا ۱۳۰ صفحه شد. در همان ایام دغدغه کار کردن روی منظومه فکری رهبران نظام برای من ایجاد شد و در جلسه ای که با آقای دکتر داودی داشتیم دغدغه ام را مطرح کردم و ایشان گفتند لازم است این کار توسط شما انجام شود.

دبیر اجرایی پروژه در گفت و گو با «صبح نو» :

# فراز و نشیب های یک پژوهش بنیادین

گفت و گو **حامد نجفی**

حجت الاسلام مهدی شاهرخ اصفهانی از جمله افرادی است که در تحقق این کتاب نقش بسزایی داشته است و با توجه به اینکه دبیر اجرایی این فعالیت بوده، بخش عمده‌ای از فشار کار بر دوش وی بوده. با او هم کلام شدیم تا فراز و نشیب‌های این کار را مورد بررسی قرار دهیم.

## کمی در خصوص کتاب توضیح دهید؟

نام این کتاب، منظومه فکری است، منظومه یعنی افکار یک فرد را به نظم درآوردن و کلیت کار به شکلی است که می‌خواهیم بدانیم یک فرد از نظر اعتقادی، رفتاری و کنش اجتماعی چه دیدگاهی دارد و در کل تفکر یک فرد که به عنوان رهبر اجتماع است و می‌تواند راهبردی و کاربردی در سطح کلان اجتماع نظر دهد؛ چه جاهایی نشأت گرفته است. کتاب هم به حدی بود که مورد استقبال خیل عظیمی از صاحب نظران قرار گرفت و امروزه منتشر شده است، بسیاری از پژوهشگاه‌ها و ارگان‌ها که به صورت راهبردی و کاربردی در زمینه‌های اینجینی مطالبی نوشته‌اند، با توجه به موفقیت کتاب از ما تقاضا کردند در موضوعات دیگر هم با آنها همکاری کنیم.

## ایده انجام این پروژه نخستین بار از کجا شروع شد؟ چه زمانی کلید خورد؟

این پروژه به سفارش مرکز استراتژیک ریاست جمهوری زمان آقای دکتر احمدی نژاد انجام شد. مسوول مرکز استراتژیک در آن زمان آقای داوودی بودند که به دلیل شخصیت علمی‌ای که داشتند چنین فکری را سوار کردند و با آقای دکتر رشاد صحبت کردند و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز این پروژه را به جناب آقای دکتر خسروپناه محول کردند و مدیریت کل این برنامه با ایشان بود. بنده نیز با دستور آقای خسروپناه به عنوان مدیر اجرایی، کار را به عهده گرفتم و خود ایشان نیز به ما راهنمایی علمی می‌دادند. بعد از گفت و گو‌هایی که انجام شد در سال ۹۱، هیاتی تشکیل شد و آقای دکتر حکمت‌نیا به عنوان سر تیم هیات بودند و جناب آقای دکتر خسروپناه هم مسوول هیات علمی و مسوولیت مدیریت علمی را بر عهده داشتند و دوستان دیگر هم آمدند به عنوان هیات علمی، نظرات ارائه شد و بر طبق آن طرح اولیه شکل گرفت که به صورت کلی مشکل از سه قسمت بود که از لحاظ فکری، اخلاقی و عملیات اجتماعی نظریات یک فرد را جمع آوری کنند و هر کدام از این سه بخش، زیرشاخه‌هایی دارند که هیات علمی برای هر کدام موضوعی انتخاب می‌کنند. پس از اینکه طرح کلی تصویب و زیر شاخه‌های مشخص شد، با هماهنگی هیات علمی، اساتیدی را انتخاب کردیم که در عرصه‌های مختلف این موضوعات کار کرده بودند و برای هر موضوعی دو یا سه نفر انتخاب شدند.

## نویسنده‌ها بر چه اساس انتخاب می‌شدند؟

معیار ما این بود که باید شخصی انتخاب شده در آن موضوع یا کار کرده باشد یا مرتبط با رشته تحصیلی او باشد به عنوان مثال موضوع سیاست که آقای دکتر مهاجرزاده در خصوص مقاله نوشته‌اند، خودشان در گذشته به میزان بسیار زیادی در موضوع سیاست کار کرده بودند. بعد اساتید هیات علمی افرادی را می‌شناختند که در این موضوعات کار کرده بودند، اینها را پیشنهاد می‌دادند و ما همه را مورد بررسی قرار می‌دادیم و سپس در صورت تأیید هیات علمی با آنها وارد بحث درباره موضوع می‌شدیم.

## به نظر شما کتابی که منتشر شده است، چقدر به انتظارات شما نزدیک است؟

با توجه به تلاش‌هایی که دوستان در هیات علمی و در رأس آنها آقای خسروپناه انجام دادند تقریباً می‌شود گفت ۱۰۰ درصد آن چیزی که انتظار داشتیم، انجام شده و مورد استقبال فراوان خیلی از مجامع علمی هم قرار گرفته و خیلی از مراجع علمی به ما برای انجام کار مشابه رجوع کرده‌اند. ما در این پروژه وظیفه نگارش دو کتاب را داشتیم، یکی منظومه فکری رهبری و دیگری منظومه فکری امام بود و اصل کار در مورد همسان سازی این دو



هم خیلی حساس بود چون کار ساده‌ای نبود و دفتر رهبری هم نظارت داشتند و حتی بعد از نوشتن به دفتر خود آقا انعکاس داده شد. ایشان افرادی که در رابطه با افکار ایشان کارشناسانه نظر می‌دادند و دلیل همین ظرافت‌ها با اینکه منظومه امام و رهبری هر دو در کنار هم انجام شد ولی می‌بینیم که پروژه امام یک سال زودتر از رهبری چاپ می‌شود. این به آن علت بود که دفتر مقام معظم رهبری به دلیل حساسیت با دقت بیشتری روی این پروژه بازبینی و کاستی‌های آن را اصلاح کردند. تا خدایی ناکرده نکته‌ای انعکاس داده نشود که نظر رهبری در آن نباشد و باز خورد منفی داشته باشد.

## در عرصه اجرایی کار، بزرگ‌ترین موانع و مشکلات موجود چه بود؟

مانع کلی به لطف امام زمان عجله تعالی فرجه‌ش وجود نداشت و خیلی خوب پیش رفت. مانع کلی ما انتخاب اساتید و پیگیری آنها بود. به عنوان مثال با شخصی ریزنی می‌کردیم و شخص حتی پس از ارائه طرح اولیه از نوشتن صرف نظر می‌کرد و بنده با توجه به مسوولیتی که داشتم، تلاشم بر این بود که نویسنده‌اش شاخص باشد تا به قوت پروژه کمک کند ولی اینکه آن شخص بعد از گذشت چهار یا پنج ماه بگوید من منصرف شده‌ام، این خود مانعی بود که کار را عقب می‌انداخت ولی با توجه به پیگیری‌هایی که بنده حقیر داشتیم کار به نتیجه رسید.

## به نظر شما استقبال مردم و صاحب نظران از این کتاب چگونه خواهد بود؟

اولاً با توجه به اینکه تازه کتاب منتشر شده هنوز به دسته خیلی از افراد نرسیده است ولی آن دسته از افرادی که دغدغه مند و پیگیر مطالب رهبری هستند، حتماً به این کتاب توجه ویژه خواهند داشت چون بسیار جامع و کامل است. آن اوایل که من متوجه انتشار کتاب نشده بودم، یکی از پژوهشگرها با من تماس گرفتند و گفتند ما دنبال کار مشابه هستیم و یک سری موضوعات در ذهن داریم و اگر آمادگی دارید، کار مشابهی را آغاز کنیم. به همین دلیل این کتاب وقتی به دست یک سری از افراد رسید؛ برای موضوعات دیگر استقبال کردند و می‌خواستند در موضوعات دیگر کار کنند و گفتند ما را یاری کنید. کتاب طوری نوشته شده که برای همه قابل استفاده است هم عموم و هم نخبان. قطعاً افراد شاخص و نخبه هستند که بیشتر به زیر ذره بین قرار دادن افکار حضرت آقا علاقه مندند ولی کتاب به گونه‌ای است که عموم می‌توانند استفاده کنند.

چیزی که خیلی مهم است این است که افراد برداشت غلطی از تمدن دارند. ما با توجه به سخنان مقام معظم رهبری و حضرت امام در مورد تمدن و تجدد و مشاهده کردیم که ایشان تعریف جامع و کامل را از تمدن دارند و بیان می‌کنند که برای رسیدن به تمدن نباید مادست از اعتقاد اتمان برداریم. تمدن یعنی پیشرفت در مورد تجدد و تمدن غرب هم می‌فرماید ما تجدد و تمدن غرب را نمی‌پذیریم چرا که آنها در فرهنگ‌شان منحرف هستند و در بقیه موارد هم در عرصه فرهنگی و اجتماعی اقتصادی چیزی را که رشد داشتند را می‌پذیریم و با هم مذاکره می‌کنیم.

## از نقش دکتر خسروپناه در هدایت علمی پروژه برای ما بگویید؟

هدایت کلی این پروژه به عهده ایشان بود و زحمات فراوانی برای این طرح کشیدند، حتی طرح‌های اولیه که از طرف نویسندگان می‌آمد را شخصاً مطالعه می‌کردند و با دوستان هیات علمی مطرح می‌کردند و حتی پس از اینکه دوستان مقاله‌شان را می‌نوشتند، باز ایشان بازنگری می‌کردند و اگر نقصی داشت به آن شخص اعلام می‌کردند تا مبادرت به رفع آن کند و همیشه به ما می‌گفتند که من وقت گذاشتم از سخنرانی‌های دهه ۶۰ هر روزی دو تا سه سخنرانی مطالعه می‌کنم و ایشان با اشرف کامل روی نظرات آقای خامنه‌ای کار می‌کردند و در روز شاید فقط ۵ یا ۶ ساعت روی منظومه کار می‌کردند که بتوانند اعمال نظر کنند. بعضاً اگر یک سری غفلت در نوشته و نویسندگان بود ایشان با توجه به تجربه نویسندگی که دارند، آن را کامل می‌کردند.

## پرداختن به منظومه فکری رهبر انقلاب چه سختی‌هایی دارد؟ چه ظرافت‌هایی باید رعایت شود؟

با توجه به اینکه ایشان به عنوان سکان دار فعلی انقلاب اسلامی هستند و دشمن هم دقت می‌کند که ایشان نهایتاً انقلاب را به چه نتیجه‌ای می‌رسانند و باعث بالا رفتن حساسیت این کار می‌شود و دشمن به دنبال نقطه ضعف است و ما باید با دقت و حساسیت بالاتری عمل کنیم و برای همین بررسی لایه‌های فکری هر فرد کار ساده‌ای نیست. برای شناخت رهبری باید گفتار ایشان را مورد بررسی قرار می‌دادیم و این یک کار طاقت فرسا بود. به همین دلیل شاخه‌بندی کردیم و به افراد گفتیم، در عین توجه به سخنان حضرت آقا، برداشت‌شان را از آن بخش از سخنان رهبری بنویسند و این‌گونه انعکاس هم ظرافت کار را بالا می‌برد و برای ما

فکر بود یعنی این دو نفر از نظر فکری چقدر با هم اختلاف دارند یا چقدر به هم نزدیک هستند که بعد از تحقیقات و جمع آوری مطالب همه ما را بهت زده و شگفت زده کرد که حضرت امام خامنه‌ای دقیقاً همانند امام حرکت می‌کنند و تمام مطالبی که می‌گویند، روش و کنش، تقریباً خیلی نزدیک به حضرت امام است و شاید باید بگوییم همان مطالب، همان ایده، همان روش، همان برخورد، حالا بعضی از اختلافات هم مربوط به زمانه است که ممکن است بعضی از گفتارها یا روش‌ها و کنش‌هایی را رهبری از خود نشان دهند که با امام اختلافاتی داشته باشد که این اختلاف به خاطر اقتضای زمانه است ولی چیزی که وجود داشت و ما به عین مشاهده کردیم این بود که واقعاً فکر رهبری و امام با هم کاملاً همسان است و همان نظریاتی که رهبری دارند، امام هم داشته‌اند.

## درباره آن فصلی از کتاب که خودتان نوشته‌اید برای ما بگویید.

فصلی که ما با آقای خسروپناه کار کردیم بحث تمدن اسلامی از دیدگاه امام و از دیدگاه رهبری بود. تمدن یک مطلبی است که خیلی عمق دارد و مجامع علمی و افراد روشنفکر ما به دنبال تمدن هستند و موضوعی فریب‌انگیز است یعنی تا می‌گویند تمدن یعنی بیایید خودتان را شکل غربی کنید، دست از یک سری اعتقادات‌تان بردارید، دست از یک سری رفتارها بردارید و روش‌تان را عوض کنید. متأسفانه افرادی که عامی فکر می‌کنند و در عین حال شاید از نظر وجه علمی هم قوی باشند، تمدن را به معنای تغییر زندگی تعبیر می‌کنند در صورتی که تمدن به معنای ارتقای زندگی است و ما در زندگی یک سری اصول و کلیاتی داریم که اینها ثابت هستند و یک سری نکاتی هم متغیر، در مورد شکل زندگی در مورد نوع رفتارها، در مورد اصول و کلیات اصلاً تمدن پذیر نیست مثل اعتقاد به خدا، اعتقاد به معادها، هر تمدنی بیاید این اصول کلی به عنوان اعتقاد به خدا تغییر نمی‌کند در صورتی که برخی از افراد تا بحث تمدن می‌شود، می‌گویند دست از اعتقادات بردارید و از اسلام به سوی مسیحیت هجرت کنید و این را تمدن می‌دانند. به عنوان مثال وقتی به خانمی می‌گویند چرا پوشش‌ات درست نیست، این را پای مسیحیت می‌گذارند و می‌گویند من مسیحی شدم، غافل از اینکه اگر به دنبال تجدد هستند، خوب اسلام از مسیحیت نوتر است ولی اگر به دنبال افکار غربی هستند که آن را نه اسلام می‌پذیرد و نه مسیحیت، چرا که احکام مسیحیت و یهودیت بسیار سخت‌تر از اسلام است پس آن



## دستیابی به آرای جهان شناسانه رهبر معظم انقلاب

یادداشت قاسم ترخان

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



اهمیت جهان شناسی را هر کسی پوشیده نیست. برنامه ریزی های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برایدنولوژی ها (باید و نبایدها) و ایدئولوژی ها بر جهان بینی ها مبتنی اند و بخشی از جهان بینی ها را جهان شناسی ها تشکیل می دهند. از این جهت شناخت آرای جهان شناسانه آنانی که رهبری امتی را بر عهده دارند، از مهمترین فعالیت های پژوهشی به شمار می آید.

به منظور دستیابی به آرای جهان شناسانه رهبر معظم انقلاب اسلامی، نوشتار حاضر در سه محور کلان تنظیم شده است:

۱. بخشی به مباحث مقدماتی که شامل تبیین چیستی، ضرورت، جایگاه و مبانی جهان شناسی است، اختصاص یافته که موارد زیر را می توان به اجمال حاصل این قسمت برشمرد:

**الف.** در تبیین چیستی جهان شناسی گفته شده است که جهان شناسی می تواند برداشت جزئی یا کلی از جهان باشد. از بین گونه های مختلف جهان شناسی، بینش فلسفی بر اساس نگاه اسلام به جهان مورد توجه این نوشتار است.

**ب.** ضرورت پرداختن به مباحث جهان شناسانه از آن جهت است که جهان بینی یک آیین و مسلک، به منزله زیرساز و تکیه گاه فکری آن مکتب به شمار می رود و در واقع «چرا» ی هر ایدئولوژی و انتخاب نوع خاصی از زندگی و برنامه ریزی ها، به نوع برداشت کلی آن ها از هستی و جهان، حیات و زندگی و آغاز و انجام امور، وابسته است.

تبیین کارکردهای جهان شناسی در نظامات اجتماعی از جمله چیزهایی که نقش اساسی در تبیین ضرورت پرداختن به اینگونه از مباحث دارد.

**ج.** در بحث مبانی، ضمن امکان پذیر دانستن جهان، بیان شده که دیدگاه رئالیستی مورد پذیرش است و باید به وجود جهان و واقعیتی خارج از ظرف ذهن اذعان کرد.

ذهن انسان این توانمندی را دارد که به درک واقعیات نائل آید. بر این اساس نسبی گرای معرفت شناختی و شکاکیت، مورد پذیرش نیست.

۲. محور دوم این نوشتار به ویژگی های کلی جهان اختصاص دارد.

از جمله مسائل جهان شناسی که از منظر رهبر معظم انقلاب به آنها توجه شده، موارد زیر می باشد:

**الف.** جهان ماهیت ازوایی و به سوی اویی دارد.

**ب.** زیبا، هماهنگ، متفن و برخوردار از نظم و مراتب است.

**ج.** نظام علی و معلولی حاکم بر آن و سنت های قطعی در آن جریان دارد.

**د.** در جهان غلبه با خیر است و آنچه شر به شمار می آید در مقیاس کلی خیر است.

**ه.** همچنین عالم آخرت بخشی از جهان است که اصالت از آن اوست.

این عناصر در مجموع یک نظام بینشی را شکل خواهند داد که در عین سازگاری باهم، ارتباط تنگاتنگی با سایر نظام های بینشی دارند. به بیانی دیگر؛ این عناصر بینشی در حوزه جهان از سویی باهم و از سویی دیگر با نظام های بینشی دیگر مثل خداشناسی، انسان شناسی، ولایت شناسی، جامعه شناسی سازگار و در ارتباط هستند و همگی به مثابه یک سیستم هماهنگ در راستای تحقق کمال و قرب الی الله مورد لحاظ قرار می گیرند.

در این نظام بینشی کلان، توحید پایه و اصل است که تفسیر انسان، جامعه و جهان بر اساس آن صورت می پذیرد.

۳. بخش پایانی این مقاله به کارکردهای عناصر جهان شناسی در نظام های ارزشی و کنشی، اختصاص یافته است.

بی گمان باور به عناصری غیر از آنچه در این نوشتار به آن اشاره شد، می تواند نظام های ارزشی و کنشی متفاوتی را به بار آورد که در آنها محور سود مادی و پیشرفت دنیایی است. به روح علمی توجه ویژه ای نمی شود. یاس و ناامیدی بر آن حکمفرماست، عدالت در آن ارزش کلیدی به شمار نمی آید و ....

سه زاویه از جریان اندیشه رهبر معظم انقلاب

# نظام فکری منضبط و منسجم



سیاسی خاص و پیشینه و میراث تاریخی طولانی و مختص به خود می باشند. بخش اعظم نظرات اقتصادی رهبری مربوط به همین مسائل جاری کشور ایران است. بنابراین همچنانکه خود ایشان نیز تصریح می کنند این دیدگاه ها می تواند در مورد سایر ملل کاربرد نداشته باشد یا اینکه کارکرد آن در برخی شرایط، متفاوت باشد.

### پیشرفت در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی

در این بخش تلاش شده اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در چهارچوبی منطقی و منسجم تدوین و ارائه شود. منبع اصلی مطالب، مجموعه بیانات، پیام ها و نامه های رهبر معظم انقلاب از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ بوده است. از برخی منابع و متون علمی نیز جهت تشریح برخی ابعاد مهم موضوع پیشرفت استفاده شده است. در مجموع مقاله حاوی مهمترین مباحث رهبری در خصوص مفهوم، ابعاد، شاخص ها، مبانی و شرایط و مقدمات پیشرفت می باشد. در ابتدای مقاله ضمن بیان برخی از مهمترین تعاریف عرضه شده در خصوص توسعه و نیز نقد و ارزیابی اجمالی این تعاریف، مقصود رهبری از مفهوم پیشرفت عرضه شده است. در ادامه دیدگاه رهبری در خصوص رویکردهای موجود در مورد پیشرفت و نقد ایشان بر رویکرد تقلیدی و نیز نقد ایشان بر مدل توسعه غربی آمده است. در ادامه تلاش شده مباحث رهبری در خصوص مبانی پیشرفت، مقدمات و الزامات پیشرفت و نیز رابطه عدالت و پیشرفت در نظرگاه ایشان عرضه شود. مجدداً باید توجه داشت رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوزه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گاه به اجمال و گاه به تفصیل موضوعات گوناگون را مورد تحلیل و تبیین قرار داده اند. حجم و کمیت مطالب قابل استنتاج از بیانات ایشان بسیار بالاست. اما آنچه در این میان مهم و اساسی است انسجام و انضباط عجیب در اندیشه ایشان است به گونه ای که کمترین تناقض و تفریق عناصر گوناگون مورد بحث ایشان دیده نمی شود. این انسجام فکری ناشی از مبانی و اصول مستحکمی است که مستند و مستدل تبیین و تصویر شده و تمام بحثها و موضوعات بر پایه همین اصول مطرح و تحلیل شده است. مقوله پیشرفت نیز در همین چارچوب کلی قرار گرفته و تبیین شده است. بنابراین فهم کامل و دقیق نگاه رهبری به پیشرفت منوط به توجه و تدقیق در مبانی اندیشه ایشان است. تذکر این مهم در مقدمه متن حاضر به این دلیل است که به علت تنوع ابعاد و حجم مطالبی که رهبری در خصوص پیشرفت ارائه نموده اند در این مقال صرفاً مطالب و بیاناتی از ایشان آمده که مستقیماً به موضوع پیشرفت مربوط می شود. مجالی برای اشاره به مبانی اندیشه ایشان نیست. در متن حاضر تلاش شده ابعاد مهم و اصلی اندیشه رهبری در خصوص پیشرفت تنظیم و تدوین شود با حداقل تحلیل و اظهار نظر از طرف نگارنده. نکته دیگر اینکه در تنظیم و دسته بندی مطالب تلاش شده منطبق کلان رهبری و نوع دسته بندی ایشان در تقدم و تأخر مطالب مبنا قرار بگیرد.

قرار گرفته مباحث ذیل است:

- اهمیت علم و تحقیق
- نهضت تولید علم و ابعاد و مؤلفه های آن
- الزامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی تولید علم
- آفات و موانع در راه تولید علم
- وظایف گوناگون نهادهای حوزوی و دانشگاهی در عرصه علم

### نظام اقتصادی اسلام در منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

در این پروژه تحقیقاتی و در مقاله نظام اقتصادی اسلام در منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی تلاش شده است برای تبیین بخش اصلی و بنیادین دیدگاه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای در خصوص اقتصاد اسلامی. به طور کلی مقاله شامل دو بخش است. در بخش نخست دیدگاه های بنیادین رهبری در خصوص اقتصاد اصلی آمده است. این بخش شامل مباحثی مرتبط با مفهوم اقتصاد، اخلاق و ارزشهای اقتصادی و مبانی نظری اقتصاد اسلامی است. بخش دوم توضیح دهنده دیدگاه رهبری در خصوص مسائل اقتصادی نظام جمهوری اسلامی است. این بخش شامل مباحثی است در خصوص فعالیتهای اقتصادی (صنعت و معدن، کشاورزی و تجارت)، اولویت ها و طرحهای اقتصادی (تولید، خودکفایی، تورم، اشتغال و...) و نیز مباحثی در خصوص هدفمندی بازارها، مسئله خصوصی سازی، بانکداری اسلامی و صندوقهای قرض الحسنه، مالیات واجب و مستحب و رفتار مصرفی در جامعه اسلامی است. در مجموع رهبری دیدگاههای مفصل و مبسوطی در خصوص ابعاد نظری و عملی اقتصاد بیان داشته اند که در این مقاله مجملی از همه مباحث ایشان آمده است. باید توجه داشت رهبر معظم انقلاب اسلامی، نظرات تفصیلی و جامعی در خصوص ابعاد گوناگون مسائل و فعالیتهای اقتصادی ارائه نموده اند. مجموعه بیانات ایشان در این خصوص هم حاوی مباحث تئوریک و مبنایی بر پایه اصول فکری مکتب اسلام است و هم مشتمل بر نکاتی در خصوص مسائل اقتصادی جاری در کشور ایران است. نکته مهمی که در بررسی نظرات اقتصادی رهبری باید به آن توجه داشت در نظر گرفتن جایگاه حکومتی و مدیریتی ایشان است. به طور کلی نظرات رهبری را می توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش نخست و بنیادین نظرات ایشان که در خصوص اهمیت اقتصاد، نظام اقتصادی اسلام، مبانی آن و شاخصها و معیارهای اقتصاد اسلامی است. این بخش را می توان بعد مبنایی و تئوریک نظرات ایشان دانست که بخش مهمی از تئوری اقتصاد اسلامی از منظر رهبری را بیان می کند. اما بخش دوم دیدگاه های ایشان، ناظر به نیازهای موجود و مسائل مبتلا به کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای موجود در عالم است. باید توجه داشت ایشان رهبری نظام اسلامی را به عهده داشته و در خصوص مسائل اقتصادی جاری کشور دیدگاهها و نکات عملیاتی و راهبردی ارائه می نمایند. دیگر اینکه ایشان رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران را قلمرو جغرافیایی محدود، شرایط فرهنگی و

### یادداشت امیر سیاهپوش

عضو هیات علمی مرکز علوم انسانی اسلامی صدا



دو جلد کتاب «منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای» مجموعه ای است که با مدیریت و تحت اشراف استاد بزرگوار و گرانقدر جناب حجت الاسلام دکتر خسرو پناه به فرجام رسیده است. ساختار این طرح کلان با هدف تبیین علمی نظام کنشی، بینشی و منشی رهبر معظم انقلاب برای استفاده اهل تحقیق، تدوین شده است. در این پروژه تلاش شده تمام ابعاد فکری رهبر انقلاب مورد نظر قرار گیرد و مجموعه مقالات تا حد ممکن تصویری کامل و منسجم از نظام فکری ایشان ارائه کند. وظیفه تدوین و گزارش سه بعد از اندیشه رهبر انقلاب به این حقیر سپرده شد: نظام علمی، نظام اقتصادی و پیشرفت. تلاش شد در این سه مقاله تا حد ممکن تصویری کامل و منسجم از نظام فکری رهبر انقلاب عرضه گردد.

### نظام علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری

آموزش و پژوهش از جمله مهمترین ابزار و عوامل پیشبرد اهداف گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در دنیای کنونی عرصه ای نیست که نیل به اهداف مورد نظر و ارتقای عناصر مؤثر در آن بدون توجه به آموزش و پژوهش تعریف شده باشد. نظام آموزش و پژوهش در نظرگاه رهبری دارای جایگاهی ویژه و بسیار اساسی است.

اما در خصوص این دو مفهوم رهبری تعریف روشنی ارائه نکرده اند و شواهد متعدد در کلام ایشان حاکی از پذیرش برداشت متداول و مرسوم از این دو مفهوم است. به عبارت روشن ترقوتی رهبری به این دو مقوله می پردازند درک عام موجود از آن را می پذیرند. بنابراین بیش از آنکه در خصوص اصل مفهوم بحثی داشته باشند در خصوص ضرورت و اهمیت، شرایط ارتقا و موانع تولید علم اظهار نظر می کنند. نظام آموزش و پرورش در نظرگاه رهبری نظامی است کلان با اجزای متعدد که از عوامل و بخشهای گوناگونی تشکیل شده و نهاد های مختلفی در آن دخیلند: آموزش و پرورش، آموزش عالی و حوزه های علمیه مهم ترین دستگاه های پژوهشی و آموزشی از منظر ایشان به حساب می آیند. نکته ای که باید قبل از ورود به متن به آن توجه کنیم این است که حجم مطالب و نوع توجه رهبری به مسائل آموزشی و پژوهشی در هر کدام از این نهادهای علمی متفاوت است. به عنوان مثال رهبری ابعاد، وظایف و تکالیف مختلفی برای حوزه برمی شمرد که متفاوت با دانشگاه است. بنابراین لازم است هر کدام از این نهادها در متنی متمایز مورد بحث قرار بگیرند. در این مقاله تا حد ممکن تلاش شده موارد مشترک و قابل جمع در یک نظام آموزشی و پژوهشی کلان مورد بحث قرار بگیرد. در مجموع مهمترین مباحثی که در مقاله مورد بحث



## بحثی اجمالی در چیستی، چرایی و چگونگی درک ساختار اندیشه رهبری

# درک یک «اضطرار»

### ۳- ضرورتی برآمده از شرایط تاریخی:

ایران طی سده‌های متمادی مانند سایر نقاط جهان اسلام دچار انحطاط و عقب‌ماندگی‌ای عظیم شد. عقب‌ماندگی در زمینه‌هایی چون تحولات فکری و فرهنگی، علم و فناوری، صنعت، اقتصاد، سیاست داخلی، سبک زندگی و... نمودی تام و تمام یافته بود. از سوی دیگر «استبداد» و «استعمار» به مثابه دلبه یک قیچی علیه «هویت و منافع ملی» ماعمل کرده و روزبه‌روز این انحطاط و عقب‌ماندگی تشدید می‌شد. آنچه که در ایران امروز با آن روبه‌رو هستیم حاصل فرآیند و نشیب‌های گوناگون و تحولاتی تاریخی است. شکل‌گیری انقلاب اسلامی در پی نهضت‌هایی چون نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه، جریان ملی شدن صنعت نفت و قیام ۱۵ خرداد بوده است. در چنین شرایطی و در پی تلاش و مجاهدت‌های علما و دلسوزان ملت و شکل‌گیری یک آگاهی عمومی، نهضت امام خمینی علیه‌السلام با رهبری فقیهی شجاع و دوراندیش مردم به‌صحنه آمده و تحولی تاریخی به‌عنوان «انقلاب کبیر اسلامی» شکل گرفت. این انقلاب همانگونه که در مرحله نهضت و مبارزه برای از بین بردن رژیم دیکتاتوری پهلوی متکی به عنصر رهبری و هدایت امام خمینی علیه‌السلام بود در مرحله شکل دهی به نظام اسلامی و عبور از صحنه‌های دشواری چون دفاع مقدس نیز متکی بر این عامل بوده است. اکنون و در شرایطی که مبارزه با دشمنان زیاد خواه و تکمیل حرکت کلان انقلاب اسلامی وارد مرحله حساس تر «نظام‌سازی» و شکل دهی به «دولت اسلامی» شده درک نظام فکری و مدیریت کلان ولی فقیه به‌عنوان رهبر این حرکت اهمیتی مضاعف می‌یابد. از جنبه‌ای دیگر و از حیث توجه به دستاورد و نتیجه نیز فهم صحیح نظام فکری رهبری ما را در دستیابی به موفقیت و پیروزی باری می‌رساند چرا که این مجموعه حاصل مبانی متقن دینی، برآمده از ایمان اصیل دینی و متکی بر تجربیاتی روشن است. نظام‌سازی اسلامی و ارائه الگویی اسلامی از حاکمیت و زمامداری که ضمن پاسخگویی به مسائل و نیازهای بشر امروزان شکل‌گیری جامعه‌ای اسلامی و پیشرفت مادی و معنوی در عرصه‌های مختلف باشد، مسئله‌ای فوق‌العاده مهم و تعیین‌کننده است. امروز اسلام و کفر در مصافی تاریخی رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و جنگ مُدل ها و الگوهای حکومت‌داری و مدیریت کلان جوامع بشری به مرحله تعیین‌کننده رسیده است. امروز انقلاب اسلامی در مسیر تکاملی خود باید بتواند در حوزه‌های گوناگون اقتصاد، علم و فناوری، سبک زندگی و... الگویی کارآمد را تولید کرده و عملیاتی کند. موفقیت در این نبرد حساس تاریخی بدون رجوع به نظام فکری رهبر این حرکت اساساً منتهی است.



سیاسی نیست، ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی نسبت به آحاد مردم شان هدایت‌گری دارد. از سوی دیگر وظایف یک مؤمن مسلمان در زمانه حاکمیت اسلام و زمامداری حاکم اسلامی به نسبت دوره حاکمیت غیر اسلامی تفاوت‌هایی داشته و از جنبه‌های مختلف وظایفی مهم‌تر و حساس‌تر بر عهده آحاد مردم و به‌خصوص نخبگان، نیروهای انقلابی و مسوولان نظام است. مشخصاً «مسلمان متعبد انقلابی» برای انجام امور گوناگون نمی‌تواند بی‌اعتنا به نظرات و مطالبات رهبری حرکت کرده و بر اساس اجتهاد شخصی خود عمل کند. «درک اولویت‌ها»، «شناخت وظایف» و «عمل به‌نگام و درست» در جهت خواسته ولی فقیه به‌عنوان نائب امام زمان علیه‌السلام و در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب و نظام اسلامی امری مهم و خطیر است که بدون شناخت اندیشه و نظام فکری رهبری به شکل صحیح و حد اکثری ممکن نخواهد بود. چنانچه ما از سر عمل به وظایف به نظام فکری رهبری مراجعه کرده و سعی کنیم به مجموعه آراء و نظرات ایشان به‌شکلی صحیح دست‌یابیم از منظر دینی می‌توانیم تکلیف دینی و انقلابی خود را شناخته، به آن عمل کنیم و ان‌شالله در محضر خداوند حجت داشته باشیم.

### ۲- رجوع به بنیانی مرصوص:

منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای در زمانه ما به مثابه «بنیانی مرصوص» است. رهبر انقلاب اسلام‌شناسی برآمده از مکتب اصیل تشیع علوی است که بیش از نیم قرن مبارزات فرهنگی و سیاسی با هدف حاکمیت دین و جامعه‌سازی اسلامی را در کارنامه دارد. آیت‌الله خامنه‌ای همواره و از سالیان دور دو مقوله «نظرو عمل» را آمیخته به هم و ناظر به رسالت دینی و انقلابی خود دنبال کرده‌اند. مبارزه و مجاهدت برای ایشان همواره در دو بال «فکر و عقیده» از سویی و «اقدام و عمل» از سویی دیگر معنا داشته و تبلور یافته است. در واقع آنچه که از آن تحت عنوان منظومه فکری رهبری یاد می‌کنیم حاصل انباشت این تلاش‌های علمی، فرهنگی و سیاسی در طول سالیان متمادی است. از سوی دیگر عنصر «تجربه» و نظام‌مند کردن تجربیات کلان مبارزات و زمامداری اسلامی در یکی از حساس‌ترین نقاط عطف و بیخ‌های تاریخی معاصر مقوله مهم دیگری است که در این مجموعه فکری وجود دارد. نباید فراموش کرد که آیت‌الله خامنه‌ای به جزء برخوردار از معارف اصیل اسلامی و فقهی در عالی‌ترین سطح، تجربیات مهم فرهنگی و اجتماعی و حکومتی را در سطوح مختلف کسب کرده‌اند. از حضور در سنگرمبارزات سیاسی و تفسیر قرآن و کلاس درس حوزه تا ارتباطات و مراودات گوناگون فرهنگی و علمی و اجتماعی و از حضور در سنگرمبارزات سیاسی با رژیم پهلوی طی سالیان متمادی تا فعالیت‌ها و مجاهدت‌های نظامی و دفاعی و مسوولیت‌های مختلف حکومتی چون امامت جمعه، نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری و نهایتاً رهبری نظام اسلامی در کارنامه ایشان ثبت و جمع شده است. حاصل و خروجی این مجموعه تجربیات، امروز در نظام فکری ایشان جمع شده است.

در این مجموعه جایگاهی رفیع و ممتاز دارد. ۴- گزاره‌ها و معارف منعکس در این منظومه فکری از منظر منطقی در نسبت با یکدیگر برخورداری بوده و برخی نسبت به بعضی دیگر جنبه مبنایی و بنیادین دارند. به‌عنوان نمونه موضوع «استقلال» در اندیشه رهبری به نسبت موضوعی چون «اقتصاد مقاومتی» اعم بوده و یکی از مبانی طرح بحث اقتصاد مقاومتی از سوی ایشان است. ۵- منظومه فکری رهبری مجموعه‌ای است ناظر به «رهبری جامعه و امت اسلامی در مقام عینیت و عمل» است. «حاکمیت اسلام» با اتکاء به «اراده، خواست و به میدان آمدن مردم» نقطه کانونی این اندیشه است. ۶- احیای عزت و قدرت مسلمین با در اختیار گرفتن عنصر قدرت، شکل دهی به مناسبات جامعه‌سازی اسلامی از این رهگذار و حل مسائل و نابسامانی‌های تاریخی انباشت شده، موضوعی مهم در این نظام است. این احیاء‌گری به صورت مشخص ذیل نظریه‌ای کلان تحت عنوان حلقه‌های دستیابی به «تمدن نوین اسلامی» از سوی آیت‌الله خامنه‌ای صورت‌بندی شده که شامل فرآیند پنج مرحله‌ای: «انقلاب اسلامی»، «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه اسلامی» و «تمدن نوین اسلامی» است. ۷- در نظام فکری رهبری توجه به «هویت اسلامی» (و در سطح ناظر به ایران هویت اسلامی ایرانی) عنصری اصلی و مهم بوده و از همین رو تلاش برای ترسیم و شکل دهی به الگوهای بومی و مرزبندی با الگوهای غربی و شرقی در زمینه مسائل گوناگون فکری، سیاسی، فرهنگی و سبک زندگی و... حرکتی مستمر و فوق‌العاده دارای اهمیت است. ۸- سه عنصر «عقلانیت»، «معنویت» و «عدالت» که رهبری در تبیین مکتب امام خمینی علیه‌السلام بر آن تأکید دارند را می‌توان به عنوان اضلاع اصلی نظام فکری ایشان نیز در نظر گرفت. ۹- شناخت دشمن استعمارگر و مستکبر و مقابله با طرح و برنامه‌های دشمنان نیز یکی از جنبه‌های مهم در نظام فکری رهبری است که همواره با تأکید بر مفاهیمی چون: دشمن‌شناسی، استکبارستیزی و... نمود داشته و دارد. ۱۰- نظام فکری رهبری مجموعه‌ای منسجم است که مطالعه و فهم آن قدرت تشخیص موضوعات و مسائل اصلی و اساسی کشور را در اختیار گذاشته و راهکار غلبه بر مسائل و مشکلات را نیز در بردارد.

### چرا باید نظام فکری رهبری را بشناسیم؟

اما پس از طرح بحث اجمالی درباره چیستی نظام فکری رهبر انقلاب می‌توان به طرح این پرسش پرداخت که اساساً مطالعه و فهم نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای چه «ضرورتی» دارد؟ پاسخ به این سؤال نیازمند توجه به نکاتی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

### ۱- شأن هدایت‌گری رهبری و ضرورت دستیابی به حجیت در امور:

بر اساس مبانی اسلامی و شیعی مسئله ولایت فقیه صرفاً مسئله‌ای



یادداشت  
مهبران کریمی

### «ولایت فقیه» همان ولایت رسول الله هست

است. همان ولایت رسول الله هست. (صحیفه امام خمینی - جلد ۱۰ - صفحه ۳۰۸) «از ولایت فقیه آنطوری که اسلام قرار داده است، به آن شرایطی که اسلام قرار داده است، هیچ کس ضرر نمی‌بیند. یعنی آن اوصافی که در ولی است، در فقیه است که به آن اوصاف خدا او را ولی امر قرار داده است و اسلام او را ولی امر قرار داده است با آن اوصاف نمی‌شود که یک پایش را کنار یک قدر غلط بگذارد. اگر یک کلمه دروغ بگوید، یک کلمه، یک قدم برخلاف بگذارد آن ولایت را دیگر ندارد.» (صحیفه امام خمینی - جلد ۱۱ - صفحه ۴۶۴)

### اقبال مبارک

یکی از رویدادهای مثبت فرهنگی و اجتماعی در سال‌های اخیر اقبال روبه‌گسترش نسبت به مطالعه، فهم و عملیاتی‌سازی اندیشه و مطالبات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است. این موج اقبال چیزی فراتر از توجه متداول افشار گوناگون به سخنان و مطالب مطرح شده از سوی رهبری انقلاب چه در زمان امام خمینی علیه‌السلام و حتی در سالیان دورتر رهبری آیت‌الله خامنه‌ای است. توضیح اینکه افشار گوناگون جامعه از سالیان شکل‌گیری نهضت مبارزه با رژیم پهلوی و سپس استقرار نظام جمهوری اسلامی همواره به بیانات و رهنمودهای رهبری انقلاب به‌عنوان چراغ هدایت و روشن‌کننده مسیر حرکت نظر داشته اما آنچه اخیراً در این زمینه مشاهده می‌شود نوعی رجوع به بیانات و اندیشه‌های رهبری از منظر فکری / معرفتی و با هدف کسب معارف اصیل اسلامی و انقلابی به‌خصوص از سوی نخبگان و فعالین انقلابی به صورت مبنایی و عمیق است. نگاهی به جلسات گوناگون در سطوح مختلف اعم از جلسات حوزوی و دانشگاهی، برنامه‌های تشکیلی، تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای اعم از کتاب‌ها و جزوات و... رویدادهای فرهنگی و اجتماعی کوچک و بزرگ و... که در آنها به نوعی دغدغه مطالعه و فهم اندیشه رهبری وجود دارد موبد این جریان اصیل است. از همین روی یکی از کلیدواژه‌هایی که اخیراً در فضای فکری و فرهنگی جامعه مورد تکرار و توجه واقع شده عبارت «منظومه (نظام) فکری آیت‌الله خامنه‌ای» است. بر همین اساس، در ادامه سعی می‌کنم در رابطه با چیستی منظومه فکری رهبری، ضرورت مطالعه و درک آن و نیز چگونگی حرکت در مسیر فهم این نظام اشاراتی داشته باشم.

### وقتی از منظومه فکری رهبری حرف می‌زنیم، از چه چیزی حرف می‌زنیم؟

اما به راستی منظور از منظومه یا نظام فکری رهبری چیست؟ واقعیت این است که در مقطع فعلی به این سؤال پاسخی یک‌خطی و مطلق نمی‌توان داد. در اینجا از باب طرح بحثی مقدماتی برای کنکاش بیشتر و شکل‌گیری تضارب آراء سعی می‌کنم با اشاره به برخی نکات و ویژگی‌ها، کمی ابعاد موضوع را روشن ساخته و فضایی را جهت مباحثات بیشتر و نیل به پاسخ‌هایی کامل‌تر ترسیم کنم: ۱- آنچه به عنوان قدر متقین در بحث منظومه فکری رهبر انقلاب می‌توان گفت این است که نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای مجموعه‌ای منسجم و منظم (نظام‌وار) شامل مبانی معرفتی و اعتقادی، بینش و نگرشی مشخص درباره هستی و مسائل آن و رویکردها، راهبردها و برنامه‌هایی مشخص برای اداره فرد، جامعه و حکومت در جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی و دستیابی به اهداف و آرمان‌هاست.

### ۲- مبانی این نظام فکری همانا معارف ناب اسلامی و شیعی و با محوریت کلان نظریه «اسلام ناب محمدی علیه‌السلام» برآمده از «مکتب فکری و سیاسی امام خمینی علیه‌السلام» است.

۳- روش حاکم بر این نظام فکری «اجتهاد برآمده از درک تحولات زمانه» و با اتکاء به میراث و سنت عظیم علمی حوزه‌های علمیه بوده، مبتنی بر «تفقه در دین به معنای عام کلمه» و در جهت سامان دادن به زیست دینی فرد و جمع انسانی در جهان امروز است. همچنین توجه به عنصر «بصیرت تاریخی» و زمان‌شناسی

### قدم اول

پس از اشاره به چیستی و چرایی طبیعتاً باید اشاره‌ای هرچند گذرا به «چگونگی» نیز داشت. در این میان پیش از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که اصل دغدغه‌مندی و جستجوگری در این زمینه مهم‌ترین مسئله است. نخستین قدم «تشنگی» و درک این ضرورت و «اضطرار» است. «مؤمن متعبد انقلابی» پیش از هر چیز باید در موفق درک این ضرورت بیندیشد و سپس برای رسیدن به هدف دست به اقدام و عمل مناسب بزند. اگر چنانچه فرد یا جمعی به این ضرورت رسید که عبور از چالش‌های پیش‌رو و عمل به وظایف در جهت نیل به اهداف حرکت کلان انقلاب اسلامی بدون فهم نظام فکری رهبری امکان‌پذیر نیست آنگاه باید برای مطالعه در این زمینه و فهم ابعاد موضوع برنامه‌ای مشخص را پیگیری کند. از باب چگونگی آشنایی با منظومه فکری رهبری می‌توان راهکارها و پیشنهاداتی گوناگونی را مطرح ساخت که بحث مستقل دیگری را می‌طلبد ولی آنچه که به عنوان «قدم اول» باید بر آن تأکید کرد و اهتمام ورزید «مطالعه مستمر، دقیق و مدبرانه بیانات رهبری» است. مهم‌ترین مجرای درک نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای بیانات ایشان است. هرکس می‌خواهد آیت‌الله خامنه‌ای و نظام فکری ایشان را بشناسد لاجرم باید بیانات رهبری را به صورت کامل، دقیق، مستمر و با تدبر مطالعه کند. این «گام اول» و «شرط لازم» است و برای تکامل یافتن و پیشرفت در این راه نیازمند گام‌ها و اقدامات بعدی نیز خواهیم بود: همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم



در گفت و گوی «صبح نو» با حجت الاسلام ذوعلم مطرح شد

# نقطه آغاز بر شناخت منظومه فکری رهبران جمهوری اسلامی

گفت‌وگو سید پویا هاشمی

حجت الاسلام و المسلمین علی ذوعلم عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و معاون پژوهشی موسسه حفظ و نشر آثار رهبری است که سهم جدی در تحقق کتاب منظومه فکری رهبر معظم انقلاب داشته است. با او به گفت و گو نشستیم تا زوایای مختلف این اثر پژوهشی گرانسنگ و تعاملات موسسه حفظ و نشر آثار رهبری و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم.

**با چه انگیزه و بهانه‌ای طراحی و تدوین کتاب منظومه فکری رهبر معظم انقلاب توسط آقای خسرو پناه آغاز شد و نقش موسسه حفظ و نشر آثار رهبری در به سرانجام رساندن این پروژه چه بود؟**

این کار ارزشمند با همکاری مشترک پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری در دوره آقای احمدی نژاد آغاز شد. یک شورای علمی در پژوهشگاه برای کار تعریف شد و یک ساختار موضوعی، بعد هم سفارش مقالات برای اینکه کار به ثمر برسد. یکی از نیازهای فکری و فرهنگی امروز جامعه مابه‌خصوص بخشی گسترده از مخاطبان اندیشه و روز و جوان، این است که با کلیت اندیشه رهبران انقلاب اسلامی آشنا شوند. کار اصلی که آقای خسرو پناه انجام داده‌اند، در دوائر مستقل انجام گرفت یکی منظومه فکری حضرت امام خمینی علیه السلام و دیگری متعلق به حضرت آیت الله خامنه‌ای بود که چارچوب منطقی کار مشترک تعریف شد و دیدگاه حضرت آقا در این منظر ارائه شد. اساس نیاز به منظومه فکری این است که معرفی که نسبت به مقولات مختلف داریم معمولاً مجموعه‌ای از دانستنی‌ها و معارف پراکنده است که پیوند منطقی با هم برقرار نمی‌کنند که این خود منشأ آسیب‌های معرفتی و رفتاری را فراهم می‌کند. در حقیقت ما نیاز داریم در جامعه نخبه و اندیشه و روز خود به یک نظام واره و منظومه فکری دست پیدا کنیم تا جایگاه مقولات و نسبت آنها به یکدیگر و نقش هر کدام از آنها در کل نظام آن اندیشه برای ما روشن شود. امروز ما حتی متفکرینی را سراغ داریم که مواضع فکری آنها در عرصه‌های مختلف متفاوت است و گاهی دارای تعارضات درونی آشکاری است. این موجب می‌شود که یک متفکر نتواند نگاهی منسجم و متوازن و کارآمد داشته باشد. نظام اندیشه‌ای اسلام دارای یک چنین ویژگی است و اساساً نظام واره است و دقیق تر باید گفت که مجموعه معارف اسلامی، نظام واره است. بنابراین یک متفکر اصیل و پاینده به معرفت معتبر دینی می‌تواند به یک نظام اندیشه‌ای برسد ولی بعضی از متفکران در این زمینه با تاملاتی که داشته و یک تفکر عمیق و دستیابی به منطق نگرش دینی، توفیق بیشتری داشته‌اند که به یک منظومه فکری دست پیدا کنند. حضرت آیت الله خامنه‌ای یکی از این اندیشمندان هستند و بنابراین ارائه اندیشه‌شان در قالب یک منظومه فکری قابل اجر است و این کاری که انجام گرفته است به همت آقای دکتر خسرو پناه و جمعی از پژوهشگرانی که در این راه به او کمک کرده‌اند، یک نمونه‌ای از این منظومه فکری است که خود این دوستان هم اشاره کردند که ممکن است با چارچوب‌های دیگری بتوان یک نظم دیگری از اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای را ارائه کرد که این نکته درستی است به خاطر اینکه ما در اندیشه رهبر معظم انقلاب یک نظام واری را مشاهده می‌کنیم که نیاز دارد به اینکه از خود اندیشه‌های ایشان این نظام واره بدست آید و استحصال شود. کاری که دوستان انجام داده‌اند در حقیقت با یک چارچوب پیشینی انجام گرفته است؛ یعنی



**چه باید‌ها و نبایدهایی را پژوهشگران در خصوص تحلیل و استخراج منظومه فکری رهبر معظم باید رعایت کنند؟**

مهم‌ترین نکته این است که ما چارچوب و دیدگاه دیگری را بر دیدگاه حضرت آقا تحمیل نکنیم نه فقط حضرت آقا در مورد حضرت امام و در کل هر متفکری هم این طور است. در حقیقت معمولاً مؤلفینی که در این زمینه قلم می‌زنند، خودشان به یافته‌هایی رسیده‌اند، از منابع فکری کمک گرفته‌اند و در نهایت به یک استنباط‌هایی دست پیدا کرده‌اند، مهم این است که محقق بتواند وقتی وارد این مقوله می‌شود، فکر خود را تحمیل نکند و تصور خود را به عنوان فکر متفکر اعلام نکند بلکه به عنوان مستند و مستدل تنها یافته‌هایش را ارائه کند. گاهی محتوای یک مقاله برگرفته از بیانات یا مکتوبات یک متفکر است ولی آن چارچوب و نظامش برگرفته از او نیست که این یک آفت و آسیب است. به نظر من مؤلفین این مجموعه تا حدی توانسته‌اند رعایت کنند. اگرچه در بعضی از موارد خلأهایی را ممکن است، خواننده اهل نظر احساس کند. در کل در این منظومه فکری که منتشر شده است به یک خلأ فاحشی برخورد نمی‌کنیم که بگوییم اینجا یک فکری نادرست معرفی شده است و اندیشه‌ای بر نظر آقا تحمیل شده است. مؤلفین غالباً سعی کرده‌اند که بر نظرات آقا پایبند باشند. منتها در سازماندهی مقالات طبعاً آن سلیقه و برداشت مؤلف حاکم بوده است و یا آن سازماندهی رایج در آن مقوله، سازماندهی بحث را مشخص کرده است. البته نمی‌توان ادعا کرد که رهبر انقلاب در همه زمینه‌ها به تفصیل بحث نکرده‌اند. هر موضوعی با توجه به میزان اهمیت مطرح شده است. بنابراین مؤلفین باید بتوانند وفادار باشند به آن حدی که رهبر معظم انقلاب سخن گفته‌اند ولی با این همه مطالعه منظومه فکری به برداشت عمیق جامع و منسجم و داشتن یک پیوند معنایی و فلسفی کمک بسیاری خواهد کرد.

**چرا آمار تولیدات لازم در این عرصه (تولیدات عمیق و شایسته) کم است؟**

به هر حال باید در یک محقق این دغدغه ایجاد شود و به آن حدی برسد که چنین کاری را انجام دهد ضمن اینکه این یک تلاش جمعی است و به نظر من یکی از محسنات کار آقای خسرو پناه این است که جمعی را به کمک گرفته است و در هر مقاله‌ای نام نویسندگانی را که می‌بینیم غالباً اشخاصی هستند که در آن زمینه کار علمی کرده‌اند و صاحب سبک هستند و بعضی از نویسندگان صاحب نظران برجسته این زمینه هستند. اینکه برای یک چنین کارهایی پشتوانه فکری و علمی و همچنین پشتیبانی مادی تأمین شود، نیاز به این دارد که مجموعه‌هایی این‌گونه کارها را از همه جهت تأمین کنند و در اینجا لازم است به این نکته توجه کنیم که کار این پروژه در دولت دهم کلید خورد و در آن زمان مرکز بررسی‌های استراتژیک که ریاست آن در عهده آقای دکتر داوودی بود و ایشان بسیار دغدغه تهیه این اثر را داشتند که باید اینجا یادی از ایشان کنیم و این حمایت‌ها این کار را سامان داد. اگر چه پایان این اثر در دولت یازدهم بود که در همان دولت یازدهم هم باز مسوولان تحقیقات استراتژیک همکاری کردند و در واقع علاقه مند بودند این کار به ثمر برسد. خوشبختانه در جامعه ما همه طیف‌های سیاسی انقلابی به مرجعیت فکری امام و حضرت آقا معتقدند این در حقیقت یک نقطه مثبت و تکیه‌گاه در جامعه ماست. بگذریم از بعضی تفاوت سلیقه‌ها و تفسیرها ولی نفس این که در حقیقت در دولت‌های مختلف این مرجعیت فکری حضرت آقا پذیرفته شده است از نظر مبانی نظری یک نقطه مثبتی است در بحث‌های کاربردی و راهکارها و روش‌ها باید کارهای عمیق‌تری انجام دهیم که بتواند در عرصه عمل هم راهگشا باشند. خوشبختانه موسسه حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب هم از اینها استقبال کرد. باتوجه به تلاش‌هایی که در پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی شکل گرفته بود با توجه به اینکه

حقیقتاً این جامعیت و ارتباط درونی متن را ملاحظه می‌کنیم، اگر چه در بعضی از موارد خلأهایی در نگارش مقالات دیده می‌شود که آن هم به خاطر این است که نویسندگانی مختلفی مقالات را نوشته‌اند و علی‌رغم شورا علمی با تلاش خود آقای خسرو پناه که سعی کرده است این نظم درونی وجود داشته باشد، باز یک خلأهایی دیده می‌شود. ویژگی دیگری که در این منظومه فکری وجود دارد، نگرش اجتماعی حاکم بر این مجموعه است که این موضوع را تبیین می‌کند که اندیشه آیت الله خامنه‌ای یک اندیشه اجتماعی است که می‌تواند در مسیر حل مسائل جامعه و ارائه راهبردهای کلان از یک انسجام و وحدتی برخوردار باشد.

نکته بعدی نگاه آینده‌نگرانه‌ای است که در این اثر وجود دارد. ما می‌بینیم که صرفاً به داشته‌های قبل اکتفا نشده است بلکه نوآندیشی‌ها و نوگرایی‌های فکری رهبر انقلاب نیز در اینجا دیده می‌شود به عنوان مثال در مقاله تمدن اسلامی که آخرین فصل این مجموعه است، حصول

اجتماعی نگرش اسلامی را در دوره معاصر شاهد هستیم. به خوبی این مجموعه نشان می‌دهد که خطوط ترسیم شده در اندیشه رهبر انقلاب، اصیل و مبنایی است و در عین حال مستند به منابع دینی و دارای یک نگاه جدید و ناظر به مسائل امروز و پرسش‌های ماست و از طرف دیگر یک سازندگی فکری و رفتاری نیز

در این مشاهده می‌شود یعنی این منظومه فکری علاوه از یک جنبه تئوریک برخوردار نیست علاوه بر اینکه یک جنبه تئوریک و پشتوانه فلسفی دارد در عین حال در بعد رفتاری و منش و نظام کنشی مخاطب تأثیرگذار است و نکته دیگر اینکه اگر چه رویکرد اجتماعی دارد ولی نیازهای یک فرد مسلمان را کاملاً پاسخ می‌دهد و می‌تواند راهکارهای تازه‌ای را نسبت به مسائل گذشته به خواننده خود ارائه دهد.

در چارچوب نگاه نظام بینشی و نگرشی و نظام منشی و رفتاری و نظام‌های اجتماعی و اهداف اجتماعی، این چهار بخش را ما در این اثر می‌بینیم که ممکن است دیدگاههایی وجود داشته باشد که نسبت به نظامی که ارائه شده است دیدگاههای مکمل و کامل‌تری باشد ولی در مجموع کار ارزشمندی است و یک نفر می‌تواند با خواندن ۲۴ فصل در چهار بخش سازمان یافته به ۲۴ مقوله مبنایی در نگرش آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دست پیدا کند و دوستان هم ادعا ندارند که این کار بسیار کامل است اما به نظر من خوب است و می‌تواند نقطه آغازی باشد برای کارهای بیشتری که می‌توان در این مسیر انجام داد.

**دیدگاه شما در مورد اثر پژوهشی که در حال حاضر شکل گرفته است چیست؟ و این کار چه محاسنی نسبت به کارهای هم عرض خود دارد؟**

نکته نخست جامعیت است. در این منظومه فکری تلاش شده با یک نگاه جامع به مجموعه اندیشه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مبنایی اندیشه‌ای رهبر معظم انقلاب پرداخته شود. بنابراین جامعیت نکته اولی است که می‌توان بیان کرد. نکته دوم سطر بندی و جانمایی عناصر مختلف اندیشه در یک مجموعه است. در حقیقت در این منظومه مبانی نگرشی و اعتقادی از نظام‌های

اجتماعی متمایز شده است. این بدان معناست که ما در این اثر باید بتوانیم نظام بینشی و نگرشی رهبر معظم انقلاب را که همان جهان بینی توحیدی و اسلامی حاکم بر اندیشه ایشان است را در سایر بخش‌ها ملاحظه کنیم و ببینیم که این مبانی در آنجا جریان دارد. باید بتوانیم آن جامعیت نظام‌های منشی و رفتاری را در یابیم که تا حدی این اثر در آن زمینه موفق بوده است.

**این کار ارزشمند با همکاری مشترک پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری در دولت دهم آغاز شد. یک شورای علمی در پژوهشگاه برای کار تعریف شد و یک ساختار موضوعی، بعد هم سفارش مقالات برای اینکه کار به ثمر برسد، به پژوهشگران داده شد**



## مؤلفه‌های اساسی تحلیل اندیشه رهبران نظام



یادداشت  
سعیده احمدی

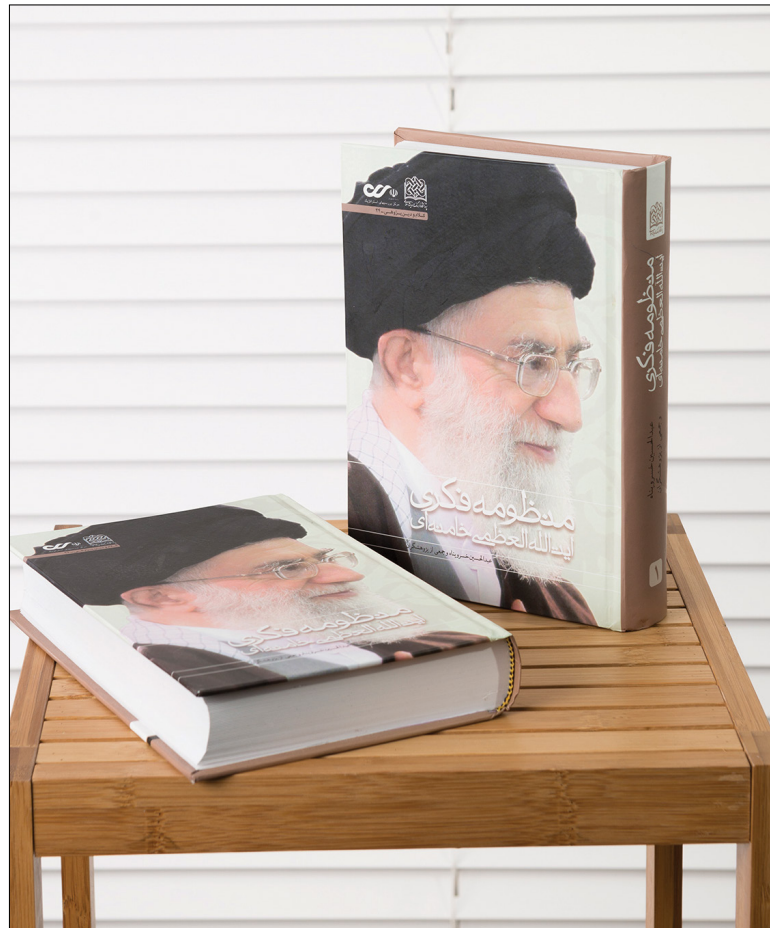
پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ سه ضلع مهم و حیاتی داشت که عبارت بود از مردم، ایدئولوژی و رهبری. در تحلیل هر کدام از موارد ذکر شده بایستی همه ابعاد و زوایای آن دیده شود و در تبیین آنها بایستی رعایت انصاف و حفظ چارچوب‌های لازم صورت گیرد.

در همین راستا باید به این نکته اشاره کرد که آنطور که باید و درخورشان آن است تحلیل و کالبدشکافی از اندیشه رهبران جمهوری اسلامی صورت نگرفته است عظمت اندیشه و سیره امامین انقلاب به اندازه خود انقلاب اسلامی آن قدر هست که برای کالبدشکافی و بررسی آن بایستی پژوهش‌ها و تحقیقات بنیادین و زیربنایی صورت گیرد و چه بسا لازم باشد که بخش فراوانی از بودجه‌های پژوهشی در حوزه فرهنگ و علوم اجتماعی به این سمت، سوق پیدا کند ولی اصل ماجرا اینجاست که بیش از هر چیز و قبل از تدوین هر بودجه و ساز و کاری باید روش تحقیق مناسب و درخور این اندیشه‌ها طراحی شود و یک مدل منحصراً و برخوردار از ویژگی‌های اندیشه اسلامی و شیعی طراحی شود البته تا صحبت از مدل می‌شود برخی سعی می‌کنند با کپی برداری از مدل‌های غربی و به‌کارگیری ابزارهای تحلیل گفتمان که متعلق به ما نیست تلاش کنند تا اندیشه و چارچوب فکری رهبران جمهوری اسلامی را تحلیل کنند ولی هر چیزی بایستی در بستر خود مورد تبیین قرار گیرد.

طبیعی است افرادی همچون امام راحل و مقام معظم رهبری که بستر اندیشه و ساختار فکری آنها در متن قرآن و روایات و علوم اسلامی شکل گرفته است نمی‌توان خطوط اندیشه‌ای آنها را با خط‌کش وارداتی تبیین و اندازه‌گیری کرد. لذا است که بیش از آنکه به فکر موضوع‌یابی و انجام تحلیل‌های سازماندهی شده باشیم بایستی بیش از هر زمان دیگری و در اولویت همه کارها به طراحی الگو و مدلی بپردازیم و دستگاه تبیین اندیشه‌ای را بسازیم که خروجی آن تبیین نظام‌مند و کاربردی تفکرات رهبران نظام باشد. ذکر این نکته هم حائز اهمیت است که این مدل صرفاً از درون دانشگاه بر نمی‌خیزد و به‌طور قطع نیازمند همکاری حوزه و دانشگاه با یکدیگر است.

ضمن اینکه یک شاخه یا دو شاخه مشخص از علوم انسانی به این امر مهم نائل نخواهند شد و نیازمند فروع و شاخه‌های مختلفی از علوم انسانی باشد تا این مدل به‌صورت جامع‌تری طراحی شود بعد از طراحی مدل و روش مطالعه و تبیین بیانات و افکار رهبران نظام، مقوله دیگری که باز از لحاظ درجه اهمیت از رتبه بالایی برخوردار است شناخت خوب و دقیق زمینه و زمانه‌ای است که اندیشه امام راحل و رهبر معظم انقلاب در آن بستر جوشیده و تا به امروز رسیده است. به‌طور طبیعی بسیاری از مواضع امام راحل و رهبر معظم انقلاب در زمینه تاریخی خاص رخ داده است و برای درک و بررسی جامع اندیشه آنها لازم است تا بستر تاریخی بیان و اندیشه مورد مذاقه قرار گیرد.

مسئله سومی که در کنار الگوی تبیین و شناخت زمینه و زمانه باید به آن اشاره کرد لزوم نگاه منظومه‌وار به اندیشه رهبران نظام جمهوری اسلامی است. فی الواقع اندیشه امام راحل و مقام معظم رهبری نقاط مختلف و متنوعی دارد که ارتباط معنادار میان این نقاط باید به خوبی روشن شوند نگاه منظومه‌ای به اندیشه رهبران نظام به‌طور طبیعی موجب می‌شود تا تحلیل جامعی از چارچوب تفکر و سیره آنها ارائه شود و هنگامی که این تحلیل جامع و مانع صورت گیرد به‌طور طبیعی موجد این زمینه خواهد بود که آنچه از بیانات امامین انقلاب استخراج می‌شود کاربردی و همه‌جانبه است.



علمی در زمینه فکری انقلاب اسلامی یک تلاش مستمر است و هیچ حدی نخواهد داشت.

آخرین نکته این است که خدایی ناکرده از بعد اندیشه رهبر معظم انقلاب با یک نوع نگاه تعصب آمیز و متحجرانه با آن مواجه شویم. اساساً هر نوع نگاه متعصبانه به اندیشه موجب فروگاهی آن اندیشه است. خوشبختانه رهبر انقلاب به عنوان یک اندیشمند اصیل و انقلابی که از دهه ۳۰، اهل فکر و

اندیشه و نظر بوده است و تا امروز رشد پیدا کرده و روز به روز بهتر شده است، خود این اندیشمند راضی نیست که اندیشه‌اش با یک نگاه حاکمیت محض مورد بررسی قرار گیرد. به همین جهت خود ایشان هم عرض کردند که اندیشه‌شان مورد تحقیق قرار بگیرد و به نظر ما باید روی این مقوله خیلی روش کنیم و این تلقی که یک جوان طلبه یا دانشجویی تصور کند که این دیدگاه به خاطر انتصاب به رهبر انقلاب، دیدگاه صریحی است نه به خاطر برخورداری از ریشه‌ها و استدلال‌ها و مایه‌های فکری، این برداشت غلط است به دلیل اینکه عرصه فکر با مدیریت متفاوت است و رهبر انقلاب به عنوان رهبر این کشتی عظیم و این کاروان آن جایی که به یک تصمیم می‌رسند و آن را به عنوان یک سیاست اعلام می‌کنند، بحث جمع بندی حکومتی و حاکمیتی است ولی ممکن است حتی در همان سیاستی که ابلاغ می‌کنند، دیدگاه فکری خودشان از آن سیاست عمیق‌تر و برتر باشد. در بعد اندیشه‌ای باید، نگاه اندیشه‌ای داشته باشیم و به تعبیر خود حضرت آقا، نگاه بخشنامه‌ای و ابلاغ یک دستورالعمل فکری نباشد. این نکته مهمی است که باید در مواجهه با این آثار داشته باشیم.

به نظر شما مهمترین آسیب که می‌تواند این‌گونه کارها را تهدید کند، چیست؟

یک آسیب این است که تلقی خواننده به این سمت رود که اندیشه ورزی در باب انقلاب اسلامی در همین حد متوقف می‌شود. در حالی که اینطور نیست و حضرت آقا بارها مطرح کردند در بعضی مسائل این نکاتی که عرض می‌کنم تا آنجایی است که من کار کردم ولی شما بروید کار بیشتری انجام دهید و تحقیق بیشتری کنید

تا به یافته‌های بیشتری برسید. به این خاطر که سرچشمه اندیشه انقلاب اسلامی، اسلام است و منابع اسلامی ما انقدر ظرفیت دارد که متفکرین ما بتوانند از آن بهره کافی ببرند و نباید فکر کنیم که این سقف تفکر انقلاب اسلامی است و متفکرین و اندیشمندان باید این را تداوم بخشند.

نکته دوم این است که استنباط یک نویسنده از بیانات حضرت آقا توسط یک نویسنده باید تنها به عنوان یک برداشت تلقی شود و خواننده نباید به آن برداشت تکیه کند که اگر این اتفاق رخ دهد، خود یک آفت است.

نویسندگان ارزشمند و انقلابی این مجموعه در حد توان خود به این دریافت‌ها رسیده‌اند و نباید این دریافت‌های استنباطی را به پای حضرت آقا بگذاریم مگر اینکه این مستندات و قرائن برای ما کفایت کند. نکته سوم این است که نباید ما این تلقی را داشته باشیم که روی این مواضع نمی‌شود تفکر و آزاد اندیشی کرد که این هم یک آفت است بلکه باید در حلقه‌های فکری و پژوهشی اینها به بحث و گفت‌وگو گذاشته شود و حتی اگر در یک جایی یک نویسنده به مشکل خورد، تحقیق بیشتری انجام دهد. در جامعه فکری و نخبگی این را باید بدانیم و ما از خود امام و مقام معظم رهبری یاد گرفته‌ایم که تلاش فکری و

۴ تیم ارزیابی در این کار به ما کمک کردند و هر کدام از زوایای مختلف به بررسی این اثر پرداختند. در حقیقت کار موسسه حفظ و نشر آثار رهبری، ایجاد زمینه نهایی شدن کار بود ولی زحمت اصلی به عهده دوستان نویسنده بوده است و خود آقای خسروپناه که انصافاً با وقت گذاری و دغدغه انقلابی این کار را انجام دادند. در نگارش این اثر صرفاً دغدغه علمی مطرح نبوده است و دغدغه انقلابی هم وجود داشته است که موجب شد دوستان در نظراتی که ارائه شد در حدی که مقدور بود نظرات را اعمال کنند

شخصیت خود جناب آقای رشاد که در رأس پژوهشگاه هستند و آقای خسروپناه با یک نگاه مثبت به سمت این پروژه حرکت کردیم و در بررسی‌هایی که در این نگاه انجام گرفت و به دوستان ارائه شد و دوستان بعضی از آنان را نواستند اعمال کنند.

موسسه حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب چه کمکی به این پروژه کرده است؟

من به عنوان یک عضو کوچکی در این موسسه می‌گویم که وظیفه یک موسسه فرهنگی است که نهایت همفکری و تلاش را با همه متفکرانی که می‌خواهند در عرصه تفکر تلاش داشته باشند، صورت دهد. طبعاً استفاده از سایت موسسه که مجموعه سخنرانی و بیانات حضرت آقا را قرار داده‌اند و دوستان تلاش کردند که طبقه بندی موضوعات مختلف را در اختیار پژوهشگران قرار دهند.

در معاونت پژوهش و آموزش هم کاری که انجام شد، همدلی و همراهی بود که همین موسسه به جهت شروع کار داشته است کارشناسان و صاحب نظران این کار را بررسی می‌کردند. کار حجمی بود و ۴ تیم ارزیابی در این کار به ما کمک کردند و هر کدام از زوایای مختلف به بررسی این اثر پرداختند. در حقیقت کار موسسه، ایجاد زمینه نهایی شدن کار بود ولی زحمت اصلی به عهده دوستان نویسنده بوده است و خود آقای خسروپناه که انصافاً با وقت گذاری و دغدغه انقلابی این کار را انجام دادند و این نکته که در نگارش این اثر صرفاً دغدغه علمی مطرح نبوده است و دغدغه انقلابی هم وجود داشته است که موجب شد دوستان در نظراتی که ارائه شد در حدی که مقدور بود نظرات را اعمال کنند طبعاً در یک کار پژوهشی همه نظراتی که ارزیابان ارائه می‌کنند اعمال نشود. یعنی ممکن است بعضی از همکاران یا صاحب نظران در بعضی مقالات و نظرات که در اینجاست اختلاف نظری داشته باشند با تیم نویسنده‌ای که اینجاست ولی موجب نمی‌شود که ارزش کل کار نادیده گرفته شود حتی ممکن است موسسه در یک نگاه پژوهشی و آزاداندیشانه بستر و زمینه‌ای فراهم کند که کلیه مقالات به نقد و ارزیابی گذاشته شود و چاپ‌های بعدی توسط خود نویسندگان قابل اجرا است که خود همت زیادی را می‌طلبد.

بنده هم از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و هم مرکز بررسی‌های استراتژیک و هم خود آقای خسروپناه مدیریت علمی این کار را داشته‌اند و تک‌تک نویسندگان به عنوان یک عضو کوچک جبهه انقلاب اسلامی تشکر می‌کنم و امیدوارم که جامعه نخبه و جوان ما قدران این اثر باشند. این اثر در نوع خودش توانسته یک خلأ را از بین ببرد. بنده خودم این اثر را معرفی کردم اما نه به عنوان کاری که هیچ ایراد پژوهشی و تحقیقی در آن وجود ندارد به هر حال هر کاری که انجام شود قابل ارتقاء و نقد است و این کار هم مستثنا نیست.

## این آغاز راه است



یادداشت تحلیلی دکتر موسی حقانی  
رئیس موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

شخصیت‌هایی نظیر مقام معظم رهبری و امام راحل دارای وجوهی است که ایجاب می‌کند که دیدگاه‌ها و آرا و اندیشه آنها بررسی شود و آن را در قالب منظومه فکری آنها مدنظر قرار دهیم. به این معنا که هر کدام از این بزرگان دارای یک منظومه فکری هستند که مبانی جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی آنها، در آن لحاظ می‌شود. مقام معظم رهبری یک فقیه عالی رتبه، یک متفکر و شخصیت اسلامی، یک فرد انقلابی و یک مدیر هستند. به همین جهت این شخصیت با توجه به گستره فعالیت‌های فکری و اقدامات عملی‌شان باید مجموعه اندیشه و عملکردشان در یک منظومه فکری مورد بررسی قرار گیرد و این مهم بسیار ضروری نیز هست. با توجه به اینکه حضرت آقا، در ایام پیش و پس از انقلاب اسلامی، بسیار مؤثر بودند و ادامه حرکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی با توجه به اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب و حضرت امام علیه السلام دنبال می‌شود، از این حیث باستانی مبانی معرفت‌شناختی این رهبران، بررسی و شناخته شود.

به طور طبیعی محوریت اندیشه حضرت آقا و حضرت امام، توحید و استقرار آن در بین انسان‌هاست. متفکرینی همانند این بزرگواران نگاهی جامع به دین دارند و بر همین راستا نظام سازی، احیای تفکر دینی و... شکل می‌گیرد. باید اینها مورد بررسی قرار گیرند تا نشان داده شود که این راهکارها و اصول دارای یک مبانی است و این را نمی‌شود با مبانی دیگر مورد اجرا گذاشت. برای همین با مبانی سکولار نخواهیم توانست، نظام سازی و... را در چهار چوب اندیشه توحیدی پیاده کنیم. به همین جهت مقام معظم رهبری حساسیت خاصی در حوزه علوم انسانی اسلامی دارند و این برگرفته از اندیشه توحیدی و منظومه فکری ایشان است. این مقولات با این گستردگی فراوانی که دارند، باید به صورت منظومه‌ای جامع استخراج و مورد بررسی قرار بگیرند تا بتوان از آنها در زمان حال و حتی در آینده بهره برد.

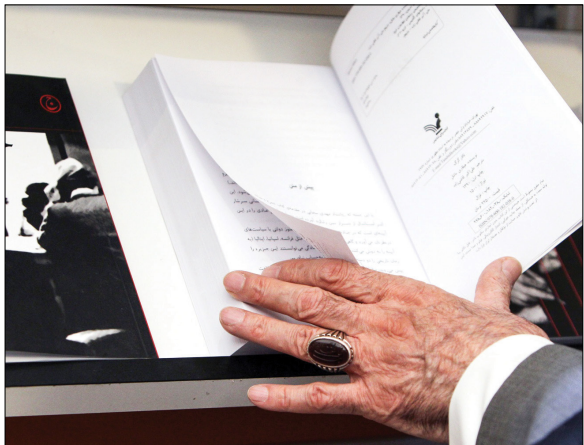
یکی از بایسته‌هایی که باید در این مسیر رعایت شود این است که اندیشه خود حضرت آقا محور قرار گیرد و اینطور نباشد که محققان دغدغه‌های خود را در قالب منظومه فکری رهبر معظم انقلاب ارائه کنند. موضوع دیگری که حتماً باید رعایت شود، بحث جامعیت است چون ما با یک شخصیت چند بعدی مانند رهبری مواجه هستیم که در عین مدیریت و مدبر بودن شخصیتی انقلابی نیز دارند و از همه مهمتر اینکه به عنوان رهبر سکان انقلاب اسلامی را نیز در دست گرفته‌اند و تمام اینها باعث می‌شود که ما حتماً باید به تمام این نکات توجه کنیم.

حال برای اینکه پرداختن به تفکر اندیشمندی به مانند رهبر معظم انقلاب و امام راحل در سربلوه کارهای پژوهشی در حوزه و دانشگاه قرار بگیرد، در ابتدا باید همین منظومه‌های فکری تهیه و تنظیم می‌شد و می‌توان تهیه این کتاب‌ها را قدمی تازه در این عرصه نامید و نباید در همین مرحله متوقف شود و باید تکمیل شود. هر چقدر در این عرصه کار بیشتری صورت پذیرد، برای طی این مسیر از انقلاب اسلامی تا جهان اسلامی، از این مطالعات استفاده کنیم تا راه را گم نکنیم و بدانیم که رهبران مان چه مسیری را برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی تعیین کرده‌اند. باید به همه کسانی که در این مسیر تلاش کرده‌اند، خسته نباشید و خدا قوت گفت ولی باز هم نیاز به پیشرفت و گسترش دارد.

پس از تهیه این کتاب‌ها مرحله بعد ترویج این افکار در جامعه است و بخش اندیشه ورز کشور باید مطالب این کتاب را که برگرفته از اندیشه رهبر معظم انقلاب است به راهکارهای قابل اجرا در کشور تبدیل کنند تا با آنها بتوانیم به همان هدف ایده آل یعنی تکفل امور در همه زمینه‌ها بر اساس اندیشه دینی برسیم.

## سوال بنیادینی که باید به آن پاسخ داد

# ارتباط آرای سیاسی و منظومه معرفتی



۲-۲. پیشرفت

پیشرفت ملازم باتمدن است. اساساً پیشرفت، نفس ترقی است. وقتی جامعه در مسیر ترقی قرار گیرد، زرمه شکل‌گیری تمدن به گوش می‌رسد. التزام رهبری به امر پیشرفت و لزوم به دست آوردن الگویی کارآمد در این راه انکار ناپذیر است. ایشان همواره فرهیختگان را نیز به تحصیل چنین الگویی فرامی‌خواند.

### ۲-۳. نقشه راه تمدن

تمدن مسبر روشنی دارد و سه عنصر فرد و جامعه و دولت، اصلی‌ترین بخش آن است. البته اینکه کدامیک از این سه عنصر جنبه مقدسی یا موخری دارد، بین صاحب نظران اختلاف نظر است ولی مهم آن که در افق تمدنی، هر سه عنصر دیده شود. چنان که در نگاه تمدنی رهبری این سه عنصر حضور دارند. البته ایشان شکل‌گیری دولت اسلامی را مقدم بر جامعه اسلامی دانسته است. اما به هر روی، تفسیر نقشه تمدن مبتنی بر منظومه معرفتی است.

### ۳. حکمرانی دانشی

حاکم مصلحت‌اندیش، مهارت حکمرانی خود را از راه هوش و تجربه حکومتی به دست می‌آورد. در نتیجه برای او بر خورداری از منظومه معرفتی چندان ضرورت پیدا نمی‌کند. لیکن رهبری آرمان خواه می‌کشد در امر حکمرانی به گونه دانشی عمل کند؛ یعنی با کمک منظومه معرفتی تلاش می‌کند دانشی پدید که به کمک آن بتواند سیاست را به گونه‌ای غیر شخصی اداره کند. چنان که حکمرانی مقام معظم رهبری مبتنی بر دانش بی‌کران فقه اسلامی است. دانش فقه به دلیل پرداختن به موضوعات و مسائل مختلف فردی و اجتماعی، این امکان را به ولی فقیه می‌دهد که به گونه‌ای روشمند به مسائل حکومت بپردازد. مهم‌ترین بخش دانش فقه، روش اجتهاد و استنباط فقهی است. این روش، ولی فقیه را در تحلیل مسائل حکومت، بسیار توانمند می‌سازد. مهم‌ترین که فقه اسلامی در کارآمدتر کردن مدیریت فقهی، گرایش فقه سیاسی را پدید آورده است.

### ۴. قاعده مندی

حاکم فضیلت‌اندیش قاعده مند عمل می‌کند. و این سبک از مدیریت سیاسی مقتضای فضیلت‌اندیشی است. زیرا اخلاق مجموعه‌ای از قواعد عام است. مدیریتی که بر پایه اصول اخلاقی استوار گشته است، از همین منظومه قواعد اخلاقی پیروی می‌کند. لذا حاکم فضیلت‌اندیش، رهبری خود را مستند به اصول و قواعد عقلانی می‌کند. او همواره در اعلام فرامین، مردم و کارگزار حکومتی را به قواعد عطف توجه می‌دهد. بدین ترتیب، حکمرانی وی از مدیریت شخصی فاصله گرفته هویت قانونی پیدا می‌کند. اگر از این منظر به سیره حکومتی مقام معظم رهبری توجه شود، اصول حکومتی ارزشمندی را می‌توان استخراج کرد.

### جمع بندی

البته در تمایز میان حکمرانی آرمان خواه و مدیریت مصلحت‌اندیش، نشانه‌های دیگری نیز وجود دارد و باید در مجال وسیع به همه آنها توجه کرد. اما به هر روی، آنچه که از این بررسی به دست می‌آید این است که حکمرانی آرمان‌گرا برای حضور فعال در امر حکومت با پیچیدگی‌ها و دشواری‌های سختی روبه‌رو است. اگر پشتوانه منظومه معرفتی در کار نباشد، حکمران فضیلت‌اندیش قادر به اداره جامعه و سیاست نیست. در نتیجه برای تداوم حکمرانی خود به مدیریت مصلحت‌اندیش، میل پیدا می‌کند. اینکه آیت الله خامنه‌ای بر مدیریت انقلابی خود تأکید می‌ورزد، نشانه تکیه ایشان به منظومه معرفتی پر توانی است. بنابراین، نمی‌توان بدون فهم منظومه معرفتی ایشان به درک درست و عمیق اندیشه و سیره سیاسی‌شان رسید.

### یادداشت حجت الاسلام دکتر داوود مهدوی زادگان

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



حاکمان و رهبران جامعه سیاسی در ظاهر تفاوتی با هم ندارند. به ظاهر، همه آنان بر کرسی قدرت تکیه می‌زنند و برای حفظ آن تلاش می‌کنند و بر مردم فرمان می‌رانند و در این راه علاوه بر هوش ریاستی خود از بسیج قوای مادی نهایت استفاده را می‌برند، اما وقتی از این لایه سطحی تأمل در سیره سیاسی حاکم عبور می‌کنیم و برای فهم عمیق‌تر آنان تلاش می‌کنیم، در می‌یابیم که باید بین حاکم با بصیرت و فضیلت‌اندیش و آرمان‌خواه با حاکم مصلحت‌اندیش و واقعیت‌گرا تفکیکی انجام داد. فهم مدیریت سیاسی نوع دوم به مراتب ساده‌تر از فهم نوع نخست است. زیرا شکل دوم مدیریت سیاسی بیشتر به ویژگی‌های شخصی و بسیج قوای مادی تکیه می‌کند و کمتر عمل خود را مبتنی بر قواعد و اصول می‌کند. به عبارت دیگر، مدیریت سیاسی فضیلت‌اندیش آرمان‌خواه، قاعده مند و اصول‌گراست بر خلاف مدیریت سیاسی مصلحت‌اندیش که کمتر قاعده‌مند است. اما آنچه که موجب این تمایز می‌شود، وجود منظومه معرفتی عمیق در یکی و عدم آن در دیگری است. منظومه معرفتی نمی‌گذارد حاکم و رهبر سیاسی خارج از چارچوب فکر و عمل سیاسی ضابطه‌مند رفتار کند. منظومه معرفتی عرصه وسیعی از دغدغه‌های نظری را علاوه بر دغدغه‌های عینی برای رهبر آرمان‌خواه می‌گشاید. در نتیجه، چنین حاکمی پیچیدگی معرفتی بسیار بالایی نسبت به حاکم مصلحت‌اندیش پیدا می‌کند. از این رو، فهم این دو نوع مدیریت سیاسی یکسان نیست. پژوهشگر و تحلیل‌گر کنش‌های سیاسی حاکم فضیلت‌اندیش نمی‌تواند بدون ارجاع این کنش‌ها به منظومه معرفتی به فهم دقیقی از چنین حاکمی نائل شود.

بدون تردید رهبری سیاسی - اجتماعی آیت الله خامنه‌ای حفظه الله جزء مدیریت سیاسی فضیلت‌اندیش است و برای فهم منطق رهبری ایشان چاره‌ای از فهم آن در چارچوب منظومه معرفتی ایشان نیست. در اثبات این مطلب، به نشانه‌های زیادی می‌توان استناد کرد. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

### ۱. التزام عقیدتی

رهبر آرمان‌خواه دینی پایبند به آموزه‌های ایمانی و اعتقادی است و اساساً به دلیل عینیت بخشیدن به شریعت الهی وارد عرصه سیاست می‌شود. از این رو، او علی‌الادام بین تعالیم دینی و عینیت سیاست، در رفت و آمد است. او می‌کوشد به درکی از واقعیت برسد تا کار برای عینیت بخشی تعالیم دینی سهل و آسان گردد. و البته این تلاش همیشه سهل نیست بلکه در خیلی موارد کار برای رهبر آرمان‌خواه پیچیده می‌شود و در نتیجه بیش از پیش از منظومه معرفتی خود استفاده می‌کند. همین امر در بسط و بویابی منظومه معرفتی او تأثیر گذار است. چنان که می‌دانیم مقام معظم رهبری همواره بر التزام عقیدتی و تأکید بر عینیت بخشیدن شریعت اسلامی تأکید دارند. آنچه که ایشان را در پرداختن به سیاست مصمم ساخته است، همین غایت است.

### ۲. افق تمدنی

افق دید رهبر فضیلت‌اندیش فراتر از افق حاکم مصلحت‌اندیش است. او از چشم انداز تمدنی به امر سیاسی و واقعیت سیاست نظر می‌کند. چنین افقی برای هر حاکمی حاصل نمی‌شود. زیرا شکل‌گیری افق تمدنی بدون منظومه منسجم معرفتی ممکن نیست. تمدن‌ها از دل منظومه‌های معرفتی پدید می‌آیند. بنابراین، حاکمی که تکیه به منظومه معرفتی دارد، در مسیر ساخت تمدن نوین قرار می‌گیرد. افق تمدنی الزامات عقلانی روشنی دارد:

### ۱-۲. تعریف

تمدن‌ها با تعریف آغاز می‌شوند. زیرا، هر تمدنی بر بنیان جدیدی استوار است. از این رو، توجه زیادی به ارائه تعریف جدید از همه مقولات سیاسی و اجتماعی دارد. رهبر آرمان‌خواه به دلیل افق تمدنی که دارد، در ابتدای طرح هر بحثی می‌کوشد از موضوعی که به آن می‌پردازد، تعریف بدیع و شفاف ارائه کند. چنان بیانات مقام معظم رهبری بر همین سبک عمل می‌کند. آنگاه که دولت‌مردان را به اقتصاد مقاومتی فرمی‌خواند، در تبیین آن، به ارائه تعریفی از آن می‌پردازد. یا وقتی که جوانان انقلابی را به اصل آتش به اختیاری دعوت می‌کند. مقصود خود را نیز بیان می‌کند.

## از بخشی‌نگری باید پرهیز کرد

بداشت

آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری

عضو مجلس خبرگان رهبری



اصل پرداختن به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب ارزشمند است، به این دلیل که سخنان، دیدگاه و اندیشه رهبری برای جامعه امروز و هم برای نسل‌های آینده تأثیر گذار است. شرایطی که ما در دوران انقلاب اسلامی پشت سر گذاشته‌ایم و مواجه شدن همه ما با فراز و فرودهایی که در مواجهه با مسائل انقلاب داشتیم، هدایت‌های رهبر معظم انقلاب، راهمایی‌ها و تکررات و نهمی‌هایی که ایشان نسبت به مسائل مختلف داشتند به تجربه برای همه در تمام این سال‌ها نایب شده که نگاه ایشان الهی بوده است. تحقق پیش‌بینی‌هایی که ایشان در حوزه‌های مختلف داشته‌اند، نشان از همین مهم دارد. کسانی که روزی اندیشه رهبر معظم انقلاب را برناتافتند، در طول گذشت زمان، کم‌کم با این واقعیت مواجه شدند که تدبیر رهبری بسیار درست و دقیق است. نحوه سخن و نگاه و همچنین اندیشه رهبری، منطبق بر نیازهای جامعه ما و آن چنان تأثیر گذار بوده است که نه تنها دوستان و همراهان انقلاب را مجذوب خود کرده است بلکه دشمنان نیز وقتی با این تحلیل‌ها روبه‌رو می‌شوند، دچار نابوری می‌شوند.

بنابراین اگر کسی این هنر را داشته باشد تا بتواند نگاه منظومه‌ای افکار رهبر معظم انقلاب را جمع بندی و نتیجه‌گیری و تحلیل کند، بسیار عالی است و این مهم می‌تواند برای تمام کسانی که دست‌اندرکار نظام اسلامی ما هستند به عنوان یک چراغ راه باشد تا مسیر آینده انقلاب اسلامی روشن‌تر شود.

در همین راستا مراقبت در این عرصه بسیار لازم است. بخشی‌نگری به سخنان رهبری نباید انجام شود. سخنان رهبر معظم انقلاب باید جامع دیده شود یعنی ربط مسائل بسیار روشن بیان شود و اینگونه نباشد که یک نگاه و دیدگاه رهبری را به عنوان فصل الخطاب قرار دهیم و توجهی به دیدگاه‌های دیگر ایشان نداشته باشیم لذا است که هر کسی که بخواهد منظومه فکری رهبری را تدوین کند، باید شناخت و آگاهی کامل نسبت به مجموعه موضع‌گیری‌های ایشان داشته باشد و باید بداند که در کدام بخش ایشان به عنوان یک تاکتیک موضوعی را مطرح می‌کنند و در کجا با نگاه درازمدت به موضوعی پرداخته‌اند. بالاخره ما اگر در زندگی امامان معصومان نیز درست تجزیه و تحلیل کنیم، نمی‌شود زندگی تنها یک امام را به عنوان یک حرکت عظیم تلقی نمود. خود رهبری نیز در این خصوص تعبیر جالبی دارند و می‌گویند که ۲۵ سال زندگی امامان ما، همانند زندگی یک انسان است که خداوند به او عمر طولانی عطا کرده است و به همین دلیل در تاریخ می‌بینیم که در زندگی امام گاهی صلح است و گاهی جنگ قرار داد. نسبت به زندگی و افکار رهبری نیز باید با یک نگاه جامع به این موضوع بپردازیم.

مهم‌ترین لازمه پرداختن به منظومه رهبری، شناخت کامل ایشان است و باید شخصی که اقدام به انجام چنین کاری می‌کند، اشراف کامل روی تمام بیانات ایشان داشته باشد. اینگونه نباید باشد که ما با توجه به یک اظهار نظر و سخنرانی رهبری قضاوت کنیم و گمان کنیم که به تمام افکار ایشان احاطه داریم. رهبری در سخنان به طور کامل مسائل جاری کشور را نیز در نظر می‌گیرند و ما شاهد هستیم که سخنان رهبری در مورد مسائل مختلف با توجه به شرایط کشور تنظیم می‌شود. حال بایددهای پرداختن به منظومه فکری رهبری، نگاه کلان و احاطه لازم و شناخت مواضع رهبری بر اساس ضرورت‌ها و شرایط انقلاب اسلامی است و نباید‌دهای آن بخشی‌نگری، توجه به یک بعد رهبری است. این موارد حتماً باید رعایت شود چون ما این ایده را تنها برای ملت خود انجام نمی‌دهیم و تمام کسانی که به رهبری عشق می‌ورزند، به عنوان یک برنامه و سخن رهبری که بیش از ۲۰ سال، سکان دار کشتی انقلاب بوده است و تمام شرایط آن را تجربه و تحلیل و همچنین هدایت کرده‌اند، قابل استفاده می‌باشند.

با همه این احوال تولید محتوا درباره منظومه فکری و دیدگاه‌های ایشان بسیار محدود است و حال تنها توجیه برای کم بودن اینگونه آثار عمیق و شایسته درباره رهبر معظم انقلاب، کوتاهی است و ما متأسفانه دیر به دیر فکر انجام این کار افتاده‌ایم ولی حال که به فکر همه افتاده‌ایم باید تمام تلاش خود را در این عرصه انجام دهیم تا زمینه‌ای برای دیگران باشد. چون هرچه در این زمینه تحلیل‌های عالمانه داشته باشیم و افراد با یکدیگر مقایسه کنند، می‌توانند نقاط قوت و ضعف را بهتر متوجه شوند.

## تفکر رهبری در غربت

## ۶ ویژگی دستگاه تفکر آیت‌الله خامنه‌ای

بداشت

دکتر مسعود معینی پور

عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم



در تجربه تاریخی ایران معاصر تفکر فقها و اندیشمندان شیعی همواره پشتوانه اصلی پیشرفت و امتداد زندگی جامعه ایرانی در ابعاد سیاست و فرهنگ و اقتصاد بوده است تا جایی که رقبای آنان از فرنگ سر رسیدند و روشنفکران سر برآوردند و از جمله نخستین توفیقات آنان دستاورد محمد علی فروغی در پشتیبانی رضاخان و ارائه تئوری‌های بدیل برای مدل‌های اداره جامعه در عرصه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد بود... فقها و اندیشمندان شیعی دوران فترت کوتاهی را پشت سر گذاشتند تا نسل جدید متفکران و اندیشمندان اصیل شیعی سر برآوردند و سپیده‌دم انقلاب اسلامی نوید اثر بخشی و اشراق خون تازه تفکر ناب اسلامی در رگ‌های جامعه ایران را داد.

این بار و با توجه به تراکم تاریخی فقها و اندیشمندان شیعه، عرصه عمل و نظر پیوند خورد و تئوری پردازان حکومت اسلامی، تأسیس کنندگان جمهوری اسلامی شدند. آنان که با تاریخ آشنا هستند رقابت‌های جنجالی متفکران انقلاب در اوایل سال ۵۷ و اوایل سال ۵۸ را رصد کرده‌اند که چگونه اندیشه پشتوانه جمهوری اسلامی نظر عموم مردم را جلب کرد و توفیق یافت. می‌توان گفت که مزیت رقابتی متفکران انقلاب اسلامی در کامیابی و تأسیس جمهوری اسلامی دارا بودن پشتوانه‌های فکری عمیق و در عین حال بومی و متلائم با فرهنگ و تاریخ و تمدن جامعه ایرانی بود که در میدان رقابت با سایر نسل‌های فکر توفیق یافت. آیت‌الله خامنه‌ای میراثدار این نسل از متفکران اصیل شیعی است که به‌رغم تمام برجستگی‌های فکرو ادعای استراتژیست‌های رقیب در بین عموم مردم و نخبگان خودی کمتر شناخته شده و حجاب مدیریت سیاسی او بر رهبری سیاست‌گذارانه و تمدنی او سایه افکنده است. باید گفت بسیاری از اطرافیان و نزدیکان رهبر حکیم انقلاب نیز در بازمانی عمق تفکر او کارآمد بوده‌اند و بیشتر از اینکه پرده از افکار راقی و بلند او بردارند بیشتر دوست دارند از وجه کاریزما و چهره قدسی او رونمایی کنند حال آنکه به نظر می‌رسد با مراجعه به آراء آیت‌الله خامنه‌ای به آسانی توجه ویژه او به وجه عقلانی و تفکر نظام‌مند رهبری جمهوری اسلامی به جای وجه کاریزما و قدسی او آشکار و مشخص است. (این بیان به معنای در نظر نگرفتن وجه معنوی و شخصیت معنوی آیت‌الله خامنه‌ای نیست بلکه در نقد تقلیل‌گرایی آیت‌الله خامنه‌ای به شخصیت تک بعدی است.)

با نگاهی دقیق به ادوار و اطوار رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در بیست و هشت سال گذشته، سپهر معنایی آیت‌الله خامنه‌ای قابل کشف است چرا که او متفکری است که عرصه نظری و رزی را به عرصه عمل پیوند داده و تمام کنش‌ها و تصمیمات او بر این نظام معنایی اوست. برخی ویژگی‌های نظام تفکر ایشان را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

## ۱. تفکر روش‌مند

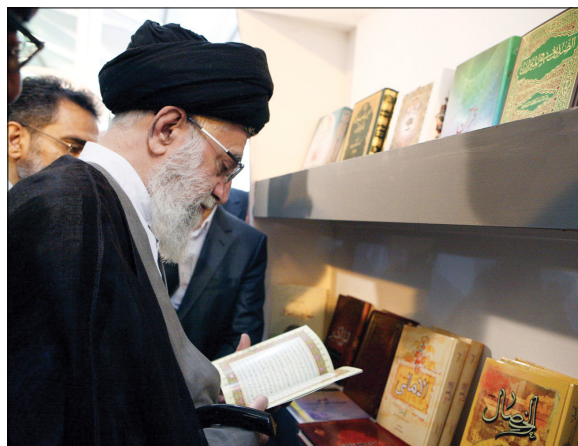
توسعه فقه از صدور احکام تکلیفی فردی و احکام اجتماعی در عرصه‌های مختلف با بهره‌گیری از دستگاه روش‌شناسی اجتهاد که در بردارنده مجموعه‌ای از روش‌های استنباط حکم است از جمله نقاط برجسته منظومه فکری حضرت امام علیه السلام و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است که در تصمیمات سیاسی و اجتماعی ایشان خودنمایی می‌کند. برخی این اشکال را مطرح می‌کنند که صرف بیان دستگاه روش‌شناسی اجتهاد به معنای مصطلح نمی‌تواند به عنوان مزیت نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای باشد؛ نکاتی در این زمینه قابل بیان است: نخست اینکه اگر با فقیه به معنای مصطلح مواجه بودیم این سخن قابل پذیرش بود اما در باب فقهی صحبت می‌کنیم که علاوه بر بهره‌گیری از روش‌شناسی اجتهاد برای استنباط احکام در ابعاد فردی آن را به ابعاد اجتماعی و بین‌المللی در حوزه‌های سیاست و فرهنگ و اقتصاد تسری داده است و در هر عرصه به اقتضائات روشی همان عرصه توجه دارد با این بیان می‌توان ذیل دستگاه کلان روش‌شناسی او، در هر عرصه موضوعی روش‌شناسی خاص آن را استخراج کرد. آنچنان که نگارنده در مقالاتی تلاش کرده تا این کار را انجام دهد.

## ۲. تفکر شبکه‌ای و نظام‌مند

شبکه پیچیده مسائلی که آیت‌الله خامنه‌ای در طول بیست و هشت سال رهبری با آنها مواجه بوده است اقتضای می‌کند که نظام تفکری که پشتوانه این تصمیمات است از نظام و پیچیدگی خاصی برخوردار باشد در غیر این صورت در طول قریب سه دهه توفیق نمی‌یافت. سه دهه پر تلاطم که آماج تهدیدات و آسیب‌های درونی و بیرونی بوده‌ایم. پیوند همزمان بین نظام‌مندی بین حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست و عرصه سبک زندگی و علم و در عین حال توجه به امنیت ملی و مدیریت جهان اسلام می‌تواند شواهد خوبی برای این تفکر شبکه‌ای و نظام‌مند باشد.

## ۳. تفکر مساله‌مدار

یکی از مهم‌ترین چالش‌های تفکر در زمانه ما در جامعه ایرانی نداشتن مساله‌های بومی و تفکر فارغ از مساله انضمامی اجتماعی در ابعاد سیاست و اقتصاد و فرهنگ است. آیت‌الله خامنه‌ای متفکری است که در عین شناخت ابعاد نظری تفکر و تسلط بر حوزه‌های حکمت نظری، همواره تلاش کرده است که خروجی تفکراتش ناظر به حوزه عینی و انضمامی عرصه عمل و حل مسائل بومی اجتماعی



باشد. امری مهم که متأسفانه در اکثر موارد مقررین آراء و نظرات ایشان به این پیوستگی بین نظرو عمل توجه ندارند و برخورد سطحی با آرای ایشان می‌کنند که آسیب‌شناسی نوع مواجهه بسیاری از افراد صاحب نظر در برخی از حوزه‌های حکمت نظری با نظرات و آراء ایشان خود حدیث مفصلی است که در این مجال نمی‌گنجد.

## ۴. بینش تمدنی

مطالعه دوره اوج و شکوفایی تمدن اسلامی در قرون هفت و هشت نشان از آن دارد که متفکران آن زمانه دارای بینشی تمدنی در ابعاد مختلف زندگی اعم از فردی و اجتماعی بودند و هیچ امری را فارغ از تحلیل تمدنی در نظر نمی‌گرفتند؛ چالش مهمی که امروز با آن مواجهیم و کمتر کسی به آن توجه دارد اینکه انقلاب اسلامی برآمده از یک بینش تمدنی حداقل به اندازه هزار و اندی سال بوده است و جمهوری اسلامی نظام برآمده از این بینش است و قرار است جامعه جهانی را ذیل مبنای تمدنی خود در نیل به سوی سعادت دنیوی و اخروی همراه کند. عدم وجود بینش تمدنی در نظام معنایی متفکر است که ممکن است او را منتقد تمدن غرب بسازد اما ایجاباً نظام تمدنی بدیل را جایگزین نکند و عملاً در علم و عمل پیرو نظام تمدنی غرب باشد؛ یکی از اقتضائات جدی بینش تمدنی عدم توقف در مرزهای ایران در تفکر و سیاست‌گذاری است و اقدام و ملل مختلف ذیل نظام تمدن اسلامی را در برمی‌گیرد. توجه جدی آیت‌الله خامنه‌ای در نظام تعالی‌ها اهل سنت در پیشبرد اهداف تمدن اسلامی و حساسیت‌های ویژه ایشان در بحث بیداری اسلامی و پیگیری‌ها و مطالبات متعدد در این حوزه یکی از نشانه‌های بینش تمدنی ایشان است که متأسفانه در معدودی از متفکران مسلمان در این سطح یافت می‌شود.

## ۵. توجه به تجارب تاریخی

در نظام معنایی آیت‌الله خامنه‌ای توجه به تراکم تجربی و تاریخی اعم از تاریخ خودی یا غیر خودی جایگاهی بسیار اساسی و مهم دارد؛ ویژگی مهمی که بسیاری از اندیشمندان شیعه از آن غافلند و به همین دلیل از تراکبات تجربی تاریخی در تفکر و عمل بی‌نصیبند و به بهانه ستیز با فلان تاریخ و تمدن باب بهره‌گیری تجربی را زان بسته‌اند.

## ۶. آزاداندیشی

تجرو و دگم‌اندیشی آفت تفکر و مدیریت کلان اجتماعی است و ضربه‌ای که متحجران در طول سال‌ها به انقلاب اسلامی در بستر جمهوری اسلامی زده‌اند در بسیاری از ابعاد روشنفکران غریزه زنده‌اند. یکی از دغدغه‌های جدی آیت‌الله خامنه‌ای قبل و بعد از انقلاب و خصوصاً بعد از دوران رهبری تأکید و پیگیری آزاداندیشی بوده است و خود نیز عامل به آن است. جست‌وجوی ساده در دیدارهای و گفتارهای ایشان و تأکید همراه با استقبال از نقد افکار و آراء خود ایشان در مرحله نخست و سپس پیگیری دردمندانه شکل‌گیری کرسی‌های آزاداندیشی می‌تواند شاهد خوبی بر وجود این ویژگی در نظام تفکر ایشان باشد. به نظر می‌رسد می‌توان ادوار رهبری آیت‌الله خامنه‌ای حداقل به سه دوره ده ساله ۶۸-۷۸، ۷۸-۸۸ و ۸۸ تا امروز تقسیم کرد و در این سه دوره رشد و بالندگی این پنج ویژگی را در منظومه تفکری ایشان با امثله فراوانی ثابت کرد. اما نکته‌ای در پایان: دهه نخست رهبری آیت‌الله خامنه‌ای همراه بود با بایکوت رسانه‌ای ایشان در رسانه‌های غربی و عربی تا جوامع مختلف با آراء و نظرات و جهت‌گیری‌های رهبر ایران بعد از پشت سر گذاشتن بحران جانشینی حضرت امام علیه السلام به مثابه یک رهبر جهانی بی‌اطلاع بمانند رهبر ایران ناشناخته بمانند. این بایکوت اما در ادامه رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به دلایل شرایط منطقه‌ای و جهانی و موضع‌گیری‌های شفاف بین‌المللی از بین رفت. چرا که همگان امتداد امام علیه السلام را در آیت‌الله خامنه‌ای به وضوح یافتند. این امتداد در اصول و فروع با امام علیه السلام در تفکر و عمل کاملاً قابل تطبیق بود الا اینکه در موارد جدید آیت‌الله خامنه‌ای با بهره‌گیری از عناصر روش‌شناسی اجتهاد، در حوزه فکر و علم و عمل مجتهدانه تصمیم گرفتند و عمل کردند. سوگمندان باید بگویم به نظر می‌رسد عده‌ای (اعم از قاصد و مقصد) فهمی یا علاقه‌ای به زدودن غبار از ابعاد منظومه تفکری آیت‌الله خامنه‌ای ندارند و حجاب‌های معاصر، دشمنی، جهل و غفلت هر کدام به نوعی این نظام و آراء فکری را در بر گرفته است که امیدوارم محققان و پژوهشگران بیشتر به این امر توجه کنند.

از پژوهش در بیان و بنان امام خمینی رحمته‌الله تا امام خامنه‌ای

# بررسی انتقادی سنت «بیانات پژوهی»



بیانات، مواضع و نظرات معمول او که از تریبون‌های عادی از مطمح نظر اندیشمندان و محققان به دور مانده است

- ارجاعات ولی فقیه به برخی شخصیت‌های نظری انقلابی و بیان برخی عبارات تحسین برانگیز و مهم در خصوص آنها تأملات اندیشمندان و محققان را در خصوص مبانی نظری انقلاب اسلامی را صرفاً در مدار ایشان قرار داده و از مدار ولی فقیه دور کرده است. بدین ترتیب اگر چه آثار علامه طباطبایی و شهید مطهری و آیت الله مصباح یزدی خیل عظیمی از توجهات و تأملات نظری را شکل داده است اما خود بیانات امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای مغفول مانده است.

۵- در کنار روند عمومی غفلت از پرداخت نظری به بیانات رهبران انقلاب اسلامی، برخی خرده‌روندهای پژوهشی یا آموزشی نیز در این خصوص به وجود آمده است که بنا به دلایلی در تبدیل شدن به روندهای استاندارد و مؤثر علمی خصوصاً در ساحت‌های آکادمیک ناکام بوده است:

- فقد دغدغه‌های روش‌شناختی در سنت مرسوم «بیانات پژوهی» موجب شده که قریب به اتفاق تولیدات فاقد اعتبار علمی و وجاهت نظری باشند. اینکه انبوهی از گزاره‌ها صرفاً به اتکای برخی جستجوهای کلیدواژگانی و با کمترین دلالت به روشهای موجود مطالعه متن در کنار هم و در قالب یک کتاب عرضه شوند مسلط‌ترین تصویری است که فعلاً از بیانات پژوهی وجود دارد. این تصویر باید به صورتی واقعی اصلاح شود

- برخی اقتضانات ذاتی و جدید بیانات آیت الله خامنه‌ای که با قریب به ۱۴۰۰۰ صفحه تقریباً مفصل‌ترین و بزرگترین مجموعه بیان انسانی در طول تاریخ است، لازم می‌آورد که روشهای علمی متناسب با مطالعه این حجم و کیفیت از متن نیز تدارک گردد. اتکای صرف به روشهای مرسوم و موجود نمی‌تواند همه نیازهای پژوهشی در تمرکز این برای این متن ویژه را کفایت کند. دامن زدن به مطالعات انتقادی روش‌های متن پژوهی و ارتقای آنها متناسب با نیازهای جدید یکی از مهمترین اقتضانات در «بیانات پژوهی» است.

- اکتفای به «بیانات پژوهی آماتور» و احساس استغناء از وارد کردن پژوهشگران قهارتر و با سابقه تردید عرصه، خصوصاً آنها که در مطالعات متنی سابقه و تمرکز دارند از دیگر مشکلات این حوزه است.

- ترجمه نشدن بیانات رهبری به زبانهای علمی و مهم دنیا موجب شده که «بیانات پژوهی» صرفاً در محدوده فارسی زبانان محصور شده باشد و بسیاری از متن پژوهان دنیا از امکان بهره‌برداری از این متن عظیم محروم بمانند.

- برش‌های عمدتاً موضوعی از بیانات رهبری و عدم توجه به برش‌های زمانی، موجب می‌شود که «روند پژوهی» از دایره مطالعات کنار گذاشته شود. یکی از حوزه‌های مطالعات که به غایت در حوزه صورتبندی نظری بیانات رهبری می‌تواند مؤثر واقع شود «مطالعات روند تطورات اندیشه رهبری از خلال روند تطورات بیانی» ایشان است.

- فقدان روند پژوهی خودبخود مطالعات فرامتنی‌ها را نیز به محاق می‌برد و فقدان تمرکزهای فرامتنی به غایت در عدم کشف دلالت‌های گفتمانی اندیشه نقش دارد.

- یکدست انگاشتن بیانات و عدم توجه به لایه‌بندی بیانات به لحاظ اعتبارهای ذاتی و عرضی آنها موجب می‌شود بیانات راهبردی‌تر و مهمتر با بیانات فرعی‌تر و معمول‌تر در یک سطح ارزیابی شود.

مدیریت و تصمیم‌گیری اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و... بازگشت مدام او به چارچوب‌های نظری برآمده از عقلانیت شیعی است. او کارآمدترین و ماهرترین فقیه‌ی است که می‌تواند دقیق‌تر و هوشمندانه‌تر از دیگران مرزهای نظری و عملی گفتمان‌های وابسته به عقلانیت شیعی را در رقابت با گفتمان‌های دیگر عقلانیت‌ها تشخیص داده و از آن پاسداری نماید. بنابراین حتی اگر تکاپوهای نظری و عملی بدن‌های نخبگانی و خبرگانی امت شیعی نتواند خلأهای نظری مواجهات گفتمانی را پر کند ولی فقیه خود وارد میدان شده و تاحد مقدور دال‌های مرکزی و گزاره‌های متناسب با آن را تولید خواهد کرد.

۴- با این حال و علی‌رغم برجستگی شأن نظری جایگاه لایت فقیه اما به دلایلی در طول سالهای بعد از انقلاب اسلامی ایران توجه شایسته‌ای به شأن نظری و گفتمان‌ساز رهبری نشده است که برخی از اهم آن‌ها بدین شرح است:

- اقتضانات حکومت داری و لزوم ارتباطات با عامه جامعه، ادبیات ولی فقیه را در مقام بیان اکثر مواضع و نظرات از ادبیات مصطلح و مرسوم نظری دور می‌کند و رنگ عملیاتی‌تر و ساده‌تری بدان می‌زند و این واقعیت بعضاً به مثابه حجابی غنای نظری مباحثات را پنهان می‌دارد.

- بخش عمده‌ای از توجهات نظری به منش و اندیشه ولایت فقیه در طول سالهای بعد از انقلاب حول آثار نظری و تولیدات حوزوی ایشان شکل گرفته است و انبوهی از

«عقلانیت شیعی» و پاسداری از اصالت جهات اصلی حرکت نظام برآمده از انقلاب و مردم انقلابی به عهده ولی فقیه گذاشته شده است. او به اتکاء اعلامیتی که در تشخیص راهبردهای عملیاتی اصلی یک ملت مسلمان دارد و می‌تواند بهتر از دیگر فقیه‌های دال‌های مرکزی گفتمان‌های پشتیبانی‌کننده این جهات اصلی را تولید نموده و نیز از رمزگذاری‌های گفتمانی کلان دشمن رمزگشایی نماید این مسؤولیت شرعی را به عهده گرفته است.

۳- در این چارچوب مواضع و سلوک ولی فقیه در مقام اداره حکومت و راهبری جامعه اسلامی یکی از منابع اصلی برای درک و بررسی عقلانیت شیعی در ساحت کلان آن است. هرچند که ولی فقیه مسوول تدوین و تنظیم اجزاء و مفصل این گفتمان‌های پشتیبانی‌کننده نیست و این امر خطیر مسوولیت نخبگان و خبرگان امت اسلامی است اما خود او در تبیین و تعیین دال‌های مرکز گفتمان‌هایی که دائم در حال تولید و بازتولید هستند در حال تلاش و تبیین ولو شفاهی و بیانی است. از این منظر ولایت فقیه فقط جایگاه اعمال نظرات برآمده از برآمده از گفتمان‌های برآمده از عقلانیت شیعی ولی فقیه نیست بلکه بطور نسبی کانون تولید و صورتبندی نظریه‌ها و گفتمان‌های متناسب هم هست. ولی فقیه هرگز نمی‌تواند بدون چارچوب‌های نظری تصمیمات اسلامی بگیرد و آنها را اعمال کند، بلکه وی مسوول اعمال نظر بر مبنای نظریه است. اصولاً تفاوت نظام ولایت فقیه با سایر سیستم‌های

**یادداشت حجت الاسلام علی جعفری**  
مدیر گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



۱- انقلاب اسلامی ایران اتکاء همه جانبه‌ای به نظریه‌های برآمده از عقلانیت‌های شیعی و گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی، بین‌المللی، هنری، ارتباطی متناسب با آن دارد. تغلیظ روابط انقلاب با

گفتمان‌های بالادستی آن به ارتقای اعتبار اسلامی انقلاب می‌انجامد و تضعیف روابط گفتمانی مساوی با تقلیل ماهیت اسلامی انقلاب خواهد بود و می‌تواند تا مرز انهدام وجهه اسلامی انقلاب پیش رود. این واقعیت، بازگشت مدام «عقلانیت انقلابی» به «عقلانیت شیعی» را به یک الزام هویتی و راهبردی انقلاب اسلامی تبدیل می‌کند. از مبدأ همین الزام بنیادین است که «نهضت نرم‌افزاری» و «تولید علم» خصوصاً در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به مهمترین راهبرد دهه چهارم انقلاب تبدیل شد.

۲- «ولایت فقیه» معتبرترین مرکز تجلی عقلانیت شیعی است. «ولی فقیه» از شایسته‌ترین منابعی است که در پرتو عقلانیت متجلی شده از بیان و منش او بتوان برای صورتبندی گفتمان‌های متناسب و مرتبط در حوزه مختلف بهره‌برداری کرد. با توجه به چنین جایگاه اعتباربخشی است که مسوولیت بازگرداندن مدام «عقلانیت انقلابی» به

**فقد دغدغه‌های روش‌شناختی در سنت مرسوم «بیانات پژوهی» موجب شده که قریب به اتفاق تولیدات فاقد اعتبار علمی و وجاهت نظری باشند. اینکه انبوهی از گزاره‌ها صرفاً به اتکاء برخی جستجوهای کلیدواژگانی و با کمترین دلالت به روشهای موجود مطالعه متن در کنار هم و در قالب یک کتاب عرضه شوند مسلط‌ترین تصویری است که فعلاً از بیانات پژوهی وجود دارد. این تصویر باید به صورتی واقعی اصلاح شود**

## چارچوب اندیشه رهبر معظم انقلاب از منظر متفاوت

## گام اول؛ شخصیت‌شناسی



یادداشت

محمد مهدی سالاری

تاکنون تلاش‌های زیادی جهت بازشناسی منظومه فکری امام خامنه‌ای مد ظله‌العالی صورت گرفته است که دارای قوت و ضعفهای مختلفی می‌باشند، اما به نظر می‌رسد تاکنون به مبانی روشی این موضوع و پیش از آن بایسته‌ها و انتظاراتی که باید از یک مجموعه محتوایی داشته باشیم که بتوانیم نام «منظومه فکری» بر آن بنهیم، کمتر پرداخته شده است. بنابراین ابتدا ضروری است که بدانیم یک منظومه فکری چیست و چه ویژگی‌هایی دارد و ما منظومه فکری چه کسی را بناست مورد مطالعه قرار دهیم و اساساً این منظومه فکری به چه دردی می‌خورد و بناست چه مشکلی از مشکلات ما را برطرف نماید؟

به نظر می‌رسد تاکنون گفت‌وگوهایی از این جنس کمتر در محافل علمی ما شکل گرفته است و در مواجهه با موضوع بازشناسی اندیشه آیت الله خامنه‌ای، نوعاً برخوردی سطحی و گرفتار افراط و تفریط با این موضوع صورت می‌گیرد. از سویی با جمعی مواجه هستیم که در مواجهه با اندیشه ولی فقیه برخوردی سیاسی و فرمایشی داشته و خارج از دایره تنگ حقوقی و قانونی - آن هم تا جایی که مجبور باشند - هیچ‌گونه تحفظی بر نظریات ولی فقیه ندارند و علمیت و حجتی برای آن قائل نیستند. و از سویی دیگر با جمعی مواجهیم که با برخوردی اخباری و سطحی و غیر مجموعه‌نگر با اندیشه ولی فقیه اگر بیشتر از گروه نخست به انسجام اجتماعی حول محور ولی فقیه لطمه نزنند کمتر از آن نیز برای جامعه ولایی آسیب ندارند.

در این فرصت تلاش می‌شود به چند نکته کلیدی درباره منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای بپردازیم.

## توجه به شخصیت‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای

پیش از هر چیز، باید بدانیم اندیشه چه کسی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. ما با شخصیت

منحصره فردی مواجه هستیم که در تاریخ شیعه بی نظیر است. بی نظیر نه صرفاً از این حیث که او سید علی خامنه‌ای است؛ بلکه از این حیث که موقعیت‌هایی برای این شخصیت فراهم شده و او در آنها زیسته است، که برای هیچ‌کدام از علمای شیعه رخ نداده است. شخصیتی که قریب سه دهه از عمر خود را علاوه بر علم آموزی، در کوران مبارزه با رژیم شاهنشاهی گذرانده و پس از آن نیز؟ دهه‌ای از عمر خود را در بالاترین سطح مدیریت کلان و راهبردی نظام اسلامی سپری کرده است. این سابقه طولانی مبارزاتی و مدیریتی در رأس یک نظام حکومتی - آن هم با مختصات عصر جدید و دولتهای مدرن و پیچیدگی‌های دنیای کنونی - برای هیچ‌کدام از فقهایی شیعه فراهم نشده است. البته بوده‌اند شخصیت‌هایی همچون خواجه نصیرالدین طوسی و شیخ بهایی؛ اما هیچ‌کدام این ها و او را دوران مبارزه سیاسی و در ثانی حضور در رأس یک نظام سیاسی را تجربه نکرده‌اند. حضور قریب نیم قرن آیت‌الله خامنه‌ای در رأس نظام سیاسی جمهوری اسلامی، ایشان را در معرض دقیق‌ترین و متنوع‌ترین اطلاعات و گزارشها در همه زمینه‌ها قرار داده است. این را بگذارد کنار ویژگی شخصی ایشان که عادت به ارتباطات گسترده با نخبگان هر حوزه و مشاوره گرفتن از بهترین کارشناسان هر موضوع است.

موروثی بر بیانات و محتوای دیدارهای ایشان با اقبال و صنوف مختلف اجتماعی، نشان دهنده پشتوانه علمی و کارشناسی

اندیشه ایشان در حوزه‌های تخصصی و نمایانگر و موید این ادعا است.

حال اگر این اشراف کارشناسی بر حوزه‌های مختلف اجتماعی روز را همزمان با قوه علمی این «فقیه متفکر مفسر رجالی تاریخدان» و در یک کلمه یک «اسلام‌شناس جامع‌الاطراف» در نظر بگیریم، این ادعای منحصر بفرد بودن بهتر فهم می‌شود. جامعیت و اسلام‌شناس بودن این شخصیت نه توسط راقم این سطور، بلکه توسط امام خمینی رحمه‌الله‌عنه آن هم مدت‌ها پیش از انتخاب ایشان به مقام ریاست جمهوری مورد تصریح قرار گرفته است. آنجا که مرحوم آیت الله منتظری پس از رحلت آیت الله طالقانی و انتصاب از سوی امام خمینی، از امامت نماز جمعه تهران انصراف داده و امام، آیت الله خامنه‌ای را به این جایگاه منصوب کرده و در حکم انتصاب علاوه بر تصریح بر اسلام‌شناسی ایشان از لفظ «منصوب می‌باشید» به جای لفظ رایج «منصوب می‌کنم» استفاده می‌کنند. و لازم به یادآوری نیست که تربیون نماز جمعه تهران - آن هم در ابتدای انقلابی که به نام دین و مذهب تشیع - که بناست مواضع این انقلاب دینی را در برابر مهمترین مسائل داخلی و خارجی تبیین کند جایگاهی نیست که در نظام امام خمینی هر کسی لایق آن باشد.

## منظور از منظومه فکری چیست؟

مطلب بعدی این است که باید بدانیم وقتی از منظومه فکری سخن می‌گوییم، مراد ما دقیقاً چیست. ارکان یک منظومه فکری کدام است؟ منظومه فکری واحد کدام ویژگی‌هاست؟ آنچه از مفهوم منظومه فکری به ذهن نگارنده متبادر می‌شود،

مجموعه‌ای منسجم و نظام‌مند از مفاهیم است که با هدفی خاص و در جهت پاسخگویی به نیازهای مشخص با یکدیگر مرتبط شده باشند. هر مجموعه‌ای از محتوای در کنار هم قرار گرفته را نمی‌توان منظومه نامید. وقتی سخن از منظومه به میان آید، لاجرم نمی‌توان «مبنایی» برای آن تصور نشد. همانطور که «هدف و غایت» را. همانگونه که هر نظام دارای اجزایی مشخص و مختص به خود است، منظومه فکری نیز باید دارای اجزای مفهومی مشخص و محدود باشد و بتواند تعاریف خود را از موضوعات و مفاهیم ارائه دهد. و نیز همانگونه که در هر نظام اجزا دارای ارتباطات مشخصی با یکدیگر هستند «نظم، ارتباط و ساختارمندی» نیز از ویژگی‌های بدیهی هر منظومه فکری هستند. همچنین است «انسجام و

قاعدگی» و «حاکمیت» و «منطق» بزرگ منظومه فکری. نمی‌توان از منظومه فکری سخن گفت و آن را تحلیل کرد اما عامل انسجام، هماهنگی و قواعد حاکم بر آن را توصیف و تحلیل نکرد.

بنابراین باید احتیاط کرد و دچار «تپوژ علمی» و «سطحی‌اندیشی» بیجا نشد. نباید تصور کرد که با تنظیم فهرستی از موضوعات و جایابی متون و مفاهیم در آن فهرست، به منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای دست پیدا کرده‌ایم.

## ویژگی‌های منظومه فکری مطلوب

در ادامه برخی از مهمترین ویژگی‌هایی که لازم هر مجموعه محتوایی مدعی توصیف منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای است بیان می‌گردد

## الف) توضیح مبانی مستحکم

شخصیت فکری آیت الله خامنه‌ای را پیش از هر چیز، باید تحت تأثیر قرآن دانست. تاریخچه مبارزاتی ایشان پیش از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که برنامه مبارزاتی ایشان، تربیت نیروی انسانی مؤمن انقلابی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم بوده است. از تشکیل نخستین درس رسمی تفسیر در حوزه علمیه مشهد تا تشکیل جلسات تفسیر مسجد کرامت و سلسله درس‌های طرح اندیشه اسلام در قرآن در مسجد امام حسن رضی‌الله‌عنه، همگی گویای محوریت

و جایگاه ویژه قرآن در اندیشه ایشان است. محوریت «ایمان، توحید و ولایت» در اندیشه قرآنی ایشان واضح و جدی است. این مبانی توحیدی حتی به وضوح در روینایی‌ترین اندیشه‌های ایشان یعنی مفاهیم سیاسی و اجتماعی و همه‌اعلام‌نظرهای کارشناسی ایشان واضح و مبرهن است.

تکیه جدی ایشان بر معارف و سیره سیاسی اهل بیت عصمت و طهارت نیز کنز دیگر معارفی اندیشه آیت الله خامنه‌ای است که در تلاش جدی ایشان بر احیای نهج‌البلاغه در پیش و پس از انقلاب اسلامی و مطرح کردن نظریاتی همچون نظریه معروف «انسان ۲۵ ساله» تجلی یافته است.

تبیین و ترسیم این معارف در هر مجموعه‌ای که مدعی تبیین منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای است ضرورت دارد. نمایش تأثیر اندیشه توحیدی در مفاهیمی همچون استکبارستیزی و استقلال طبی و یا نقش سیره و سنت اهل بیت علیهم‌السلام در تکوین مفاهیمی همچون مردمسالاری دینی و عدالت‌طلبی از این جمله‌اند.

## ب) توصیف غایت و اهداف مطلوب

احیای «اسلام سیاسی - اجتماعی» در عرصه علمی و فرهنگی و «تمدن نوین اسلامی» در عرصه عمل اجتماعی، غایت مطلوبی است که بارها و بارها بوسیله آیت الله خامنه‌ای تصریح شده است. لذا بدون التفات به این دو موضوع و نمایش نسبت تمامی موضوعات با این دو چشم‌انداز، نمی‌توان مدعی استخراج و تبیین منظومه فکری ایشان بود. همانگونه که در اندیشه‌های

مارکسیستی در همه حوزه‌ها و در همه سطوح اعم از علم، فرهنگ، تاریخ، سیاست و اقتصاد می‌توان نسبت موضوعات را با آرمان جامعه بدون طبقه مشاهده کرد. یا همان‌گونه که در منظومه تفکر اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری در همه موضوعات و تحلیل‌ها و تجویزهای توان‌نسبتی با آرمان بازار آزاد برقرار نمود.

ج) نمایش قواعد حاکم بر اندیشه بر اندیشه آیت الله خامنه‌ای قواعدی حاکم است که بر همه حوزه‌ها شمولیت دارد. این قاعده کلی و منطبق جهانشمول در همه حوزه‌ها و نظریه‌های روینایی بکارگرفته می‌شود و موجب زایش و بسط مفهومی می‌گردد. این ویژگی هر منظومه فکری جامع و پر قوت است. جهت تقریب به ذهن مجدداً ناچاریم از اندیشه

مارکسیسم کمک بگیریم. قاعده کلی و منطق جهانشمول اندیشه مارکسیسم عبارت است از «منطق دیالکتیک» یعنی سه‌گانه ازلی و ابدی «تزی، آنتی، سنتز». منطقی که در همه حوزه‌ها ملاک سنجش و صدق و کذب قرار می‌گیرد و کارآمد است. در تبیین عالم، در تاریخ، در علم، در اقتصاد، در سیاست و حتی طبیعیات و اساساً در هر حوزه‌ای این منطق دیالکتیک است که به مثابه یک ماشین جادویی تمام عالم را تبیین می‌کند. اهمیت این منطق تا بدانجاست که اگر این منطق از اندیشه مارکسیسم گرفته شود قدرت تبیین ساده‌ترین پدیده‌های عالم از آن گرفته خواهد شد.

آیا در اندیشه اسلامی آیت الله خامنه‌ای نیز می‌توان چنین منطق جهانشمولی یافت؟ اگر پاسخ مثبت است آن منطق چیست؟ خود ایشان به این سؤال پاسخ داده‌اند. این قاعده کلی و مبنایی و جهانشمول عبارت است از «ایمان و اعتماد مطلق به خداوند عالم و ستندهای الهی و نفی وی و اعتمادی مطلق به دشمنان خداوند و اولیایش» و در دو کلمه «تولی و تبری».

تولی و تبری به عنوان یک منطق کلیدی و کلی در همه حوزه‌های اندیشه ایشان جاری است. هیچ موضوع و اظهار نظر و نظریه‌ای از ایشان نمی‌توان یافت که با این منطق ارتباط واضحی نداشته باشد. بنابراین در پرداخت به منظومه فکری ایشان، ضروری است که این قاعده کلی و جهانشمول مورد توجه جدی قرار گیرد.

د) ارتباط شفاف و هماهنگی مفاهیم با یکدیگر از ویژگی‌های ضروری هر مجموعه نظام‌مند، اصل هماهنگی و انسجام است. هر چه یک منظومه فکری از انسجام معنایی بیشتری در موضوعات مختلف برخوردار بوده و از تناقض و ابهام به دور باشد، نشان دهنده تکامل یافته بودن آن منظومه فکری است.

منظومه فکری لیبرال، چه آنجا که از دست نامرئی بازار سخن می‌گوید، چه آنجا که در تعلیم و تربیت از نظامات افراطی معلم محور انتقاد کرده و نظریات یادگیرنده‌محور را مطرح می‌کند، چه آنجا که از عدالت سخن می‌گوید؛ در همه جا نه تنها می‌توان ارتباط روشنی با مقوله «آزادی» آنگونه که لیبرال‌ها تبیین می‌کنند مشاهده نمود، بلکه متفکرین لیبرال تلاش کرده‌اند تناقض و ابهام میان حوزه‌های موضوعی فوق را به حداقل برسانند.

نمایش این انسجام و هماهنگی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای نیز از ضروریات و بایسته‌های پرداختن به منظومه فکری ایشان است. آن تبیین برترین تبیین از اندیشه ایشان است که بتواند ارتباط عدالت را با آزادی، آزادی را با استقلال، استقلال را با عزت ملی، همه این مقوله‌ها را با مردم‌سالاری و... آن هم در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و در طراحی کلیه نظام‌ها همچون نظام آموزش و پرورش، نظام علم و فناوری، نظام بهداشتی و درمانی، نظام بیمه و تأمین اجتماعی و سایر نظامات اجتماعی تبیین نماید.

## و) توضیح نوآوری‌های مفهومی

از دیگر ویژگی‌های منظومه‌های فکری قوی و پیشرو، قدرت زایش مفهومی و توسعه معنایی است. اندیشه و علم بشر همواره در حال توسعه و پیچیده شدن است. تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در عصر جدید به شدت با یکدیگر مرتبط و درگیر شده‌اند. رسانه و ارتباطات سرعت تغییرات فرهنگی را بسیار زیاد کرده است. چه بسیار واژه‌ها و مفاهیمی که به سرعت خلق می‌شوند و انبوهی از اطلاعات را نمایندگی می‌کنند و چه بسیار واژه‌ها که می‌میرند یا دچار تغییرات جدی معنایی می‌شوند. میزان توانمندی یک منظومه فکری در نوآوری مفهومی برای زنده ماندن آن اندیشه ضروری است.

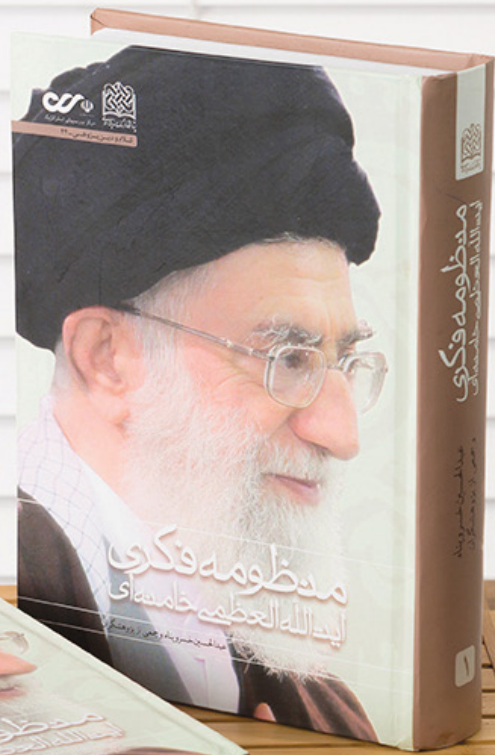
واژه‌ها را از حیث نوآوری معنایی به سه دسته می‌توان تقسیم نمود: واژگان ابتدایی، واژگان بازتولیدی، واژگان تولیدی.

دسته نخست واژگانی هستند که ذاتاً دستخوش تغییرات جدی نشده و در بازه‌ای از زمان همان معنای اولیه خود را حفظ می‌کنند و صرفاً در ارتباطات ادبی و زبانی است که در کنار سایر مفاهیم می‌توانند معنای جدیدی را خلق کنند.

دسته دوم واژگانی هستند که در عین حفظ لفظ، معنای جدیدی پیدا کرده‌اند. واژگان «استکبار» و «بسیج» در گفتمان انقلاب اسلامی و «بصیرت» در گفتمان چندسال اخیر آیت الله خامنه‌ای از این دسته‌اند. اما دسته سوم واژگانی هستند که هم در لفظ و هم در معنا جدیدند. یعنی هیچ‌کدام از الفاظ موجود در گنجینه زبانی، طرفیت انتقال آن مفهوم جدید را نداشته‌اند، فلذا خلق واژه‌ای جدید ضرورت پیدا کرده است. واژگانی همچون «تجاهم فرهنگی»، «جهاد اقتصادی»، «اقتصاد مقاومتی»، «عزت ملی» از این دسته‌اند. در اندیشه آیت الله خامنه‌ای بیش از هزار واژه تولیدی و بازتولیدی وجود دارد که نشان قدرت بالای این اندیشه در نوآوری مفهومی و ظرفیت بی‌ظنیران در مواجهه با کلیه جریانات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در نتیجه، پرداختن به این توان بالای نوآوری مفهومی و چگونگی آن از ضروریات بررسی این منظومه فکری است. این موضوع نشان می‌دهد که این اندیشه از توان زیادی برای پاسخگویی به مسائل عینی و نیازهای روز برخوردار است.

## نکته‌هایی انتقادی در نگاه به کتاب منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

# نقدی بر پژوهش فکری



مسلم و مبرز هستند اما نه به عنوان متکلم و دین پژوه شناخته می‌شوند و نه هدف این پژوهش اقتضا دارد که منظر کلام و دین پژوهی بر کلیت اثر سایه بیفکند.

### نگاهی به مقدمه و مبنای پژوهش

جناب آقای خسروپناه در مقدمه کتاب تلاش نموده که شیوه کار را از حیث روش‌شناسی نشان دهد. وی توضیح می‌دهد که با کنار گذاشتن دیگر دغدغه‌های خود چند ماهی را بر آثار و بیانات رهبر انقلاب متمرکز شده و توانسته همه آنها را بخواند. آنگاه بخش‌های کلیدی و مضامین اصلی را جدا کرده و با سامان دهی به آنها به نظام‌های چندگانه‌ای رسیده که شاکله منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای در این کتاب را ساخته‌اند. او سپس مواد اولیه را به متخصصان در هر مبحث سپرده تا آنها در پرتو مضامین اصلی به دست آمده و شاکله اصلی مباحث، کاوش بیشتری در آن حوزه صورت داده و قلم‌پردازی کنند. دوا دعای دیگر نیز در مقدمه آمده است: نخست اینکه کتاب فارغ از سوگیری پیشینی فکری - سیاسی به سود منظومه فکری رهبر انقلاب نگارش شده و به همین دلیل از ادبیات جهت‌دار نیز در متن پرهیز شده است و دیگر آنکه تا حد مقدور - مگر برخی استثنایا که ضرورتی ایجاب می‌کرده - از به‌کارگیری نقل قول‌های مستقیم پرهیز شده است.

### در باب روش چند نکته قابل تأمل است:

۱. درست است که آقای خسروپناه مدتی خود را از دیگر مشغله‌ها برای تمرکز بر آثار و بیانات رهبر انقلاب فارغ کرده اما به فرض دسترسی ایشان به همه بیانات رهبر معظم انقلاب - به خصوص بیانات غیرمشروح - با توجه به حجم بسیار زیاد آثار قلمی و بیانی معظم له، نمی‌توان به تندخوانی این حجم در مدتی کوتاه اتکا کرد. به خصوص

که از سوی سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چاپ شده - یعنی ناشری که تجربه کار در بازار نشر کشور و ارائه نمونه‌هایی موفق را در کارنامه دارد - و با توجه به در دسترس بودن تصاویر زیبا، با کیفیت و دارای بار معنایی مناسب از رهبر انقلاب اسلامی مایه شگفتی است. کسانی که دستی در عالم عکاسی و طراحی دارند در نگاه نخست متوجه کیفیت پایین تصویر از حیث وضوح و رنگ خواهند شد؛ گذشته از دلالت‌های معنایی تصویر که دست‌کم می‌توانست با انتخابی هنرمندانه‌تر، دلالت‌های ضمنی بهتری نیز داشته باشد.

ثالثاً طبق سرکلیشه‌ای که در بالای کتاب روی جلد درج شده، این پژوهش در گروه کلام و دین پژوهی و ذیل پژوهشکده حکمت و دین پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام گرفته است. در حالی که باتوجه به دسته‌بندی پژوهشکده‌ها و گروه‌های علمی، منطقاً این کار باید ذیل گروه مطالعات انقلاب اسلامی یا مهم‌تر از آن در پژوهشکده نظام‌های اسلامی قرار می‌داشت که با عنوان اثر نیز همخوانی بیشتری دارد. البته ممکن است تخصص و حیطه کاری آقای خسروپناه که حوزه کلام و دین پژوهی است مسبب چنین انتخابی بوده باشد، اما این نیز توجه خوبی باشد. نهاد پژوهشی متکفل این تحقیق از بضاعت لازم برای پیگیری امر در مجرای صحیح برخوردار بوده و هست. فراتر از این، اگرچه آیت الله خامنه‌ای مجتهدی

**پیش از هر گونه اظهار نظری درباره شکل و محتوای کتاب، باید از کلیت این کار به عنوان گامی تازه در مسیر تبیین اندیشه‌های رهبر انقلاب استقبال نمود و از آن تقدیر کرد. بر خلاف بسیاری از تصورها، کار فاخر عالمانه در این گونه حوزه‌ها پیش از وسواس در جزئیات تحقیق و تألیف، بیشتر نیازمند انباشت پژوهش‌های فراوان با زوایای دید گوناگون است**

### نکته‌های پیش از تورق

پیش از آنکه وارد روش، سامان دهی و محتوای اثر شویم، طبیعتاً با جلد کتاب مواجه هستیم. جایی که در همان نگاه نخست به نظر می‌رسد نیازمند دقت نظر بیشتری بوده است:

اولاً عنوان اصلی کتاب بسیار مدعیانه است. ادعای ارائه منظومه فکری شخصیتی که چندین دهه در عالی‌ترین سطوح فکری و مدیریتی به ارائه نظرانی متعدد و متنوع پرداخته، سنگین است و نباید دست‌کم گرفته شود. دست‌اندرکاران این پروژه می‌توانستند با افزودن واژگان «درآمدی بر» یا «طرحی از» و مانند اینها هم تواضع علمی خود را نشان دهند و هم توقع مخاطب را چنان بالا نبرند که با هر گونه کاستی و کژی در کتاب، تصور از ادعای اولیه

مخدوش شود. از سوی دیگر درج تعبیر «العظمی» در دنباله عنوان آیت الله هیچ ضرورتی ندارد. چرا که عنوان آیت الله از حیث علمی اشاره به اجتهاد شخصیت مورد بررسی دارد که کافی است و از نظر اجتماعی نیز تعبیری جاافتاده است. افزودن کلمه العظمی که معمولاً برای مراجع تقلید به‌کار می‌رود جنبه تبلیغاتی و القایی بودن اثر را دامن می‌زند. ضمن آنکه برای هیچ‌یک از مدعاهای علمی کتاب، نیازی به ثبوت یا اثبات مرجعیت رهبر انقلاب نیست.

ثانیاً تصویری که برای نقش بستن روی جلد چنین کاری



یادداشت دکتر مصطفی غفاری  
دکترای جامعه‌شناسی سیاسی

در نیمه دوم تابستان سال جاری، کتابی با عنوان «منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای» از سوی سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شد. این اثر دو جلدی که با سرور استاری علمی حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه - رییس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران - در چهار بخش نظام‌های بینشی، نظام‌های منشی و رفتاری، نظام‌های اجتماعی اسلام و اهداف اجتماعی اسلام تدوین شده، داعیه‌دار تبیین منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی در ۱۴۴۰ صفحه است. آنچه در پی آمده، نگاهی به این کتاب از منظر انتقادی است که نکاتی را در بررسی این پژوهش با ذکر برخی شواهد یادآور شده است.

### استقبال از انباشت پژوهش‌ها

پیش از هر گونه اظهار نظری درباره شکل و محتوای کتاب، باید از کلیت این کار به عنوان گامی تازه در مسیر تبیین اندیشه‌های رهبر انقلاب استقبال نمود و از آن تقدیر کرد. بر خلاف بسیاری از تصورها، کار فاخر عالمانه در این گونه حوزه‌ها پیش از وسواس در جزئیات تحقیق و تألیف، بیشتر نیازمند انباشت پژوهش‌های فراوان با زوایای دید گوناگون است.

## تحقق عدالت اجتماعی مطالبه عمومی شود

بدا داشت دکتر محمد زارع فرامکی



دبیر علمی گروه زن و خانواده پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

عدالت از مفاهیم راهبردی و ارزشی ادیان الهی و همچنین مفاهیم بنیادین علوم انسانی و بخصوص فلسفه سیاسی هست. عدالت حقیقتی است که بنا و قوام هستی بدان توصیف شده است. اهمیت عدالت و نقش تعیین‌کننده آن در خلقت هستی بالذات و در اجتماع بشری بالطبع غیر قابل انکار است. به همین دلیل می‌توان بیان کرد که مبحث عدالت در مرکز منظومه فکری رهبران الهی، اندیشمندان سیاسی واقع شده است. اندیشه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از ویژگی‌های خاصی برخوردار است ورود معظم له در مباحث عدالت اجتماعی از منظر رهبر نظام و سیاست‌گذار کلان در ترسیم خطوط اصلی حرکت کارگزاران و مسوولان نظام ایشان را از صاحب‌نظران و اندیشمندان دانشگاهی که با بحث‌های استدلالی و فلسفی متعارف و صرفاً اندیشه‌ای به مقوله عدالت اجتماعی می‌پردازند، متمایز کرده است معظم له فقهی دینی و اسلام‌شناس هستند که تجربه چندین دهه مسوولیت مناسب عالی جامعه اسلامی را به عهده داشته و دارند.

مقاله «عدالت اجتماعی در منظومه فکری مقام معظم رهبری» بر آن است تا ضمن بررسی چستی عدالت و اقسام آن به منظومه فکری رهبری فرزانه در زمینه عدالت اجتماعی بپردازد این مقاله دارای ۶ فصل است: در فصل نخست به چستی عدالت و اقسام آن در ابعاد فردی و اجتماعی، تکوینی و تشریحی و غیره پرداخته شده است. فصل دوم مقاله به جایگاه عدالت اجتماعی در منظومه فکری رهبری اشاره دارد در این فصل به مباحثی همچون نسبت عدالت اجتماعی با آزادی و تمدن، عدالت و بعثت انبیاء، عدالت و مهدویت، عدالت و برابری، عدالت و مساوات، عدالت و نظام اجتماعی، عدالت و تندرستی، عدالت و توزیع فقر، عدالت و عقلانیت، عدالت و معنویت و تزکیه، عدالت و آزادی حق و عدالت، عدالت و اخلاق، عدالت و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، اقتصاد در توسعه، عدالت و منطق، عدالت و قدرت سیاسی، عدالت اجتماعی و فمینیسم، عدالت و تمدن، صلح و عدالت از منظر مقام معظم رهبری توجه شده است، فصل سوم مقاله به مبانی عدالت اجتماعی در تفکر معظم له پرداخته است، فصل چهارم اصول راهبردی و کاربردی تحقق عدالت در منظومه فکری رهبر فرزانه انقلاب بررسی شده است در این فصل ابتدا اصول راهبردی تحقق عدالت بیان شده است برای اصول راهبردی تحقق عدالت در جامعه به مباحثی همچون ضرورت برابری عادل در حاکمیت، تشکیل حکومت، مطالبه عدالت اجتماعی از مسوولین، فرهنگ سازی مطالبه عدالت در میان آحاد مردم توجه شده است و در بخش دوم فصل اصول کاربردی یاد شده است از اصول کاربردی تحقق عدالت می‌توان به مواردی همچون توجه به جایگاه قوه قضائیه در تحقق عدالت، وظیفه‌مندی دولت نسبت به عدالت اجتماعی لزوم تبیین شاخص‌ها و معیارهای عدالت، عدم وجود قانون بازدارنده برای مبارزه با بی‌عدالتی، اطلاع‌رسانی مناسب و آموزش افکار عمومی، قاطعیت در مبارزه با بی‌عدالتی، استفاده از هنر، توجه ویژه به ضعفا، پاک‌دستی اشخاص تاثیرگذار، برنامه ریزی برای پیش‌گیری از جرم، ناامن کردن فضای جامعه برای متخلف اشاره کرد. در فصل پنجم مقاله موانع و آسیب‌های تحقق عدالت اجتماعی در دو بخش موانع داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته شده است از موانع داخلی می‌توان به ارائه مفهوم غلط از حقیقت اسلام، عدم استقلال قوه قضائیه، عدم اعتماد به قوه قضائیه، فقدان معنویت، ایجاد تقابل بین مفهوم عدالت و عقلانیت، اغراض شخصی و هوی و هوس، اغراض سیاسی، حاکمیت طاغوت، سرپیچی از قوانین الهی، شعاری کردن عدالت، ضعف وجهت‌گیری در عدالت، رشد و توسعه نامتوازن، نادیده گرفتن جایگاه آرمانی عدالت، قوانین غلط، تبلیغات افواکننده، عدم تزکیه و اصلاح نفس، تقلیل از فرهنگ غرب، تک‌بعدی نگری به توسعه اقتصادی، فقدان برنامه اجرایی، بخشی‌نگری، جزیره‌ای عمل کردن حاکمیت و مردم در رسیدن به عدالت، فرهنگ تجمل‌گرایی، ثروت‌اندوزی و شیوع رفاه طلبی در میان شخصیت‌های تاثیرگذار جامعه اشاره کرد در بخش دوم از تحلیل جنگ توسط استکبار جهانی برای جلوگیری از تحقق عدالت اجتماعی، صف‌آرایی مستکبران در مقابل نظام اسلامی با عنوان حقوق بشر، مقاومت تمام‌عیار غرب در مقابل نهضت عدالت، از موانع خارجی تحقق عدالت یاد شده است. فصل آخر مقاله به آثار و پیامدهای تحقق عدالت اجتماعی در اندیشه مقام معظم رهبری اشاره دارد. ایشان عدالت را وسیله پیشرفت اسلام، تخلق به اخلاق حسنه، قوام و استواری جامعه اسلامی، تحقق عدالت را پیام انقلاب اسلامی، الگو شدن ملت ایران، رشد و تعالی انسان، حاکمیت توحید، پایان مصاد بشریت، ایجاد امنیت، و اصل راهبردی پیشرفت اسلام بر شمرده‌اند.

اگر بخواهیم عصاره مطالب بیانات مقام معظم رهبری در تحقق عدالت اجتماعی را در یک جمله و بند خلاصه کنیم؛ ایشان معتقدند تحقق عدالت اجتماعی باید به مطالبه عمومی تبدیل شود.

است؛ هم در لفظ و هم معنا. در واقع ما با تفصیل مقاله قبلی آقای مهاجرنیا در مورد فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای یا تلخیص کتاب وی به همین عنوان مواجه هستیم که هر دو سال‌ها پیش از این توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چاپ شده‌اند. نویسنده همچنین به مباحث چالشی مهم این عرصه نیز توجه نداشته است. مثلاً این شبهه عمده بارها مطرح شده که تصور سیاسی عالمان دینی به تبع نگرش غالب مراجع فکری در عالم سنت نسبت به نظم و نظام سیاسی، مبتنی بر فرد و ویژگی‌های شخص حاکم است، نه ویژگی‌های مربوط به چگونگی حکومت‌گری. با این تلقی، مباحث شایع درباره خصایص فرد حاکم یا موضوعات دیگر در این محدوده، مباحثی «پیشا نظام سیاسی جدید» شناخته می‌شود. اما نویسنده توجهی صریح یا ضمنی به این‌گونه ابهامات و سوالات نداشته است.

● در بسیاری از موارد نویسنده به‌طور مستقیم از منابع مربوط به رهبر انقلاب استفاده کرده اما در متن هیچ‌گونه نشانه تمایزی نیست که مرز میان تألیف وی و بیانات رهبر انقلاب را نشان دهد. مخاطب در نمی‌یابد که کجا نظر مؤلف است و کجا نقل دیگران. تنها در انتهای برخی پاراگراف‌ها با پانویس به منبع مربوطه ارجاع شده است. در حالی که چنین چیزی خلاف روش نگارش درست و تخلق بین از اخلاق علمی است. مثلاً در ص ۷۶۴: «البته امامت که می‌گوییم...» نشان می‌دهد که این یک نقل قول مستقیم از رهبر انقلاب است، نه افزوده مؤلف.

● نکته مهم دیگر عدم استفاده مؤلف از برخی فیش‌های ناب در موضوع مربوطه و استفاده تخت و یکنواخت از فیش‌ها با فراوانی بالا در تدوین متن است. از آن مهم‌تر استفاده مکرر از فیش‌های قدیمی است؛ تاریخ آخرین فیش استفاده شده در این نوشتار ۱ فروردین ۱۳۸۸ است! اغلب فیش‌هایی که به تاریخ آنها ارجاع شده نیز مربوط به دهه ۷۰ و ۱۳۶۰ هستند... آیا آیت‌الله خامنه‌ای بعد از این تاریخ بیان مهم و تعیین‌کننده‌ای در حوزه نظام سیاسی اسلام نداشته‌اند یا محقق از آنها آگاهی ندارد؟ مثلاً مباحث ایشان در مورد بنیان‌گذاری یک «نظم مدنی، سیاسی» جدید در دوره جمهوری اسلامی یا تبیین مسأله حق الناس و مانند اینها چرا مدنظر قرار نگرفته است؟

● در تنظیم و تدوین این‌گونه آثار قاعده این است که منابع هر مقاله در پایان همان مدخل درج شود تا مخاطب در صورت لزوم به آنها مراجعه کند. شگفت‌آور است که کل منابع این کتاب در پایان ۱۴۰۰ و اندی صفحه به‌صورت درهم‌کرد (بدون تفکیک ارتباط آنها با هر مقاله) درج شده! در حالی که موضوعات مقالات نیز از مبانی اعتقادی تا مباحث سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود... حال تصور کنید اغلب مخاطبان که طبیعتاً همه کتاب را از ابتدا تا انتها نمی‌خوانند، برای رجوع به منابع و مستندات بخش مورد علاقه خود با چه شرایط بغرنجی روبه‌رو می‌شوند.

## جمع‌بندی

پرداخت مبلغی بیش از ۱۰۰ هزار تومان برای تهیه چنین کتابی احتمالاً خارج از توان عامه علاقه‌مندان است. کسان یا نهادهایی نیز که به دلیل نیازهای خاص علمی و ترویجی به سراغ چنین منظومه‌ای می‌روند به دلیل نقایص جدی که به بخشی از آنها اشاره شد، چنان که باید دست‌پرنخواهند بود. با این همه «منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» را می‌توان گامی به پیش در مطالعات رهبری پژوهی دانست که در صورت برطرف شدن برخی خلأها و ضعف‌ها و البته تلخیص بسیاری از مطالب غیر ضروری در نسخه فعلی، می‌تواند به غنای مباحث علمی در این حوزه کمک کند؛ همچنان که می‌تواند دیگران را به پژوهش‌هایی ارزشمندتر در همین قلمرو برانگیزد.

● ● ●

«منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» را می‌توان گامی به پیش در مطالعات رهبری پژوهی دانست که در صورت برطرف شدن برخی خلأها و ضعف‌ها و البته تلخیص بسیاری از مطالب غیر ضروری در نسخه فعلی، می‌تواند به غنای مباحث علمی در این حوزه کمک کند؛ همچنان که می‌تواند دیگران را به پژوهش‌هایی ارزشمندتر در همین قلمرو برانگیزد

برای استناد به آثار رهبر انقلاب استفاده شده اما با مروری دقیق روشن می‌شود که در اغلب موارد مرز میان تألیف و ارجاع از میان رفته است و هیچ تمایزی میان ارجاعات و افزوده‌های نویسندگان نیست. خواننده‌ای که با ادبیات رهبر انقلاب آشنایی داشته باشد - به‌خصوص با توجه به پیرنگ خطابی اغلب بیانات و سبک ویژه ایشان در خطاب - به‌سادگی این مسأله را درمی‌یابد.

## نگاهی فشرده به یک مدخل نمونه

برای آنکه کاستی‌ها و آسیب‌های پیش‌گفته را عیناً در نظر آوریم و برخی نکات ریز و درشت دیگری نیز می‌تواند از منظر انتقادی مورد توجه قرار گیرد را به‌طور ملموس درک کنیم، از میان همه مباحث کتاب مدخل «نظام سیاست اسلامی» نوشته آقای محسن مهاجرنیا را انتخاب و بر آن تمرکز می‌کنیم؛ با آنکه برخی نکات محتوایی و تقسیم‌بندی‌های خوب در این مقاله مطرح شده، اما در مجموع از بسیاری موضوعات مهم در آن غفلت شده و در بر گیرنده ظرایف و دقایق کمی در موضوع مورد بحث است. از سوی دیگر در بخش عمده‌ای از متن، نویسنده بحث نظام سیاسی به مفهوم متعارف را رها کرده و به حوزه فلسفه سیاسی پرداخته است. نظام سیاسی معنایی محصل در قلمرو علوم سیاسی دارد با شبکه مسائل مستقلی که متأسفانه در اینجا مدنظر قرار نگرفته است. برای

● ● ●

تبیین آقای خسروپناه از مفاهیم «منظومه» و «نظام» نه کافی است و نه واضح. نویسنده در اینجا به ادبیات بحث در دانش‌هایی چون مدیریت و معرفت‌شناسی و... توسل جسته اما در نهایت نتوانسته یک مبنای منسجم برای اینکه دستاویزی قابل اتکا در تمامی مسیر تحقیق باشد، فراهم آورد.

از همین رو، اگر خواننده به مداخل و مقالات مختلف در سراسر کتاب نگاه کند، کمتر اثر تعیین‌کننده‌ای از نقش «منظومه - نظام» در محتوای اثر می‌یابد. اگرچه مطالب مختلف ذیل این دسته‌بندی قرار گرفته‌اند اما فحوای اثر چندان با این دسته‌بندی همخوان و درهم‌تنیده نیست. همان مطالب به آسانی و بدون هیچ خللی می‌توانست ذیل دسته‌بندی‌های دیگری قرار گیرد که هیچ ارتباط منطقی و منسجمی با مفاهیم مدنظر در مقدمه ندارد

نمونه جا داشت این نوشتار جایگاه مباحثی چون تفکیک قوا، تحزب و... را در اندیشه رهبر انقلاب نشان دهد. ولی مدام سخن از فلسفه سیاسی

آنکه در موارد متعدد و تعیین‌کننده‌ای، مطالعه متن این بیانات به هیچ وجه برای فهم اندیشه ایشان کافی نیست؛ بلکه نیازمند زمینه‌پژوهی و در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و شرایط و مناسبات تاریخی خاص هنگام صدور کلام، آثار و تبعات آن بحث و مانند اینهاست. مطالعه همه این متون با همه آن پیوندها، بدون شک از حدود طبیعی توان یک نفر آن هم در عرض چند ماه خارج است. بنابراین ادعای تسلط علمی بر متن دست‌اول آثار آیت‌الله خامنه‌ای در این مدت چندان موجه به نظر نمی‌رسد. بعید است چکش‌کاری‌های بعدی محقق محترم در مقام مشورت و مباحثه با دیگران نیز نتوانسته باشد این نقیصه را به تمامی جبران کند.

۲. تبیین آقای خسروپناه از مفاهیم «منظومه» و «نظام» نه کافی است و نه واضح. نویسنده در اینجا به ادبیات بحث در دانش‌هایی چون مدیریت و معرفت‌شناسی و... توسل جسته اما در نهایت نتوانسته یک مبنای منسجم برای اینکه دستاویزی قابل اتکا در تمامی مسیر تحقیق باشد، فراهم آورد. از همین رو، اگر خواننده به مداخل و مقالات مختلف در سراسر کتاب نگاه کند، کمتر اثر تعیین‌کننده‌ای از نقش «منظومه - نظام» در محتوای اثر می‌یابد. اگرچه مطالب مختلف ذیل این دسته‌بندی قرار گرفته‌اند اما فحوای اثر چندان با این دسته‌بندی همخوان و درهم‌تنیده نیست. همان مطالب به آسانی و بدون هیچ خللی می‌توانست ذیل دسته‌بندی‌های دیگری قرار گیرد که هیچ ارتباط منطقی و منسجمی با مفاهیم مدنظر در مقدمه ندارد.

۳. ضمن احترام به شخصیت علمی و تکاپوی عملی نویسندگان در پرداخت این اثر، باید توجه نمود که بسیاری از افراد همکار در پژوهش و نگارش مداخل کتاب انتخاب شده‌اند به هیچ‌عنوان چهره‌هایی برجسته و دارای کارنامه پر بار در آن عرصه علمی به‌شمار نمی‌روند. البته ممکن است استفاده از محققان مشهور و درجه یک لزوماً تضمینی بر کیفیت علمی کار نباشد ولی اگر از چهره‌هایی گمنام‌تر در چنین موقعیتی استفاده می‌شود، انتظار آن است که آنها نیز این فرصت را قدر دانسته و شایستگی علمی خود برای عهده‌دار شدن گوشه‌ای از این کار سنگین در عمل به اثبات برسانند. متأسفانه با مطالعه غالب مداخل بر خواننده روشن می‌شود که این نویسندگان نه پردازش آنچنانی در حوزه مورد بحث انجام داده‌اند و نه گشودن چشم‌انداز تازه‌ای به منظومه فکری رهبر انقلاب در کار آنها دیده می‌شود. بسیاری از مطالب که ذیل عناوینی پرطمطراق قرار گرفته‌اند، بدیهی، تکراری و با حداقل سطح تحلیل ارائه شده‌اند. برای نمونه تکرار مستمر در مورد ارجاع همه ابعاد اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به توحید در معارف اسلام چه چیزی بردانش خواننده در این زمینه می‌افزاید؟

۴. برخلاف ادعای اولیه، خواننده از عنوان روی جلد کتاب تا متن اثر در سراسر این ۱۴۰۰ صفحه با به‌کارگیری ادبیاتی روبه‌روست که نشان پرنرنگی از سوگیری تحلیلی اثر دارد. تعابیری همچون آیت‌الله العظمی، معظم له، ایشان می‌فرمایند... دلالت واضحی در این زمینه دارند. فراتر از ظواهر کلام، در هیچ جای کتاب به خلأ یا ابهام یا نقدی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای بر نمی‌خوریم. پس چگونه می‌توان باور نمود که مولفان نگاهی بی‌طرفانه داشته‌اند؟ اساساً طرح چنین ادعایی چه وجهی داشته است؟ بهتر نبود به جای آن، مجموعه پیش‌فرض‌ها و جهت‌گیری‌ها از ابتدا به‌طور شفاف با مخاطب در میان گذاشته شود؟

۵. در سراسر کتاب و در موارد بسیاری که به سختی می‌توان همه آنها را شمرد، از نقل قول مستقیم

به بهانه انتشار کتاب منظومه فکری آیت الله خامنه ای

## لزوم توجه به رویکرد تمدنی



یادداشت علی خاک رنگین

پژوهشگر حوزه مطالعات انقلاب اسلامی



وقتی درباره «منظومه فکری» سخن می‌گوییم، قاعدتاً نوعی از اندیشه نظام مند و سامان یافته را مراد کرده‌ایم؛ به دیگر سخن، «مجموعه‌ای عناصر و اجزای سازمان یافته، نظام و سیستم» فکری خاصی را مورد نظر داشته‌ایم. اما آیا صرف همین تلقی کلی از این تعبیر، کفایت می‌کند؟ به دیگر سخن، وقتی که از منظومه فکری سخن می‌گوییم، در یک نگرش ساده، از تعدادی عناوین و موضوعات ذیل یک اندیشه را مد نظر داریم که میان این‌ها نسبت‌هایی برقرار است که در کل، یک نظام را نشان می‌دهد. سخن این است که این موضوعات، چگونه به دست می‌آیند؟ و مهم‌تر از آن، نسبت‌های میان این موضوعات را چگونه می‌توان کشف و برقرار کرد؟ آیا در این فرآیند باید از روش‌های استقرایی بهره برد یا قیاسی؟ به دیگر سخن، منظومه فکری حرکتی است از جزء به کل یا به عکس؟

معمولاً در یک منظومه فکری، موضوعات مختلف، ارتباط‌های پیچیده، پرتکرار و مختلفی با هم دارند، این وضع، تهیه یک الگوی مناسب برای تبیین و بصری سازی آن اندیشه را صعب و دشوار می‌کند و گاهی مجبوریم که روابط و مفاهیم را ساده‌تر و بی‌پیرایه‌تر در نظر آوریم؛ که در اینجا سخن این است که تا چه حد می‌توانیم مرز این سادگی را توسعه دهیم؟

این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست، برای وضوح بیشتر از مقوله «منظومه فکری» در پیش روی ما قرار دارند. برای یافتن پاسخ، می‌توان - و باید - از سنت علما و اندیشمندان گذشته آموخت و تجربه‌ها و یافته‌های ایشان را مورد توجه قرار داد. شخصیت مقام معظم رهبری، یک شخصیت جامع نگر است؛ شخصیتی که علاوه بر مبارزات با رژیم طاغوتی و ثبات قدم در مبارزه با استکبار جهانی، دارای منظومه فکری تمدن ساز است. اهل تحقیق چند ویژگی برجسته را می‌توانند با مطالعه زندگی رهبری دریابند.

ویژگی نخست به زیست تحصیلی وی ارتباط دارد. وی در دوره تحصیل با عالمان فرهیخته متعددی و البته با گرایش‌های مختلف مواجه بود. عالمانی که گرایش فلسفی و عرفانی داشتند؛ همچون امام خمینی و علامه طباطبایی و عالمانی که منتقد فلسفه و عرفان به‌شمار می‌آمدند؛ همچون حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ جواد تهرانی؛ سعه صدر علمی وی اقتضای کرد که همه اندیشمندان شیعی را هر چند با گرایش‌های متنوع دریابد و از همه آنها کسب فیض کند.

دومین ویژگی مقام معظم رهبری، ارتباط با شخصیت‌های روشنفکر ادبی و فکری ایران معاصر است. این ویژگی نیز از سعه صدر علمی ایشان نشأت می‌گیرد. ذوق شعری و ادبی و تاریخی وی در تقویت این ارتباط مؤثر بوده است. نکته جالب اینکه مقام معظم رهبری با وجود ارتباط فکری و علمی و ادبی با جریان‌های مختلف روشنفکری و روحانیت، هیچگاه از روش عقلانی و دینی فاصله نگرفت و از اندیشه‌های التقاطی متأثر نشد. وی به خوبی شخصیت‌های فکری همچون جلال‌آل احمد و دکتر علی شریعتی را می‌شناخت و با شیوه عقلانی و روحیه سعه صدر با آنها مواجه می‌شد.

سومین ویژگی رهبری، پذیرش الگوهای مناسب برای رشد علمی و تربیتی و جهادی وی است. شخصیت‌هایی مانند شهید نواب صفوی و به‌ویژه شخصیت امام خمینی در شکل‌گیری فکری رهبری بسیار مؤثر بوده‌اند.

ویژگی چهارم مقام معظم رهبری شناخت جریان شناسانه از جنبش‌های فکری جهان اسلام اعم از اسلام نخستین و اسلام معاصر است که در دوران جوانی دنبال کردند و شخصیت‌های مهمی، مانند مودودی و سید قطب و اقبال را به خوبی

شناختند و شناساندند. به نظر نگارنده علت توفیق علمی و فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای علاوه بر روحیه تحقیقاتی و سعه صدر علمی، مطالعه عمیق تاریخ با روش جریان شناسانه بوده است. مطالعه تاریخ جهان اسلام و جهان غرب و جهان عرب با رویکرد جریان شناسانه، یکی از ویژگی‌ها و امتیازات مقام معظم رهبری است که نگرش کلان به جهان بشریت را به متفکر می‌دهد و نسبت به شناخت وضعیت موجود و بهره تاریخی از حوادث گذشته برای حوادث حال و آینده مدد می‌رساند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مقام معظم رهبری در کنار تحصیل و تحقیق در عرصه‌های فقهی و اصولی و رجالی و تاریخی و مباحث روشنفکری و روحانیت، تربیت و تعلیم طلاب و جوانان و علاقه مند به معارف اسلامی بوده است. شخصیت‌هایی که امروزه در نظام جمهوری اسلامی مسوولیت‌های مهمی را به عهده دارند. تدریس دروس متعارف حوزه یعنی فقه و اصول و رجال و معارف اسلامی، یکی از برنامه‌های ثابت و همیشگی مقام معظم رهبری برای طلاب سطوح مختلف علوم دینی و در کنار آن، تربیت جوانان مذهبی برای مدیریت کلان و خرد کشور اسلامی بوده است.

به جرأت می‌توان گفت که رهبر معظم انقلاب اسلامی از منظومه فکری جامع نگر برخوردار است و از این جهت، ویژگی خاصی را از وی نشان می‌دهد. منظومه فکری که در بردارنده نظام بینشی و منشی و کنشی اجتماعی است. منظومه فکری رهبری با محوریت توحید شکل گرفته است؛ توحیدی که بر همه نظام‌های مختلف سریان دارد. اندیشه توحیدی رهبری تنها در یک مسأله اعتقادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بر همه نظام‌های بینشی و منشی و کنشی سریان می‌یابد.

در کتاب منظومه فکری مقام معظم رهبری نگارنده جناب آقای دکتر خسروپناه با کمک محققان دیگر توانسته است منظومه فکری رهبری را در حوزه نظام‌های معرفتی شناختی و خدانشناختی و انسان شناختی و ولایت‌شناختی و جهان‌شناختی و جامعه‌شناختی و ارزشی و اجتماعی اعم از عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و مدیریتی و امنیتی و قضایی و نظامی و دفاعی و غیره عرضه بدارد.

شایان ذکر است که منظومه فکری رهبری با محوریت توحیدی و با رویکرد تمدنی شکل گرفته است. تمدن نوین اسلامی از مهم‌ترین دغدغه‌های مقام معظم رهبری است و همین نگرش تمدنی وی بوده که توانسته است به یک شخصیت علمی و

فکری با جایگاه اجتهاد دینی و تفکر روشنگرانه به معنای صحیحش، ظاهر شود.

همین رویکرد تمدنی وی سبب شد تا معظم له علاوه بر فعالیت گسترده علمی در حوزه‌های مختلف معرفتی، بتواند فعالیت گسترده سیاسی و جهادی داشته باشد. مجاهدی که قبل از انقلاب با رژیم طاغوت مبارزه جری داشت و به همین جهت بارها به زندان رفت و تبعید شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مسوولیت‌های مهم سیاسی و نظامی و فرهنگی در سایه رهبری امام خمینی شرکت جست؛ تا اینکه مجلس خبرگان رهبری، پس از ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی، رهبری نظام اسلامی را با وجود پرهیز شخصی به وی سپرد. معظم له با درایت و راهبردی توانستند مسیر امام خمینی را بدون ذرهای انحراف، مدیریت کنند و بر این مدیریت، استوار ماندند و همین استواری، باعث زنجش و فاصله برخی از دوستان نزدیک وی شد. مدیریت راهبردی وی در عرصه‌های علمی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی با رویکرد توحیدی و تمدنی و استکبارستیزی توانست کشور ایران را از بحران‌های متعدد نجات دهد و اینک کشور ایران به‌عنوان یک کشور قدرتمند در منطقه برای دنیا شناخته می‌شود.

با انبوه خوانی بیانات و تأمل در نظرات مقام معظم رهبری و از سویی رصد اقدامات ایشان نکاتی روشن می‌شود که توجه به آنها در این مقال راه‌گشاست:

۱. یک پیوند عمیق، همگون، روان و اثرگذار میان تمام نظرات ایشان از ابتدا تا کنون برقرار است که در عین انعطاف هیچ‌گونه تضاد و تعارض در مبانی و اصول با اهداف، خط و مشی‌گذاری‌ها و رویکردها دیده نمی‌شود. آنچه قابل درک است تکامل است نه تعارض. بنابراین یک منظومه فکری-راهبردی منظم و منسجم قابل استخراج است. پرواضح است که اندیشه مقام معظم رهبری به عنوان یک کل منسجم و واحد در افق‌های بلند مدت خود نقاط روشنی را دنبال می‌کند. خطابه‌ها و تذکراتی که ایشان هربار متناسب با شرایط و مقتضیات سیاسی-اجتماعی برای هدایت دولت مردان نظام در راستای اجرای وظایف قانونی‌شان در دوره‌های متفاوت زمانی ایراد کرده‌اند هرکدام بخش‌های متنوع از این کل منسجم و منظومه‌وار است. نظرات ایشان درباره تولید علم و تحول در علوم انسانی بخشی از این منظومه و کل منسجم است.

۲. با مطالعه مجموعه ترجمه‌ها و تالیفات و نوشته‌های پراکنده در مجلات و سخنرانی‌ها و کلاس‌های درسی ایشان در مشهد قبل از انقلاب، نماز جمعه‌های سلسله وار در موضوعات مشخص در دهه شصت و دست آخر مجموعه پیام‌ها، نامه‌ها، بیانات و ابلاغیه‌ها در دوران رهبری و... یک خط کلی در اندیشه‌های ایشان از سال‌های ۵۳ تا کنون آشکار می‌شود. افق روشن و نگاه بلند و امیدوارانه به آتیه اسلام از همان آغاز با ترجمه کتاب مورد علاقه ایشان «آینده در قلمرو اسلام» و از سویی نگرش مسلکی-اجتماعی به معارف اسلامی در «درس‌گفتارهای طرح کلی اندیشه اسلامی» (۱۳۵۳) نویدبخش شخصیتی را می‌داد که بعدها به‌عنوان قدرتمندترین رهبر مذهبی جهان شناخته شود.

۳. قربت و نزدیکی همه جانبه میان منویات ایشان و بنیانگذار انقلاب اسلامی (نظریه امام اجمال - امام تفصیل) مطلب مهم دیگری است لذا رجوع به بیانات امام و آنگاه بازخوانی بیانات رهبر انقلاب می‌تواند بهره‌مندی از بیانات ایشان را بیشتر کند.

۴. تعمق و تتبع در سخنان مقام معظم رهبری از جهات مختلفی برای تحقق نظام و تمدن اسلامی ضروری است؛ چراکه معظم له علاوه بر رهبری نظام اسلامی و مرجعیت فقهی و دینی، صاحب‌نظری خیره در بسیاری از حوزه‌های علمی و تخصصی هستند که فهم و استخراج نظرات ایشان، بر ترسیم راهبردها و جهت‌گیری‌های کلان (و حتی خرد) نظام‌سازی اسلامی و تبیین مبانی، اهداف، اصول، ارزش‌ها و الزامات مورد نیاز تحقق تمدن نوین اسلامی، تأثیر بنیادی و کاربردی دارد.

۵. منظومه‌وار دیدن سخنان معظم له نکته دیگری است که هر چند کاری مشکل و نسبتاً پیچیده است؛ لکن برای فهم درست سخنان ایشان، امری ضروری است. معمولاً معظم له

موضوعات رازجنبه‌های متنوع در سخنان مختلف خود تبیین می‌کنند که هر کدام دارای طرح معین و منظومه مفهومی مشخص است. جزیره‌ای دیدن سخنان، ممکن است نتواند کاملاً مفهوم و معنا را روشن نماید و در مواردی ای بسا رهزن باشد؛ برای منظومه‌وار دیدن سخنان نیز شناخت درست ارتباطات اجزای مختلف لازم است. صرف دیدن بخش‌های مختلف سخنان ایشان در یک موضوع یا جست‌وجوی نرم‌افزاری با کلیدواژه‌ها نمی‌تواند منظومه مفهومی نهفته در آنها را به‌صورت کامل مشخص کند. در حال حاضر نیز معمولاً در پژوهش‌ها و مکتوباتی که بر اساس سخنان معظم له تدوین و تنظیم می‌شود، کمتر سعی شده است نظامات و ساختارهای موجود در سخنان ایشان استخراج شود.

۶. درباره روش پژوهش در اندیشه‌های مقام معظم رهبری باید گفت از آنجا که بخش زیادی از نظرات ایشان در قالب سخنرانی و بر اساس شرایط روز بیان شده در بسیاری از موارد دستیابی دقیق به اندیشه ایشان بسیار سخت است، روشی که مقام معظم رهبری برای درک دقیق نظرات امام فرمودند درباره خود ایشان نیز صادق است: «شیوه درست استنباط این است که همه حرف‌ها را ببینند، آنها را در کنار هم قرار بدهند؛ توی آنها عام هست، خاص هست؛ مطلق هست، مقید هست. حرف‌ها را باید با همدیگر سنجد، تطبیق کرد؛ مجموع این حرف‌ها، نظر امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست، اما روشن است که باید چه کار کنیم؛ یک کار اجتهادی است؛ اجتهادی است که از عهده شما جوان‌ها برمی‌آید. بنشینند واقعا گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام را استنباط کنند، از گفته‌های امام به دست بیاورند». این شیوه را نگارنده شیوه نیمه‌اجتهادی می‌نامد هرچند انجام آن به نحو احسن بسیار زمان‌بر و از عهده این رساله خارج است اما تا جایی که رعایت شد تشریحش بود. سخن درباره شخصیت فکری و سیاسی و جهادی رهبری بسیار زیاد است و در این مختصر توان گزارش همه آن نیست. خدای حکیم علی الاطلاق را شاکریم که در عصر حاکمیت ولی فقیه زیست می‌کنیم؛ حاکمیتی که با رهبری دو شخصیت فرزانه حضرت امام خمینی و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تحقق یافت. شناخت شخصیت این دو بزرگوار برای نسل حاضر و نسل‌های آینده جهان اسلام می‌تواند الگوی تمدنی به‌شمار آید.